
الحمد لله

مارشال افغانستان و همدیگرپذیری

□ شناسه

بخش فرهنگی بنیاد مارشال فهم

سال چاپ: زمستان ۱۳۹۷ خورشیدی

تیراژ: ۵۰۰۰

فهرست

مقدمه..... ۹

تالار لویه جرگه

مارشال فهیم از رهبران نامدار تاریخ افغانستان است..... ۱۳
مارشال افغانستان به همدیگرپذیری باور کامل داشت..... ۱۵
مارشال فهیم مورد احترام همه اقشار و اقوام افغانستان است..... ۱۷
مارشال افغانستان خود را در راه خدمت به مردمش وقف کرد..... ۱۹
مارشال افغانستان پیوند ریشه‌ای با این خاک و مردم داشت..... ۲۳
مارشال افغانستان مرد، مجاهد، سنگردار، صاحب گپ، شخصیت عیار و مسلمان بود..... ۲۵
فقدان مارشال افغانستان در تمامی عرصه‌های دولتی محسوس است..... ۲۹
د افغانستان مارشال واقعا د ټول افغانستان پوری تعلق درلود..... ۳۱
حُسن نیت مارشال افغانستان از یادم نمی‌رود..... ۳۳

ولایات

بلخ..... ۳۷
مارشال از شخصیت‌های نادر افغانستان بود..... ۳۹
مارشال افغانستان بیرق نیمه‌افتاده وطن را به دست گرفت..... ۴۱
سالیاد جاودانگی مارشال افغانستان..... ۴۳
بدخشان..... ۴۴
غور..... ۴۵
قول اردوی ظفر - هرات..... ۴۶
کندهار..... ۴۷
نیمروز..... ۴۸

۴۹	بادغیس
۵۰	بامیان
۵۱	بغلان
۵۳	پکتیا
۵۴	تخار
۵۵	سرپل
۵۷	کنر
۵۹	پروان

گفت و گوها

۶۳	مارشال افغانستان تعهد و صداقتش را به مردم ثابت ساخته بود
۶۷	مارشال فهیم سفیر سیار جبهه جهاد بود
۷۹	شما می توانستید با مارشال افغانستان مخالف باشید،
۸۵	جز مقاومت و ایستاد شدن راه دیگری نیست
۹۳	رونمایی منار یادبود از کارنامه مارشال افغانستان

مقالات

۹۷	مارشال افغانستان و اعتماد ملی
۹۹	ما مرگ را به نوبت فردا نشسته ایم
۱۰۳	مارشال فهیم و پایه های سیاسی حکومت
۱۰۷	مارشال فهیم از معماران نظام کنونی بود
۱۱۱	نقش مارشال فهیم در تحکیم وحدت ملی
۱۱۳	تأثیر مارشال فهیم در سطح ملی و بین المللی
۱۱۵	مارشال فهیم؛ نقطه وصل و وحدت

کانون اصلاحات

۱۲۱	مارشال فهیم نسبت به افغانستان احساس مسئولیت می کرد
۱۲۵	مارشال افغانستان کشتی در حال غرق شدن جبهه مقاومت را نجات داد
۱۲۹	مارشال فهیم از پایه گذاران اصلی نظام نوین افغانستان شمرده می شود
۱۳۳	موند مقاومت په وخت کې وحدت ملی جوړ کړي و

کاروان نور

۱۳۹	مارشال افغانستان به مسلمان بودن و مجاهد بودن خود افتخار می کرد
۱۴۱	مارشال افغانستان باعزت از دنیا رفت
۱۴۵	اگر به جای مارشال فهیم شخص دیگری بود افغانستان تجزیه شده بود

سازمان آرمان

- ۱۴۹..... مارشال افغانستان در آزادی وطن نقش تعیین کننده‌ی را بازی کرد.....
- ۱۵۳..... مارشال فهیم در دفاع از کشور و نظام‌سازی بی‌مانند بود.....

روند استقامت

- ۱۵۷..... مارشال افغانستان به همه‌ امت مسلمه در جهان تعلق داشت.....
- ۱۶۱..... مارشال افغانستان الگوی وحدت ملی بود.....
- ۱۶۵..... مارشال افغانستان آیین‌دار ارزش‌هایی است که به همه‌ مردم کشور تعلق دارد.....

پیام‌های شبکه‌های اجتماعی

- ۱۷۱..... پیام دکتر عبدالله عبدالله.....
- ۱۷۲..... پیام صلاح الدین ربانی.....
- ۱۷۳..... احمدولی مسعود.....
- ۱۷۴..... امیر محمد اسماعیل خان.....
- ۱۷۵..... محمد حنیف اتمر.....
- ۱۷۷..... عبدالقهار عابد.....
- ۱۸۴..... مارشال محمدقسیم فهیم الگویی برای برادری و هم‌پستگی.....
- ۱۸۶..... مارشال و هم‌پذیری معطوف به قدرت.....
- ۱۸۷..... امروز سنگینی او را کسی ندارد!.....
- ۱۹۱..... نقش حیاتی مارشال محمدقسیم فهیم در گذار به دموکراسی.....
- ۱۹۳..... چهارمین سالیاد مارشال فقید.....
- ۱۹۵..... مارشال محمد قسیم فهیم (رح) افغانستان و صلح.....
- ۱۹۶..... چهره‌ انقلابی، سیاست‌مدار، جهادی، دوراندیش، وطن‌پرست، آزاد و با غیرت!.....
- ۲۰۱..... سروده‌ی در رثای مارشال افغانستان.....

مقدمه

او که خاکش را مرادف با دل و جان گفته بود

سنگ در هلمند را لعل بدخشان گفته بود

پنج سال از رحلت مردی می‌گذرد که یکی از پله‌های سنگین ترازوی عدالت اجتماعی افغانستان بود. مردی که با تجربه از جنگ‌ها و آوارگی‌های گذشته، مردم را به همدیگرپذیری و وحدت ملی دعوت می‌کرد. کسی که با صراحت فراخوان می‌داد «بیایید یک‌دیگر را بپذیریم، اگر پشتون هستیم، اگر تاجیک هستیم، اگر اوزبیک هستیم، اگر هزاره هستیم... همه گل یک باغ هستیم، همه گل باغ افغانستان هستیم». برای همه‌گان به روشنی واضح بود که مارشال افغانستان مرد چند چهره و پهلو نبود. او مثل سیاست‌گران حيله‌گر حرف سیاسی بی‌اغواکنده نمی‌گفت. صداقت مارشال افغانستان نسبت به کشور و مردمش تا آن‌جا بود که گاهی سخنانش را با اشک‌هایش یک‌جا ابراز می‌کرد. او اگر می‌گفت «بیایید یک‌دیگر را بپذیریم» صادقانه می‌گفت، او اگر می‌گفت «همه گل باغ افغانستان هستیم» عملاً برای مردم نشان می‌داد که هیچ نوع گرایشی به سمت‌وسوی خاصی جز مردم افغانستان ندارد. شخصیتی بود که از چهار گوشه افغانستان دوستان فراوانی داشت. او را یک هزاره همان قدر دوست داشت که یک قندهاری داشت، او را یک تاجیک همان قدر از خود می‌دانست که یک اوزبیک می‌دانست. او به تمام مردم افغانستان تعلق داشت، چرا که خودش را متعلق به هیچ محدوده کوچکی نمی‌دانست و می‌گفت من مارشال افغانستان هستم و به کلیت جغرافیایی این خاک تعلق دارم.

خیلی‌ها در افغانستان بحث «مسأله ملی» را مطرح کردند. مسأله ملی به عنوان یک مبحث بی‌نتیجه باقی مانده است. اما ما می‌خواهیم مسأله ملی را تعریف کنیم. از منظر ما مسأله ملی بیرون از این گفتمان‌ها بوده نمی‌تواند. -چگونگی نوع نظامی سیاسی، -تأمین عدالت اجتماعی استوار بر توزیع عادلانه قدرت سیاسی، -مشارکت سیاسی در پرتو رفع تبعیض و همدیگرپذیری، -سیاست خارجی روشن در برابر کشورهای همسایه، منطقه و جهان و... رویکردهای کلان مسائل ملی ما را می‌توانیم چنان خلاصه کنیم. مارشال افغانستان به حیث یکی از رهبران سیاسی شامل در قضایای چندین سال افغانستان به صراحت و وضاحت روی خیلی از مسائل کلان ملی صحبت کرده و دیدگاه‌های خودش را داشته است. ما به وضاحت رگه‌های فکری مارشال افغانستان را یافته‌ایم که مستقیم و غیرمستقیم روی خیلی از مسائل کلان ملی صحبت کرده و راهکارهای حل منازعات سیاسی را نیز پیشنهاد داده است. به همین مناسبت مارشال افغانستان همدیگرپذیری را در شرایط حاضر کشتی‌یی می‌دانست که مردم افغانستان را از منجلا ب سیاسی بیرون می‌کشد.

به هرانجام، چهارمین سالیاد رحلت مارشال افغانستان را «با ایجاد روحیه همدیگرپذیری» برگزار کردیم تا اهل سیاست و خرد افغانستان روی این مبحث کلان دیدگاه‌های خود را در پرتو آرمان‌های مارشال افغانستان مطرح کنند. کتاب حاضر مجموعه از سخنرانی‌ها، بحث‌ها و نوشته‌های اهل سیاست و خرد افغانستان می‌باشد که پیشکش حضور شما می‌شود. این بحث‌ها شامل سخنرانی‌های تالار لویه جرگه، محافل ولایات، گفت‌وگوها، برنامه‌های یادبود، مقالات و نوشته‌هایی‌ست که توسط بخش فرهنگی بنیاد مارشال فهیم گردآوری گردیده‌اند. توقع داریم این مباحث به همت اهل سیاست و خرد افغانستان گسترش بیابد تا آرمان‌ها و پندارهای بزرگان خویش را در جهت حل منازعات ملی و یافتن راه‌حل‌های منطقی سرمشق خود قرار دهیم.

بنیاد مارشال فهیم به عنوان بانی اصلی فکر مارشال افغانستان، پنج‌سال پیش از امروز بنیان‌گذاری شد. بنیاد در این مدت در بخش‌های فرهنگی فعالیت‌های گسترده‌یی را از بهر معرفی تاریخ جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان و دوره سازنده‌گی انجام داده است. بخش فرهنگی بنیاد مارشال فهیم در این مدت کتاب‌های: «یک‌سال در نبود مارشال افغانستان»، «جای خالی مارشال»، «مارشال افغانستان از دیدگاه شخصیت‌های سیاسی و مجاهدین کشور»، «سپیدارها»، «مارشال افغانستان پرچم‌دار آزادی و همدیگرپذیری»، «سخنان مارشال افغانستان» و «زندگی‌نامه مارشال افغانستان» را منتشر کرده است. همچنان متعهدیم تا در راستای مدون ساختن تاریخ جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان به تلاش‌های فرهنگی ادامه دهیم.



تالار لویه جرگه

اشاره: از چهارمین سالیاد درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم با عنوان «مارشال افغانستان و همدیگرپذیری» در تالار لویه جرگه یادبود شد. در مراسم رسمی چهارمین سالیاد مارشال افغانستان هزاران تن از شهروندان، مجاهدین و اراکین بلند رتبه دولتی اشتراک ورزیده بودند. در این مراسم اراکین دولتی و همسنگران مارشال افغانستان پیرامون کارنامه و جایگاه او صحبت کردند.

در این بخش متن سخنرانی‌های این محفل را می‌خوانید.



مارشال فهیم از رهبران نامدار تاریخ افغانستان است

سترنجرال شریف یفتلی رئیس ستاد ارتش و رئیس کمیسیون دولتی مراسم چهارمین سالگرد مارشال افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم.

اعضای محترم کابینه، وکلای شورای ملی، قومندانان محترم جهادی، آقایان و خانمها!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

نخست از همه به نماینده‌گی از اعضای کمیسیون برگزاری چهارمین سالگرد درگذشت یگانه مارشال کشور همه شما بزرگان را خیر مقدم می‌گویم و به روح مارشال فقید و همه شهدای کشور درود می‌فرستم. جا دارد تا از اعضای کمیسیون مذکور تشکر کنم، برای این که زحمات زیادی را در امر تطبیق و تنظیم هرچه باشکوه‌تر این سالگرد متحمل شده‌اند.

حضار گرامی، یادبود از مارشال افغانستان در حقیقت یادبود از تلاش و مبارزه خسته‌گی ناپذیر شخصیتی است که از دوران جهاد تا مقاومت ملی و زمان رحلتش دست‌آوردهای قابل ملاحظه‌یی را به مردم ما به ارمغان آورده است.

مارشال فقید به‌عنوان کلیدی‌ترین شخصیت پس از قهرمان ملی کشور، شهید احمدشاه مسعود در عرصه مبارزه با تهاجم سیاه تروریزم بین‌المللی توانست صفوف مقاومت را به خوبی مدیریت کند و بحران ناشی از خلاء فرماندهی را پیروزمندانه عبور کند. بنابراین، یاد مارشال مرحوم در میان توده‌های

عظیم مردم افغانستان همواره زنده است.

نقش و کارکرد هدفمند آن مرد بزرگ در جهت تشکیل اردوی ملی و تشکیل دولت موقت به منزله پیش‌زمینه حکومت انتقالی و سپس تحکیم نظام مبتنی بر مردم‌سالاری انکارناپذیر است.

حضار گرامی! مارشال محمدمقسیم فهیم از نامدارترین رهبران تاریخ معاصر کشور ما محسوب می‌شود که فکر مساعد و باورمندی کامل به زنده‌گی مسالمت‌آمیز بین اقوام باهم برادر کشور داشت. او از جمله رهبران فرزانه‌یی بود که با درک درست و دقیق از تحولات مهم چندین دهه از تاریخ کشور ممکن‌ترین راه پیش‌رفت و ترقی را در اتحاد و اتفاق همه اقوام باهم برادر کشور دریافته بود.

مارشال فقید تلاش فراوان و گسترده‌یی را در راستای تحکیم وحدت ملی و تقویۀ روحیۀ باهمی در میان اقشار مختلف جامعه انجام داد که حاصل آن تلاش‌ها را نمی‌شود در چند جمله کوتاه خلاصه کرد.

مارشال فقید نه تنها یک مرد نظامی کامل بود، بلکه در گسترۀ سیاست، اجتماع و فرهنگ کشور نیز فعالانه سهم داشت. در دو دورۀ ریاست‌جمهوری که ایشان معاون اول بودند، نقش بارزی را در این بخش‌ها ایفا کردند که می‌توان گفت نظام فعلی و دست‌آوردهای مردم افغانستان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی نتیجه زحمات شخصیت‌هایی‌ست که در آن میان مارشال محمدمقسیم فهیم به‌عنوان تأثیرگذارترین چهره، مطرح بحث بوده است.

حضار گرامی! می‌خواهم با استفاده از فرصت این نکته را خاطرنشان سازم که دشمنان مردم و تروریستان در تباری با شبکه‌های استخباراتی بعضی از کشورهای منطقه در تلاش‌اند تا در جریان سال آینده به کشتار، ویرانگری و دهشت‌افگنی‌شان هم‌چنان ادامه دهند. از همین جایگاه به شما اطمینان می‌دهیم که نیروهای دفاعی و امنیتی شما در جهت دفاع از مردم افغانستان، پاس‌داری از قانون اساسی، شکست‌دادن تروریستان و کشاندن آنان به میز مذاکره از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نخواهند کرد و به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد تا تروریستان و حامیان خارجی آن‌ها به اهداف شوم‌شان برسند. قوای مسلح کشور در چند سال گذشته مسؤلیت دفاع مستقل را از کشورشان به عهده داشتند و ثابت کردند که جلو دشمنان این سرزمین را می‌گیرند و پلان‌های شوم‌شان را خنثا و آنان را به شکست مواجه می‌سازند. بنابراین، نیروهای امنیتی و دفاعی شما در دفاع از داعیۀ صلح‌طلبانۀ مردم افغانستان قاطعانه می‌ایستند و از آن گامی به عقب نخواهند گذاشت.

در اخیر یک‌بار دیگر ضمن اتحاف دعا به روح مارشال فقید، شهدای راه آزادی به ویژه نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، از خداوند بزرگ صلح سراسری و آرامش دائمی استدعا می‌کنیم.

زنده و پاینده باد اتحاد و همبسته‌گی مردم افغانستان.



مارشال افغانستان به همدیگرپذیری باور کامل داشت

ادیب فهیم - رئیس بنیاد مارشال فهیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِهِ الْاَمِیْنِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلٰی اٰلِهِ وَصَحْبِهِ اَجْمَعِیْنَ.
السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

درود می فرستم به روح شهدا و بزرگانی که جای شان خالیست، قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود، شهید صلح مردم افغانستان استاد پروفیسور برهان الدین ربانی، حاجی عبدالقدیر شهید، استاد عبدالعلی مزاری، شهید مطلب بیگ، شهید سیدمصطفی کاظمی، سید احمد گیلانی مرحوم...، خداوند روح همه شان را شاد داشته باشد و یادشان گرامی باد.

ابتدا تشریف آوری همه شما بزرگان کشور خاوران و برادران عزیز را به محفل گرمی داشت از چهارمین سالروز رحلت مارشال افغانستان خوش آمدید گفته و تشکر می کنم.

با درک وضعیت کنونی افغانستان می خواهم نظریات مارشال کشور را در مورد سه مبحث دارای اهمیت ملی و تاریخی برای کشور که همانا مصالحه، حمایت از نظام و همدیگرپذیری است و مجلس امروز هم تحت عنوان مارشال افغانستان و همدیگرپذیری تدویر گردیده به طور خلاصه یک بار دیگر خدمت شما به عرض برسانم.

مارشال افغانستان و مصالحه: مارشال افغانستان به صلح و مصالحه من حیث یک اصل باور داشت. او معتقد بود که برای رسیدن به یک افغانستان آزاد، آباد و مرفه راهی جز مصالحه وجود ندارد. مارشال کشور اعتقاد داشت که به خاطر رسیدن به صلح نیاز است تا به مطالبات و خواست‌های مشروع مخالفین احترام قایل شویم. مارشال فقید باور داشت که مذاکره و مصالحه از موضع و موقف قدرت و صلابت صورت گیرد و مردم افغانستان در ارتباط به مصالحه اجماع ملی داشته باشند.

مارشال افغانستان و حمایت از نظام: مارشال کشور من حیث یکی از بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی افغانستان و به عنوان بنیان‌گذار اردوی جدید کشور اعتقاد عمیق به احترام و حمایت از نظام داشت. یکی از خصوصیات بارز مارشال کشور که همهٔ سیاسیون و بزرگان افغانستان در ارتباط به آن اتفاق نظر دارند، حمایت بی‌دریغ، همه‌جانبه و دایمی مارشال کشور از نظام جمهوری اسلامی افغانستان است. مارشال افغانستان حتا زمانی که مسئولیت رسمی در حکومت افغانستان نداشت، در حمایت و پشتیبانی از حکومت و نظام قرار داشت و به‌خاطر تحکیم پایه‌های وحدت ملی و ثبات در کشور و ایجاد فضای صمیمیت و برادری در میان مردم عزیز افغانستان تلاش می‌کرد.

مارشال کشور به همدیگرپذیری باور کامل داشت. مارشال کشور باور داشت تا به‌خاطر عبور از چالش‌های کلان ملی باید همدیگرپذیری داشته باشیم. امروز در شرایطی که ما من حیث یک ملت و دولت با سه بحران کلان امنیتی، سیاسی و اجتماعی روبرو هستیم، بیش‌تر از هر زمانی نیاز به همدیگرپذیری داریم. اما همدیگرپذیری وقتی معنا دارد که همه‌شمول باشد و هیچ استثنایی وجود نداشته باشد. همدیگرپذیری یعنی عبور از حالتی که طرفی همیشه قربانی دهد و طرف دیگر عقده‌گشایی کند. همدیگرپذیری یعنی گذاشتن نقطهٔ پایان به انتقام‌جویی‌ها و عقده‌گشایی‌ها. همدیگرپذیری یعنی احترام متقابل به تمام ملت بزرگ افغانستان. همدیگرپذیری یعنی گذشتن از منافع کوچک به‌خاطر منافع بزرگ و علیای افغانستان و به تحکیم ثبات، وحدت ملی، ایجاد فضای صمیمیت و برادری بین ملت بزرگ افغانستان. همدیگرپذیری وقتی معنا دارد که به قول مارشال فقید از حسد و کینه بگذریم و همه را به دید محبت ببینیم تا فضای برادری و صمیمیت بین مردم افغانستان ایجاد گردد.

حضار گرامی! در مجلس امروز بزرگان، سیاسیون و مجاهدین عزیز از نقاط مختلف افغانستان به منظور نه تنها ارج‌گذاری به مارشال فقید، بلکه به‌منظور ارج‌گذاری و احترام به ارزش‌های والای مشترک بین مردم کشور که همدیگرپذیری یکی از آن ارزش‌هاست، جمع شده‌اند.

ما من حیث یک ملت نیاز داریم تا با احترام متقابل به‌خاطر وحدت ملی و ایجاد صمیمیت و برادری و فضای صلح و ثبات در کشور تلاش کنیم. نیاز داریم در مجلس امروز به‌خاطر تقویة روحیة همدیگرپذیری و وحدت ملی به بیانات و رهنمودهای بزرگان کشور و سیاسیون عزیز ما که در مجلس امروز تشریف دارند توجه جدی داشته باشیم.

در اخیر از همهٔ بزرگان کشور، رهبران معظم جهادی، سیاسیون عزیز، مجاهدین کشور، خواهران و برادران گرامی، نماینده‌گان کشورهای دوست به‌خاطر حضورشان در مجلس امروز تشکر می‌کنم. هم‌چنان از رئیس‌جمهور و رئیس‌اجرائیه جمهوری اسلامی افغانستان به‌خاطر تشکیل کمیسیون رسمی دولتی به‌منظور برگزاری مراسم چهارمین سالروز رحلت مارشال کشور سپاس‌گزارم. هم‌چنان از رئیس و اعضای کمیسیون، مخصوصاً از نیروهای پرافتخار و دلیر امنیتی افغانستان قدردانی می‌کنم.

تل دي وي افغانستان، زنده باد افغانستان



مارشال فهیم مورد احترام همه اقشار و اقوام افغانستان است

پیام محمد اشرف غنی - رئیس حکومت وحدت ملی

برادران و خواهران گرامی و هموطنان عزیز و ارجمند!

مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم یکی از چهره‌های نام‌دار است که نام و یادش در تاریخ معاصر کشور ما به جاودانه‌گی ثبت گردیده است. آن‌چه که سبب به‌یادماندن نام بزرگان و ثبت آن در اوراق زرین یک کشور می‌شود، میزان تعهدی‌ست که از خود برای سربلندی، اتحاد، اعتلا و کامیابی مردم و سرزمین خود نشان می‌دهند.

تاریخ هر کشور پر از نام سیاست‌مداران، جنگ‌جویان و نقش‌آفرینانی است که در رقم‌زدن حوادث گوناگون میهن خود سهم داشته‌اند، اما از آن میان کسانی نام ماندگار پیدا می‌کنند که در کاستن درد و رنج مردم کوشیده و به خاطر سعادت، موفقیت جامعه و استوار ساختن صفوف و یک‌پارچه‌گی ملت خود نقش تاریخی و قابل ستایش به عهده گرفته‌اند؛ کسانی که از خود گذشته‌اند تا دیگران را به آسایش و آرامش برسانند.

حضار گرامی!

کشورهایی که گرفتار مصیبت تهاجم خارجی و بحران‌های داخلی می‌شوند، در معرض آسیب‌های شدیدی قرار می‌گیرند و یکی از آسیب‌هایی که همه هستی آن را به چالش مواجه می‌سازد، پیدایش

شکاف‌های داخلی و سست‌شدن شیرازه و انسجام وحدت ملی است. آبادکردن ویرانی‌های به‌جامانده از جنگ، سروسامان دادن شرایط اقتصادی، غلبه بر فقر و بیکاری، به کار انداختن چرخ صنعت و ده‌ها کار دیگر همه امکان‌پذیر می‌شوند، به شرط آن‌که نیروهای یک ملت در مسیر منافع کشور متحدانه به کار بیفتند، وحدت صف محفوظ بماند، تشنت و پراکندگی از میان رخت بربندد، نزاع‌های بیهوده و کشمکش‌های زیان‌بار نباشند، کسانی که به چنین چالش‌ها پیروز می‌شوند و می‌توانند قهرمان عرصه‌های همکاری و هم‌بستگی شوند و با رفتار و گفتار خود الگویی را از وحدت و همدلی به نمایش بگذارند که شایسته‌گی خود را برای ماندگارشدن و جاودانه‌گی در کشور خود به اثبات می‌رسانند.

مرحوم مارشال فهیم یکی از شخصیت‌های عیار و نامدار این سرزمین بود که در روزهای سخت در کنار مردمش قرار داشت، در جهت همدلی اقشار مختلف ملت ما تلاش ورزید، برای استقرار نظام و دولت‌داری در افغانستان جد و جهد کرد و تا آخرین روزهای حیاتش با احساس مسئولیتی که در خور یک شخصیت ملی است رفتار کرد، به همان جهت است که امروز شخصیت مارشال فقید مورد احترام همه اقشار و اقوام این کشور قرار دارد و بحث‌های کوچک تأثیری بر جایگاه آن مرد بزرگ نمی‌گذارد.

از خداوند متعال برای مارشال مرحوم آرامش ابدی، برای فرزند برومند ایشان موفقیت افزون و برای هم‌سنگران او تداوم راه آن مرحوم را آرزو داریم.



مارشال افغانستان خود را در راه خدمت به مردمش وقف کرد

دکتر عبدالله عبدالله - رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، اما بعد اغوذ بالله من الشيطان الرجيم.
بسم الله الرحمن الرحيم.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ - سورة صف / آية ٤

ترجمه: همانا خداوند کسانی را دوست دارد که صف بسته در راه او پیکار کنند، چنان که گویی بنای بسیار مستحکم سربی هستند.

خضار گرامی!

جلالت‌مآب حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین جمهوری اسلامی افغانستان، فضیلت‌مآب استاد عبدرب الرسول سیاف رهبر جهادی عالم بزرگوار و شخصیت دانشمند کشور ما، جناب محمد یونس قانونی، محترم احمد ضیاء مسعود معاون نخست پیشین ریاست‌جمهوری افغانستان، رئیس مجلس نماینده‌گان جناب عبدالرؤف ابراهیمی، معاون اول ریاست اجرائیه جناب انجینیر محمد خان، رهبران محترم جهادی، محترم عبدالهادی ارغندیوال، مجاهدین، جوانان، رهروان راه جهاد و مقاومت، فرزند ارشد مارشال صاحب جناب ادیب فهیم معاون اول ریاست عمومی امنیت ملی، جناب فضل‌الهادی مسلمیار رئیس مجلس سنا، جناب سید اسحاق گیلانی، جناب سید حامد گیلانی، داکتر صاحب زلمی رسول و دیگر

بزرگواران در این محفل حضور بهم رسانیده اند، حضور تان را خیر مقدم گفته و قدرانی می‌کنم.

اتحاف دعا داریم به روح مارشال کشور و به روح همه شهدای افغانستان. مارشال محمدمقسیم فهیم عمر خود را وقف جهاد، مقاومت، دولت‌داری و خدمت به مردم کرده بود. امروز از یاد و خاطره او در سطح افغانستان گرامی‌داشت می‌شود. حضور خواهران و برادران در این تالار نشان می‌دهد، شخصیت‌هایی که در تاریخ این کشور خود را وقف مردم و آرمان‌شان کرده‌اند مصداق آیه کریمه است که زنده هستند، چون زنده‌گی خود را وقف راه خدا کرده‌اند، راه‌شان ادامه پیدا می‌کند.

قبل از این که به جبهه بیایم با نام و کارنامه‌های مارشال کشور آشنا بودم، آن خاطره را فراموش نمی‌کنم، در قریه‌یی به نام «آب خاواک» شب را با قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود سپری کردیم و نماز صبح را با امامت مارشال کشور که قاری خوب هم بود ادا کردیم. این اولین دیدار با مارشال افغانستان بود، از آن روز به بعد با وی هم‌سنگر و دوست بودیم، از او آموختیم و در کنارش قرار داشتیم.

مارشال افغانستان شخصیت چند بُعدی بوده بیش‌تر در عرصه نظامی و امنیتی کار کرده بود، شاید تصور بیش‌تر به نظامی بودن او شود، اما اهل عرفان و تصوف نیز بوده مهربان و دل‌سوز بود. هیچ‌گاه کینه را به دل نگه نمی‌داشت. همواره در تلاش تحکیم وحدت مردم افغانستان بود. در هر جریانی که قرار می‌گرفت یک نکته همیشه مد نظرش بود این که افغانستان نباید به تفرقه‌های گذشته برود. چیزی که امروز هم افغانستان را ضعیف ساخته تفرقه است که در بین مردم کشور ایجاد شده است. منشأ این تفرقه عدم آگاهی از وضعیت، عدم تعهد واقعی به آرمان‌های مردم و عدم آگاهی به عدالت است که در این کشور صورت گرفته و می‌گیرد. این مواردی بود که مارشال فهیم خود را در مقابل آن سپر ساخته بود تا کشور در آن مسیر نرود.

زمانی هم تصمیم سیاسی ما و مارشال کشور به شکل متفاوت گرفته شد، اما او این بزرگواری را داشت که تصمیم متفاوت سیاسی‌اش هیچ تأثیری در رویه، رفتار و احترام متقابل که با هم داشتیم نداشت و همچنان در زمینه رهنمایی و توصیه‌یی که به ما داشت، اثری نگذاشت.

شماری از بزرگان دوره جهاد و مقاومت در این محفل حضور دارند، هر موقعی که ما را دعوت می‌کرد، آزادانه خواسته‌های خود را مطرح می‌کردیم، در مقابلش سخت انتقاد می‌کردیم، مشکلات را مطرح می‌کردیم، بحث‌های داغ می‌داشتیم، اما روش و رفتار وی طوری بود که در آخر به نتیجه می‌رسیدیم، بحث آن مجلس به دیدار بعدی سرایت نمی‌کرد و دوباره جبین گشاده، مهمان‌نوازی و بزرگواری او ادامه داشت.

وقتی استاد برهان‌الدین ربانی شهید مسئولیت جبهات مقاومت را به مارشال کشور سپرد که خواست همه ما نیز بود، این بار سنگین را با متانت، صلابت و استقامت به مقصد رساند. پس از آن انتقال قدرت صورت گرفت و کارهای مارشال کشور تهداب خوبی برای افغانستان شد.

شکی نیست که در هفده سال گذشته فرصت‌های خوبی را از دست داده‌ایم، هر روز قربانی می‌دهیم، تحمل مردم کشور تا این حد است. مسئولیت قضایا در قدم اول بر ماست، همان‌طور بر کسانی است که خارج از دایره حکومت می‌باشند، باید باهم کار کنیم، مردم و کشور را از این مشکلات نجات دهیم.

کشور ما در خطرناک‌ترین حالت خود قرار دارد، اگر ما یک بار دیگر ضمن جنگی که در کشور وجود

دارد، به طرف بی‌عدالتی، تفرقه قومی... برویم دیگر چیزی برای نجات افغانستان وجود نخواهد داشت، این نکته باید همیشه مد نظر ما باشد.

وقتی گفته می‌شود که برای مذاکره حاضریم و برای شروع مذاکره قید و شرطی نداریم، بسیار خوب است و همین طور هم باید باشد، چرا که یک روز نباید برای آمدن صلح تأخیر صورت گیرد. اما نباید به نام آوردن صلح امتیازدهی به گروهی و یا طرفی صورت گیرد، هیچ معامله پشت پرده در ارتباط به سرنوشت مردم افغانستان قابل پذیرش نیست. ولی اگر معامله‌یی در کار باشد، مردم افغانستان که تا اکنون قربانی می‌دهند، در مقابل آن ایستاده خواهند کرد.

در قسمت پروسه انتخابات باید گفته شود که انتخابات کشور باید طبق اصولی که تسجیل شده است، برگزار شود و راه بهتری جز انتخابات وجود ندارد. طوری که ایجاب می‌کند، در میان مردم نسبت به انتخابات عادلانه اعتمادسازی صورت نگرفته است. ما مسئولیت مشترک داریم، یقیناً که اگر در همه سطوح رای پاک مردم دقیق حساب شود، اعتماد مردم به وجود می‌آید و آن را اساس دانسته و به آینده امیدوار می‌شوند.

در ارتباط به نیروهای امنیتی و دفاعی بگویم که هیچ‌گاه نباید کوچک‌ترین تشویش در ذهن نیروهای ما ایجاد شود، نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان بسیار قربانی داده‌اند، شب و روز برای حفظ و به دست آمدن امنیت کشور تلاش می‌ورزند، نباید در ذهن این نیروهای دلیر تشویش ایجاد شود. صف نیروهای امنیتی ما حق است و پیروز شدنی است و زحمات این نیروها روزی باعث آمدن صلح در کشور خواهد شد.

نیروهای امنیتی و دفاعی ما مسئولیت ۱۶۰ هزار نیروی خارجی را به عهده گرفته‌اند که مسئولیت بزرگی است، خواست هر فرد از مردم افغانستان است تا نیروهای دفاعی و امنیتی ما سر پای خود بایستند، این روز فرارسیدنی است که روزی امنیت در کشور بیاید و از نیروهای خارجی تشکر شود به خاطر آنکه در پهلوی ما ایستاده شدند و سرانجام آن‌ها به کشورهایشان برگردند.

مورد دیگری که بسیار مهم است این که معیوبین و متضررین نیروهای دفاعی و امنیتی نباید فراموش شوند طوری که مجاهدین فراموش شدند و به آن‌ها گفته شد که جهاد کردید، ولی اکنون زمان دیگری است. اگر باز آن تجربه تکرار شود افغانستان به آزمون دیگری مواجه می‌شود، اگر ملت و مدافعان وطن ناراض باشند، خداوند آن‌طور حالت را نمی‌پذیرد و دوست ندارد.

ما از مارشال کشور درس‌های زیادی آموختیم، سخاوت، جوانمردی، همدیگرپذیری، وقف‌شدن در راه خدمت به مردم، تحمل و بردباری، آموختن از سیر روزگار و آموزاندن برای مردم از آن مرد، به یادگار مانده است.

یقین دارم که فرزندش راهش را ادامه داده است، رهروانش راهش را ادامه می‌دهند و مردم کشور قدر چنین بزرگان را می‌دانند.

السلام علیکم ورحمة الله و بركاته



مارشال افغانستان پیوند ریشه‌ای با این خاک و مردم داشت

حامد کرزی - رئیس‌جمهور پیشین

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين.

خواهران و برادران گرامی، بزرگان جهاد و مقاومت و سایر شخصیت‌های عزیز کشور ما، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

عنوان زیبایی را در تصویر دیدم نوشته است، مارشال افغانستان؛ راستی که او مارشال افغانستان بود. زمان زیادی با او دوست بودیم، کارهای زیادی انجام دادیم، روزهای خوش و ناخوش را سپری کردیم، در هفته سه تا چهار بار می‌دیدیم. این‌طور نبود که در هر دیدار همیشه روی کارهای رسمی صحبت باشد، بلکه گاهی روزهای چهارشنبه را روی موضوعات گوناگون بحث می‌کردیم حتا در مورد مردم هم نظر می‌داشتیم.

برادران و خواهران گرامی!

مارشال عزیز شخصیت افغانستان بود، پیوند ریشه‌ای با این خاک و مردم داشت. افغانستان هنوز یک جسم و یک پیکر است، دلیل آن این است که در مواقع حساس زنده‌گی شخصیت‌هایی هم‌چون مارشال کشور بوده که این وطن از هم نپاشید و باقی ماند، چرا که این کشور همیشه مورد دسیسه و توطئه کشورهای بیرونی خصوصاً در چهل سال اخیر قرار داشته است.

از شخصیت‌های نامی کشور شنیده‌اید، به طور مثال، میر مسجدی خان، وزیر اکبر خان، امین‌الله خان لوگری، عبدالله خان اچکزی، میریچه خان... و هم‌چنان از شخصیت‌های دوران جهاد و مقاومت مانند شهید احمدشاه مسعود، حاجی عبدالحق... نیز شنیده‌اید.

این خاطره را بارها یاد کرده‌ام، پنج روز پس از ساختن حکومت، مارشال کشور نزد آمد و گفت که قبل از جلسه (بن) یکی از سران کشورها برایم گفت، غربی‌ها به این نظر اند، در صورتی که طالبان شکست نخورند و در نقاط مختلف کشور باقی بمانند، بهتر خواهد بود تا چندین حکومت در این کشور بسازیم، نظرت چیست؟ در جایی که نشسته بودیم، جوی آب بود و سنگ‌های تزئینی در دو طرف آن جاسازی شده بود و به زیبایی‌اش می‌افزود. به طرف سنگ‌ها اشاره کردم و گفتم که در افغانستان در جایی این را «سنگ» می‌گوییم و در جای دیگر «تیگه» یا «دبره» و من صاحب هردوی آن استم و هردو را می‌خواهم. من دوازده سال بعد عمق حرف مارشال کشور را درک کردم که چه خدمت بزرگی در این خاک کرده است. یادش همیشه زنده باشد، بسیار وطن‌دوست بود. از این که همیشه محفل گرمی داشت برایش برگزار می‌شود، خوشحال می‌شوم.

دو روز پیش افتتاح مجلس شورای ما بود، رئیس آن با من تماس گرفت و مرا دعوت کرد، گفتم که مریض استم و نمی‌توانم بیایم و عذر مرا پذیرفت، اما امروز نتوانستم در محفل یادبود از مارشال کشور نیایم چرا که زور مارشال را نداشتم و مقاومت کرده نتوانستم.

این مریضی من ویروس خارجی است، ویروس خارجی ما مردم افغانستان را در به در کرده است، هر چه دواى خارجی خوردم صحتمند نشدم، آخر آش وطن ما چاره‌اش را کرد!

پیشنهاد می‌کنیم که طبق راه مارشال کشور عمل کنید که راه افغانستان متحد، قوی و با عزت است، راهی که سنگ و تیگه‌اش مربوط هر فرد این خاک است.

زنده باد افغانستان

تل دي وي افغانستان



مارشال افغانستان مرد، مجاهد، سنگردار، صاحب گپ، شخصیت عیار و مسلمان بود

استاد عبدرب الرسول سیاف - رهبر جهادی

السلام علیکم ورحمة الله و بركاته!

الحمد لله و کفی و سلام علی عباده الذین اصطفی و بعد اعوذ بالله من الشطان الرجیم. بسم
الله الرحمن الرحیم. کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ
وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَیَاةُ الدُّنْیَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ. آل عمران/ ۸۵

ترجمه: هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود
خواهید رسید، پس هر کس را از آتش جهنم دور دارند و به بهشت ابدی درآرند چنین کس سعادت ابد
یابد که زنده گی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.

در این آیه مبارکه الله متعال در مورد سرنوشت تمام زنده جان‌های زمین و آسمان‌ها فیصله خود
را ابلاغ می‌کند. هر نفس بدون استثنا چشنده مرگ است، این سنت خداوند متعال در رابطه به همه
کسانی که روح و جان دارند می‌باشد. حتا فرصتی می‌رسد که ملائک مقربین جبرئیل (ع) و میکائیل (ع)
هم قبض روح می‌شوند. عزرائیل (ع) به سروقت هر کس بدون اجازه می‌رسد، تنها وقتی که روح مطهره
نبی کریم (ص) را قبض می‌کرد اجازه وارد شدن به حجره‌اش را خواست. جبرئیل (ع) بالای سر حضرت
محمد (ص) ایستاده بود و این زمانی بود که روحش به حق می‌پیوست، به رسول الله گفت که حضرت

عزرائیل پشت دروازه است، اجازه ورود می‌خواهد. آن حضرت اجازه داد و آمد بالای سر پیامبر ایستاده شد و به امر خدا و به اجازه پیامبر اکرم روح مبارکش را قبض کرد.

مرگ تلخی نیز دارد و همه کس آن را خواهد چشید. جای نتایج اعمال نیز در آنجا است که اجر و پاداش هر شخص کامل داده می‌شود. در آنجا است که کامیابی و ناکامی مطرح می‌شود؛ کسی که از آتش دوزخ دور شده و به جنت داخل شود، کامیاب است. الله متعال همه ما را از جمله جنتی‌ها بگرداند. در آخر آیتی که قرائت شد الله متعال می‌فرماید که زنده‌گی دنیا فریبنده است و نباید فریب خورد و برای کامیابی آخرت باید کار کرد.

خداوند متعال مارشال فقید را بیامرزد و از جمله کسانی بگرداندش که کامیاب‌اند. مارشال افغانستان مرد، مجاهد، سنگردار، صاحب گپ، شخصیت عیار و مسلمان بود. در مورد مجاهدین قول رسول الله برای ما سند است که فرموده، پاهایی که در راه خدا گردآلود شده باشد، آتش به آن نمی‌رسد. پاهای مارشال فقید همیشه گردآلود بود، هم‌چنان سر و صورتش نیز گردآلود بود. فضای کابل با نامش آشنا است. دو سال در کوه تلویزیون سنگر گرفته بود و از مردم و حریم کابل دفاع می‌کرد و مردانه سنگرداری کرد، هر نقطه فضای پایتخت با نام طارق که شفر مخابرات مارشال بود آشنا است، همه کس صدا می‌کرد که طارق طارق!

در دوران مقاومت نیز به یاد دارم، مارشال بازوی راست و امین قهرمان ملی کشور بود، در بسیار مسائل خطیر و مهم مارشال را برای حل و فصل می‌فرستاد. زمانی طالبان «خط شوخی» و پایان «محمودراقی» را درهم شکستند، از بالا یا از طرف «شبر» طرف غوربند آمدند و در ساحه «پل متک» رسیدند، هم‌چنان از طرف اندراب به خاواک رسیدند. احمدشاه مسعود شهید را الله بیامرزد با استفاده از تلفن برایم گفت که به خاواک می‌روم، گفتم خیریت است. گفت که طالبان بالای لب بام ما آمده‌اند و مجبوریم تا جلوشان را بگیریم.

مارشال مرحوم با چند تن از دوستانش به بلندی دره قاسان و شاشان رسید و ترتیبات دفاع را گرفت و دشمن را کمربر زد و دشمن شکست خورد، مثل این که دم مار را بزیند و خود را به طرف عقب کش کند.

مارشال کشور، قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود، استاد پروفیسور برهان‌الدین ربانی شهید صلح...، همه رفتند و ما نیز خواهیم رفت، هر کس در هر منصب و مقامی که قرار دارد، متوجه باشد که مرگ را از یاد نبرد.

هارون الرشید جوان بود که از دنیا رفت. بیست سال امارت مسلمانان در اختیارش بود، چهل و سه سال داشت که دار فانی را وداع گفت. مرض مرگ که بالایش تشدید یافت، گفت که مرا ببرید تا یک مرتبه قبرم را ببینم. به طرف قبر خود که دید، با چشمان پر اشک گفت: مال من از من دفاع کرده توانست، پادشاهی‌ام رفت. به طرف آسمان دید و گفت که ای کسی که پادشاهی‌ات دائم و قائم است بالای کسی که پادشاهی‌اش در حال زوال است رحم کن.

هدف این است که سلاطین و شخصیت‌های بزرگ رفتند و ما نیز روانیم، اما امیدواریم با دست پر به پیشگاه الله متعال برویم.

چند مطلب را مختصراً عرض می‌کنم:

وحدت ملت افغانستان یکی از مهم‌ترین مسائل است، به‌خاطر خدا به تفرقه‌ها دامن نزنید! اگر هر کس به مسائل قومی، سمتی، زبانی... دامن می‌زند، ولی نباید مجاهد و مسلمان این کار را کند. جلو آن باید گرفته شود. قوم، سمت، منطقه، زبان... ما را به جنت نمی‌تواند ببرد و از عذاب خدا دور کرده نمی‌تواند. اگر این‌طور بود، ابوجهل و ابو لهب نیز قریشی بودند که جای‌شان در ته دوزخ است. سلمان فارسی از فارس مشاور پیامبر اکرم بود، سهیب رومی هم‌نشین حضرت پیامبر از روم بود، حضرت بلال سیاه پوست مؤذن رسول الله از حبشه بود.

بیابید همان رشته‌یی را که همه را باهم پیوند می‌دهد، قایم کنیم. در قبر از یک نفر هم پرسیده نمی‌شود که شما از کدام قوم بودید، از یک نفر پرسیده نمی‌شود که به کدام زبان حرف می‌زدید. برای میت در قبر گفته می‌شود که پروردگارت کیست. آن چیزی را که در دنیا باعث آبرومندی و در قبر باعث نجات ما می‌شود باید قایم کنیم، نگذاریم که دشمنان این خاک بین ما تفرقه بیندازند. زمانی که ما در شمال افغانستان در دوران مقاومت به سر می‌بردیم، این نوع توطئه به‌راه افتاد.

حضار گرامی! «شمالی تلواری» نام ما نبود، «اتحاد شمال» نیز نام ما نبود، بلکه این نام بالای ما به خاطر زمینه‌سازی برای تفرقه تحمیل شده بود. اما سنگر واحد مقاومت در برابر این توطئه مقاومت کرده و آن را خنثا ساخت. یقین دارم که مجاهدین و ملت باعظمت افغانستان این توطئه را که به راه افتاده است خنثا می‌سازند. تا زمانی که مجاهدین و ما زنده هستیم، هیچ‌کسی این سرزمین را تقسیم کرده نمی‌تواند.

در مورد مصالحه باید گفت که برای مردم افغانستان معلوم است که مجاهدین و مقاومت‌گران برای یک لحظه هم سنگر را رها نکردند، مردانه در دفاع از کشور و در حمایت از ارزش‌هایش ایستاده شدند و امروز و فردا نیز خواهند بود. همان‌طور که در دفاع از این خاک ایستاده بودیم، در مساعدساختن برای مصالحه نیز ایستاده‌ایم. صلح امر خداست و الله متعال فرموده که صلح بهتر است و ما برای به‌دست‌آوردن این خیر می‌تسیم. همان قدر که در برابر مخالفین شدید بودیم و حق به‌جانب نیز هستیم، همان قدر در تپش به‌خاطر صلح شدید هستیم. اگر مخالفین با ما یک‌جا شدند باهم صاحب این ملک می‌شویم، می‌توانند وزارت کنند، ریاست کنند... اما در این زمینه پیشنهاد این است که حکومت پیشکش داشته باشد، ولی نه پیش‌پرداخت، یعنی از جیب این ملت کسی کلان‌بخشی نکند. نباید گفته شود که فلان ولایت را به‌نام امن برای‌تان رها می‌کنیم، اگر جایی را به نام امن رها کنید، آن‌جا منطقه امن نه بلکه منطقه فساد و خطرناک خواهد شد. به طالبان می‌گوییم که با مردم افغانستان آشتی کنید و همه ملک را بگیرید، نه این که یک ولایت و یا یک ولسوالی را به‌نام منطقه امن برای‌تان بدهند.

مسئله دیگر این که هر کس حق اظهار نظر را دارد، اما هیچ‌کس حق ندارد تا نظر خود را بالای دین تحمیل کند، می‌توانید بگویید که این نظر شماست، اما نگویید که این حلال و یا حرام است و یا جایز و نا جایز است، به دلیل این که حلال خدا و حرام خدا معلوم است. خداوند در قرآن کریم به صراحت فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. حجرات/۱

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در هیچ کار) بر خدا و رسول تقدّم مجویید و از خدا پروا کنید،

که خدا شنوا و داناست. پس پیشنهاد می‌کنم که هر کسی که پیش از خدا و رسول او حرف می‌زند دهنش را ببندید.

مورد دیگری که می‌خواستم خدمت‌تان عرض کنم، در مورد نیروهای امنیتی است، الله متعال برای شان اجر نصیب کند. به یقین می‌گوییم، اکنون هم که در سنگرها نیروهای ما از وطن دفاع می‌کنند منسوب به جهاد هستند، مجاهدین و یا فرزندان و یا نوادگان مجاهدین هستند و یا این که اهل مقاومت هستند. اکثر مردمی که مسئولیت دفاع از ملک را دارند، مجاهدین هستند.

بارها در مورد مجاهدین حرف زدیم، از من می‌پرسند که چرا همیشه در مورد این‌ها می‌گوییم، سوال من این است که بدون مجاهدین و ارزش‌های جهاد دیگر چه چیز با ارزش است که در موردش صحبت کرد؟ عزت، آبرو و وقار این سرزمین در شملهٔ مجاهد گره خورده است و تفنگِ دفاع در شانهٔ مجاهد زیب دارد. شخصی دستاری خریده بود، در راه چند نفر دستارش را می‌زدند، این شخص نتوانست دوباره آن را بگیرد، اما از دور صدا کرد که دستارم را که بردید به الله قسم است نمی‌توانید مانند من ببندیدش.

عزت این ملک را طوری که مجاهد نگه داشته، کس دیگر نمی‌تواند نگاهش دارد. چه کسی از مجاهدین بدش می‌آید؟ جواب این است که مردم مریض، کسی که از عزت و آبرومندی پرهیز است. دعا می‌کنیم که الله متعال شفای‌شان دهد. در صورتی که شفایاب گردند، باز قدر مجاهدین بالای‌شان می‌آید و چشمان مجاهدین را بوسه می‌زنند.

من دست سلام و تقدیر را به تمام نیروهای دفاعی و امنیتی ما که مصروف تأمین امنیت سراسر کشور هستند بلند می‌کنم، خداوند کامیاب‌شان بسازد و نگهدارشان باشد. این نیروها به حمایت همه‌جانبهٔ ما نیاز دارند. ما برای دفاع از ملک خود در هر شرایط و لحظه آماده هستیم.

به شخصیت‌های بلندپایهٔ دیگر نیز گفته‌ام و حالا به دکتر عبدالله عبدالله که در این مجلس حضور دارد و یک شخص مجاهد است می‌گوییم که چارهٔ ویروس جاسوسی را بسنجید. ملک ما را جاسوسان و اجیران بیگانه خراب کرده است، تلاش کنید تا واکسین ضد جاسوسی بیابید تا در این وطن جاسوس کار کرده نتواند.

در مورد روز زن می‌خواستم نکته‌یی را اشاره کنم این که دیروز هشتم مارچ یعنی روز زن بود، نزد مسلمانان هر روز، روز زن است. هر روز عزت مادر، همسر، خواهر و دختر خود را باید داشته باشیم، امن‌ترین آغوش برای زن‌های مسلمان، آغوش اسلام است. آغوش اسلام جایی است که عزت، عفت و آبرومندی زن‌های مسلمان محفوظ می‌باشد، هر جایی که یک مرد تاریخ را می‌بینید، او در آغوش یک زن باهمت تربیت شده است.

خداوند گلیم غم را از وطن ما جمع کند، الله متعال به آرمانی ما را برساند که به خاطرش بیش‌تر از یک‌ونیم میلیون شهید دادیم. خداوند روزی را بیاورد که برای شادی‌های خود محفل داشته باشیم و به خوشی از آن استقبال کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



فقدان مارشال افغانستان در تمامی عرصه‌های دولت‌داری محسوس است

عبدالرؤف ابراهیمی - رئیس مجلس نمایندگان

بسم الله الرحمن الرحيم. نحمده و نصلی علی رسوله الکریم.

درو بی‌پایان به روح شهید پروفیسور استاد برهان‌الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس پیشین شورای عالی صلح، شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، شهید عبدالعلی مزاری، مارشال فقید کشور معاون اول ریاست‌جمهوری اسلامی افغانستان و تمامی شهدای راه حق و آزادی کشور.

شخصیت‌های جهادی، ملی، خواهران و برادران عزیز، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته! حضار گرامی! برایم جای بسا افتخار است که امروز در جمع شما بزرگان، فرماندهان جهاد و مقاومت، مجاهدین عزیز افغانستان و پیروان راستین این راه مقدس حضور دارم.

امروز یاد ابرمردی را به پاس‌داری گرفته‌ایم که تاریخ حماسی کشور ما مجاهدت‌ها، مقاومت‌ها، رشادت‌ها و قهرمانی‌های او را چه در سنگرهای جهاد و مقاومت و چه در صحنه‌های صلح و حکومت‌داری در صفحات زرین خود ثبت کرده است. مردی که از نوجوانی تا آخرین لحظات عمر بهترین سال‌های زنده‌گی‌اش را، بهتر بگویم تمامی عمرش را صرف دفاع از دین، ناموس، سرزمین و مردمش ساخت.

دوستان عزیز! مارشال محمدقسیم فهیم مجاهد دلیر و مقاومت‌گر آهنین با ایمان به خداوند و اعتقاد راسخ به زنده‌گی بعد از مرگ در طول سال‌های مبارزه‌اش جبهات زیادی از مجاهدین را رهبری کرد و

با شجاعت و شهامت ذاتی، فهم و فراصت فطری بی‌کی داشت در متن نبردها و محور تصمیم‌گیری‌های مجاهدین قرار داشت و کارنامه‌های او الگو برای هم‌سنگران و همکارانش محسوب می‌شد.

مارشال مرحوم به حیث یار و یاور قهرمان ملی افغانستان، شهید احمدشاه مسعود زحمات زیادی را در خطوط مقدم نبردها در انسجام و تنظیم نیروهای مجاهدین تحت فرمان قهرمان ملی و در راه پیروزی جهاد مردم افغانستان متحمل گردیده و نقش‌های اساسی را در تصمیم‌گیری‌های شوراهای مجاهدین داشته است.

خرد و ذکاوت او در رهبری نیروهای مقاومت پس از شهادت قهرمان ملی و درک او در تعاملات سیاسی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده آمریکا که اهداف اساسی مقاومت را به دست مقاومت‌گران گذاشت، قابل ستایش و تمجید است. او توانست نیروهایش را پیروزمندانه وارد پایتخت کشور سازد و زمینه مسالمت‌آمیز را برای انتقال قدرت که در کنفرانس بن تصمیم گرفته شده بود، فراهم آورد.

مارشال فقید در راه تحکیم و استقرار پایه‌های دولت نوپای افغانستان از هیچ‌گونه خودگذری و فداکاری نیز دریغ نکرده است. برنامه دایاگ و تسلیم سلاح مجاهدین به دولت، تحول بزرگی در استحکام نظام و ثبات آن بود که تحت مدیریت او انجام یافت و زمینه‌های صلح، امنیت و انکشاف را در سراسر کشور به وجود آورد.

در زمان تصدی امور دولتی تمام دغدغه‌هایش مشارکت مجاهدین در سیستم حکومتی و نقش داشتن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های بزرگ ملی بود. او مجاهدین را وارثین برحق این سرزمین و مستحقین اصلی حاکمیت آن می‌دانست. با تغییر اوضاع امنیتی و فعالیت‌های تروریستی مخالفین دولت، مرحوم مارشال از همان ابتدا به جستجوی راه‌های صلح و آشتی با آن‌ها پرداخت و از هر نوع امکانات در این راه استفاده کرد. از این‌که مداخلات بیرونی در قضیه وجود داشت، تلاش‌ها به‌جایی نرسید که ما و شما بدبختانه امروز شاهد بدترین وضع امنیتی در کشور استیم.

خواهران و برادران ارجمند! متأسفانه فقدان مارشال مرحوم در تمامی عرصه‌های دولت‌داری ما محسوس است، در نبود او شرایط سیاسی کشور مسیرهای بحرانی متعدد را پیمود و اوضاع امنیتی نیز از طرف دولت افغانستان با سبوتاژهای بیرونی بی‌اثر می‌گردد. هر چند ابتکار حکومت وحدت ملی افغانستان با به‌راه اندازی کنفرانس کابل و ارایه طرح‌های جدید صلح نویدهای تازه‌یی را برای رسیدن به امنیت به مردم افغانستان داده است، ولی همکاری‌های همه‌جانبه نیروهای خارجی در کشور و وحدت نظر مسئولین حکومت وحدت ملی در مشوره با شورای ملی و جناح‌های مختلف سیاسی ممد این روند خواهد بود.

حاضرین گرامی! ما که امروز چهارمین سالروز وفات مارشال محمدقسیم فهیم را در زیر یک سقف واحد و عظیم گرامی می‌داریم و با حضور فشرده، اخلاص‌مندانه و تعهدگرانه خود به شکوه آن افزوده‌ایم، ولی مکلفیت‌های اساسی ما ادامه راه این مرد بزرگ است تا همگام با افکار و اندیشه‌هایش آرمان‌های دینی و ملی او را پاس‌داری کنیم. با حفظ و توسعه وحدت مجاهدین و تنظیم‌های جهادی از عزت و صلابت جهاد و مقاومت مردم افغانستان حراست کرده ارواح شهدای مظلوم این ملت رنج‌دیده را شاد بگردانیم.



د افغانستان مارشال واقعاً د ټول افغانستان پوری تعلق درلود

فضل الهادی مسلمیار - د مشرانو جرگې رئیس

بسم الله الرحمن الرحيم.

حضار گرامی، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته!

لمړی د مجاهد ولس په خاص ډول ښاغلی ادیب فهیم ته د مرحوم مارشال صاحب د وفات تسلیت وایم. الله تعالی په هغوی ورحمیري او انشاءالله د جهاد، دین او وطن لپاره دومره قربانی ورکړی ده چې د شهداوو او غازیانو په صف کې به یې.

د افغانستان مارشال واقعاً د ټول افغانستان پوری تعلق درلود او د ټول افغانستان مارشال وو. د افغانستان مارشال د افغانستان د خلکو وحدت، یوه پارچگی، محبت او په دی ملک کی د یو باثباته او غښتلی افغانستان لپاره کار کاوو. نن چی مونږ او تاسو ناست یو، مارشال او د مارشال د مشرانو او همسنگرانو برکت ده چی دلته ناست یو او د دغه نظام نه خوند اخلو.

مرگ حق ده او د الله تعالی د ټولو پریکو ته باید تسلیم شو، الله دی په هغوی ورحمیري، واقعاً په داسی حساسو شرایطو کی د مارشال وجود په افغانستان کی ضرورت وو. د افغانستان د یووالی او د افغانستان د یو پاتي کیدلو لپاره ضرورت وو. خدای دی وکړي چې هغه خلک چی د مارشال د مکتب د شاگردانو دعوا کوي او هغه کسان چی د مارشال د مرحوم د ملگرتیا او د همسنگری دعوا کوی د افغانستان مارشال او د شهید احمدشاه مسعود په نقش قدم لار شي. نو د افغانستان به بیا یو باثباته او یو پارچي او په سیمه او منطقه پکی یو غوښتلی افغانستان جوړیږي.

که چیرته شعارمو د مرحوم مارشال او شهید احمدشاه مسعود په شکل وي او عمل مو په بل شکل وي نو دا نه د مارشال او نه د شهداوو وینی ته او روح ته وفاداري ده بلکه د دي ملک او خاوری سره مو خیانت ده.

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته



حُسن نیت مارشال افغانستان از یادم نمی‌رود

عبدالهادی ارغندیوال - رهبر حزب اسلامی

الحمد لله و کفی و سلام علی عیاده الذین اصطفی و بعد، اعود بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ. توبه/۱۴

ترجمه: با آنان بجنگید، خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوای شان می‌کند و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دل‌های گروه مومنان را خنک می‌گرداند.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

در ابتدا چهارمین سالروز وفات برادر مجاهد ما مارشال محمدقسیم فهیم را به پسر ارشدش، خانواده گرامی‌اش، هم‌سنگران و رهروان او، مجاهدین عزیز در سراسر کشور و نیز ملت شهیدپرور افغانستان تسلیت عرض می‌کنم. خداوند روحش را شاد و یادش را گرامی بدارد. از برکت شهادت‌ها و قربانی‌های بی‌دریغ ملت مسلمان افغانستان در این سرزمین امن، صلح و ثبات را بیاورد.

دعا می‌کنیم که خداوند متعال برای ما توفیق عطا کند تا در راه شهدای خویش ثابت قدم و استوار به‌خاطر رضای الله متعال و به‌خاطر حاکمیت دین اسلام مبارزه کنیم تا دیگر هیچ مادری به‌خاطر فرزندش اشک نریزد، هیچ انفجار و انتحاری در این سرزمین وجود نداشته باشد، در این سرزمین صدای مهیب توپ، تانک و طیارات با صداهای جانگداز فرزندان پدر شهیدشده این سرزمین در فضای وطن ما عجین نگردد.

قبلاً آقای حامد کرزی گفت که علاج و بیروس خارجی آش وطنی است. بسیار دقیق گفت، این آش وطنی ما در وحدت، هم‌جهتی و همراهی همه فرزندان این سرزمین ممکن است تا دیگر و بیروس‌های خارجی نتوانند به منظور رسیدن به اهداف شوم‌شان عمل کنند و بالای این سرزمین حاکم باشند.

مردم افغانستان نیاز به وحدت دارند، هر کسی که صدای اختلاف را بلند می‌کند در حقیقت به آسیاب دشمنان مردم افغانستان آب می‌ریزد و تداوم اشغال را می‌خواهد. از همه مردم افغانستان التماس کرده خواهیم تا به‌خاطر نجات این کشور در کنار هم قرار بگیریم. عزم دشمنان کشور این است که در افغانستان ملوک‌الطوایفی حاکم گردد تا اهداف شوم‌شان را برآورده و ما را در مقابل یکدیگر استفاده کنند. مردم کشور باید در کنار همدیگر بایستند و نگذارند تا توطئه‌های دشمنان عملی گردد.

زمانی ما به منظور هم تیم شدن و کار مشترک کردن با جمعیت اسلامی تعهدی را امضا کردیم، فردای آن روز در جلسه کابینه دیدم که مارشال کشور از دور آمد و آغوش خود را باز کرد و برایم گفت که انشاءالله این تعهد سرآغاز دگرگونی بزرگی در جامعه ما و وحدت و یک‌پارچه‌گی در کشور ما خواهد بود، نوید پیروزی مردم افغانستان را برای‌تان می‌دهم. نظام خواسته شده مردم کشور به وجود خواهد آمد. این حسن نیت مارشال از یاد نمی‌رود.

حضار گرامی! افغانستان در یک مرحله بسیار حساس قرار گرفته است، استراتژی منطقه و جهان در این حد است که در افغانستان امنیت و ثبات بیاید، ولی به‌هیچ صورت نمی‌خواهند در افغانستان نظام مبتنی بر اراده مردم کشور و حامی حاکمیت ملی مردم افغانستان و منافع عمومی به‌وجود آید، تا بتوانند بر افغانستان حاکم باشند و هر چه بخواهند بتوانند با خود ببرند.

به‌خاطر این که زمین و آسمان ما در اختیار مردم ما قرار داشته باشد، وحدت می‌خواهیم تا دیگر زمینه‌یی برای هیچ کشوری مساعد نباشد تا در تداوم حاکمیت‌شان در سرزمین ما تلاش کنند، سرزمینی که وجب وجب خاکش با خون شهیدانش رنگین گشته و شاهد قهرمانی‌های مجاهدان این سرزمین بوده است. نعره‌های سوم حوت در این خاک به ابرقدرت‌ها می‌گوید که ابرقدرت واقعی الله متعال است. اگر یک‌جا نشویم و برای نجات وطن خود تلاش نکنیم، کسی دیگر ما را یاری نخواهد کرد.

از گذشته تا امروز پیام من پیام وحدت مردم افغانستان است، می‌خواهیم صرف نظر از هر نوع مسائل به خاطر اهداف بزرگ افغانستان در کنار هم قرار بگیریم تا اول سرزمین داشته باشیم و بعد در آن حاکمیت دین خدا را قایم کنیم، نباید سلیقه‌های شخصی بر عقاید ما غلبه کند.

کسانی که در جنگ افغانستان اهداف خاص خود را جستجو می‌کنند، هر قدر که این جنگ ادامه پیدا کند، آن‌ها سرمایه‌دارتر می‌شوند. جنگ افغانستان سالانه میلیاردها دالر را به جیب آن‌ها می‌ریزد و به آسانی از این جنگ نمی‌گذرند. نباید ما وسیله دست این‌ها قرار بگیریم و نباید به صداهای غرض‌آلودشان لبیک بگوییم. زمانی که وحدت میان مردم افغانستان باشد دیگر کسی نمی‌تواند به اهداف شومش برسد.

الله متعال برای مردم ما توفیق اعطا کند تا سلیقه‌های شخصی خود را کنار بگذاریم و به‌خاطر رضای خدای بزرگ در کنار هم قرار بگیریم و به خاطر افغانستان کار کنیم.

از همه شما تشکر می‌کنم. و من الله توفیق

ولایات

اشاره: از چهارمین سالیاد درگذشت مارشال افغانستان به گونه رسمی و مردمی در سراسر کشور نیز یادبود شد. در مراسم جداگانه‌یی که به همین مناسبت برگزار شده بود، سخنرانان پیرامون جایگاه مارشال فهیم در نظام‌سازی و به میان آمدن وحدت ملی میان شهروندان کشور صحبت کردند.

در این بخش قسمتی از این صحبت‌ها را می‌خوانید.

بلخ



مارشال از شخصیت‌های نادر افغانستان بود

بشیر توحیدی - معاون والی بلخ

نخست چهارمین سالیاد رحلت ملکوتی مارشال افغانستان را تسلیت عرض می‌کنم. امروز در سوگ بزرگ‌مرد تاریخ افغانستان مارشال فهیم یکی از شخصیت‌های نادر کشور هستیم، نیک می‌دانید شخصیت‌هایی که ویژه‌گی‌های خود را دارند در تاریخ گهگاهی نصیب کشورها می‌شوند، مارشال فهیم یکی از این شخصیت‌ها بود که مردم افغانستان افتخار داشتن آن را داشتند که چهارسال پیش از امروز رحلت کرد.

مارشال افغانستان از ایام جوانی با آنکه می‌توانست در رفاه و آسایش زنده‌گی کند، اما احساس مسئولیت کرده و جان عزیز خود را در طبق اخلاص گذاشته برای سرکوبی تجاوز کمر همت بست و در برابر تجاوز بی‌رحمانه ایستاد شد. او در کوه‌پایه‌های پنجشیر و در کنار یار خود شهید احمدشاه مسعود، جبههٔ جهاد مردمی را مکمل ساخت. آنان در شرایط بسیار حساس و سخت در برابر «پیمان ورشو» با دست خالی و شکم گرسنه ایستاد شدند و با همت بالایی که داشتند به بسیج مردم پرداخته و افغانستان را آزاد ساختند. مجاهدان افغانستان در شرایطی آزادی را به ارمغان آوردند که هیچ کشور و تحلیل‌گری باور نمی‌کرد که افغانستان در برابر پیمان ورشو ایستاد شود و اتحاد جماهیر شوروی را از هم بپاشاند.

وقتی که مارشال با هم‌سنگرانش به کابل آمدند و دولت شکل گرفت، استکبار جهان در پی آن شد تا این موفقیت را کمرنگ سازند و از همین جا بود که استخبارات بیگانه جنگ میان گروه‌های مجاهدان را شعله‌ور ساخت. در این میان، مارشال افغانستان فراوان تلاش کرد تا اختلافاتی که میان مجاهدان

پیدا شده بود را حل کند و آنان را برای از میان برداشتن کدورت‌ها دعوت کرد تا مجاهدان یکپارچه در کنار هم باشند و دولتی که خواست و آرزوی مردم افغانستان بوده، شکل گیرد. این تلاش‌ها تا اندازه‌ی نتیجه‌بخش بود، اما چون استخبارات کشورهای مداخله‌گر خوش نداشتند دولت همه‌پذیر شکل بگیرد، گروه‌هایی از جنوب سر برآوردند و بخش‌های از کشور را در تاریکی مطلق فرو بردند.

نظام سیاه طالبانی باردیگر افغانستان را اشغال کرد. گروهی که می‌خواستند افغانستان را به یکی از ایالت‌های پاکستان تبدیل کنند، اما مبارزانی ایستاد شدند و نگذاشتند بیرق این کشور بر زمین بیفتد که یکی از چهره‌های مهم و برجسته آن مارشال محمدقسیم فهیم بود. او در کنار احمدشاه مسعود و دیگر جهادگران ایستاد شد و جبهه مقاومت ملی مردم افغانستان شکل گرفت، جهان هم مردم و مجاهدان را فراموش کرده بود و تصور نمی‌کردند که مبارزان این گروه سیاه را شکست دهند تا این که ترور بسم خطر اصلی جهانی شد و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر جهان متوجه این پدیده شوم شد.

حوادث به گونه‌ی پیش رفت که گروه طالبان شکست خوردند و صفحه جدید دولت‌سازی و نظام‌سازی در کشور آغاز شد و در این دور نیز مارشال فهیم چهره اصلی بود. او در رأس امور قرار گرفت و به نظام‌سازی پرداخت و نشان داد که در کنار تلاش‌های نظامی برای آزادی و نوسازی کشور نیز خوب درخشید. این حرف مارشال افغانستان را همه شنیده‌اید که می‌گفت: «فقط می‌خواهم با هم زنده‌گی کنیم، می‌خواهم دیگر از جنگ دست بکشیم، می‌خواهم یکدیگر را بپذیریم، اگر کمونیست بودیم، اگر مجاهد بودیم، اگر طالب بودیم، اگر بی‌طرف بودیم، اگر در بیرون از کشور بودیم، امروز همه جمع شده‌ایم و باید هم جمع شویم و وطن خود را بسازیم». او به این باور داشت که جز با اتحاد، همدلی و همدیگرپذیری، راه دیگری برای ساخته شدن افغانستان وجود ندارد، این مورد واقعاً شاه بیت ترقی و تعالی کشور است. اگر تنها به همین پیام او توجه داشته باشیم، می‌توانیم تمامی مشکلات افغانستان را به سرانجام برسانیم و به قله‌های رفیع سعادت و نیک‌بختی برسیم. او تلاش‌های زیادی در این دوران در بخش سیاسی انجام داد و اما مرگ مهلت نداد و دست مرگ او را از ما گرفت، همه به این باور هستیم که اگر مارشال می‌بود با مشکلاتی که حالا دست و پنجه نرم می‌کنیم، روبه‌رو نمی‌شدیم. حتماً صحبت‌های مارشال افغانستان را دیده‌اید که می‌گفت: افغانستان راهی جز انتخابات ندارد، باید انتخابات برگزار شود. فرصت اندک است و نمی‌خواهم که صحبت‌ها طولانی شود. به امید این که همه پیروان افکار و باورهای مارشال افغانستان باشیم و با وحدت و همدیگرپذیری، کشور را به طرف ترقی و تعالی ببریم.



مارشال افغانستان بیرق نیمه‌افتاده وطن را به دست گرفت

داکتر افضل حدید - رئیس شورای ولایتی بلخ

امروز جمع شده‌ایم تا از چهارمین سالگشت مرد بزرگ تاریخ معاصر کشورمان یادبود کنیم، گرچه کارنامه‌های او پنهان نیست، اما لازم می‌دانم به نماینده‌گی از مردم خود پیرامون آن مرد رزم‌آرا و مقاومت‌گر بی‌همتا به حضور شما سخنانی داشته باشم.

برادران و خواهر ارجمند! تاریخ معاصر ما خالی از داستان‌سرایی‌ها و مدیحه‌سرایی‌های شاهان و شهزاده‌گان دوران است، امروز خوشبختانه شاه و شهزاده‌یی وجود ندارد تا در سخنان و سروده‌های خود از دقت و ظرافت شاه‌پسندانه استفاده کنیم. بلکه می‌خواهیم واقع‌بینانه در باره فداکاری‌ها و جان‌بازی‌های مردانی سخن بگوییم که افتخار عزت و استقلال را زنده نگه داشته‌اند؛ این سه واژه نزد شهروندان افغانستان بسیار با اهمیت است، بیایید معیار شناخت شخصیت‌ها را همین سه واژه قرار دهیم، مارشال فقید در این راه عاشقانه رزمید و جان به جان آفرین سپرد.

مارشال فهیم فرزانه مردی بود که در حساس‌ترین لحظه تاریخ وطن در حالی که مردم ما در اندوه شهادت قهرمان ملی افغانستان قرار داشتند و مایوسی جانکاهی بر ما مستولی بود، بیرق نیمه‌افتاده وطن را به دست گرفت و نگذاشت بیرق ستاره‌دار همسایه جنوبی ما بر فراز میهن عزیز ما توسط مزدوران شان به اهتزاز در آید. او با قامت بلند و شهامت بی‌نظیر پرچم افغانستان را همچنان بر فراز قله‌های پامیر و هندوکش به اهتزاز نگه داشت که تا امروز به زیر بیرق خود با سربلندی زنده‌گی می‌کنیم، این افتخار است، عزت است و استقلال است او پیش‌تاز و پیش‌قراول این ظفرمندی بود. روحش شاد و یادش گرمی باد.



سالیاد جاودانگی مارشال افغانستان

پیام عطا محمد نور - والی پیشین بلخ

امروز، سالروز رحلت برادر عزیز، دوست و هم‌سنگر گرامی‌ام، جناب مارشال محمد قسیم فهیم است. دوستی و شناخت من با زنده‌یاد مارشال فهیم به سال‌های مبارزه ما برای آزادی افغانستان بر می‌گردد و با توجه به این شناخت، من او را مرد استوار، مقاوم، مردم دوست و متین یافتیم که هرگز بیش‌تر از کشور و مردمش به چیز دیگری نمی‌اندیشید. او بخش اعظمی از زنده‌گی‌اش را برای مبارزه، خدمت‌گزاری و توجه به ساختارهای نوین سیاسی صرف کرد و از خود کارنامه‌های درخشانی به یادگار گذاشت که جاودانه خواهد ماند.

سهم انوشه‌یاد مارشال محمد قسیم فهیم هم در دوران جهاد و مقاومت و هم پس از شهادت قهرمان ملی کشور و متعاقب آن در شکل‌دهی نظام نوین سیاسی، قابل درک و ارج‌گزاری است.

من در حالی که فرا رسیدن چهارمین سالگرد درگذشت مارشال محمد قسیم فهیم را به خانواده گرامی او، مجاهدین و کافه مردم افغانستان تسلیت عرض می‌کنم، باور دارم که راه مارشال فقید تا همیشه تاریخ جریان خواهد داشت و نامش ماندگار می‌ماند.

روحش شاد و یادش گرامی باد!



بدخشان

در مراسمی که به مناسبت چهارمین سال یاد مارشال افغانستان در تالار رهبر شهید برگزار شده بود، پاسوال احمد فیصل بیگ، زاده والی ولایت بدخشان، اختر محمد خیرزاده معاون مقام ولایت، شخصیت‌های جهادی، مسوولان نظامی، رؤسای ادارات دولتی، علماء، اعضای شورای ولایتی، اعضای جامعه مدنی، متنفذان، جوانان و رسانه‌ها حضور داشتند.

سخنرانان این محفل پیرامون جایگاه مارشال محمدقسیم فهیم در تاریخ معاصر کشور صحبت کرده و او را از بانیان واقعی وحدت و همدیگری اقوام افغانستان یاد کردند.



غور

با مراسم ختم قرآن مجید در فیروزکوه از چهارمین سالروز وفات مارشال یادبود شد.

به اشتراک مسئولان ملکی و نظامی، نماینده‌گان مردم در شورای ولایتی، کمیته ولایتی صلح، شورای علما، روسای ادارات دولتی، افسران و سربازان در مسجد جامع قوماندانی امنیه به روح پر فتوح مارشال کشور اتحاف دعا شد.

جنرال غلاممصطفی محسنی فرمانده امنیه غور به نماینده‌گی از نیروهای امنیتی در این مراسم گفت: مارشال محمدقسیم فهیم یکی از مارشال‌های نامدار تاریخ معاصر افغانستان بود، تخصص نظامی خود را از کوهپایه‌ها و وضعیت نابه‌سامان دوران جهاد و مقاومت در برابر متجاوزین گرفته بود.

او گفت: مارشال کشور متعلق به تمام مردم افغانستان است، او دید وسیع و همه‌جانبه‌یی داشت می‌خواست تمام مردم کشور چه از نگاه فکری و چه از نگاه قومی و منطقه‌ای در چتر واحد افغانستان زنده‌گی کنند.



قول اردوی ظفر - هرات

از چهارمین سالگرد درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم در قول اردوی ۲۰۷ ظفر یادبود شد.

بریدجنرال ارکانحرب رازمحمد اوریاخیل، رئیس ارکان قول اردوی ظفر چهارمین سالگرد درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم را به کافه ملت مسلمان افغانستان تسلیت گفت و در رابطه به تاریخچه مبارزات مرحوم در طول سه دهه اخیر و رشادتها و قهرمانی‌های او در دفاع از وطن که در بدترین شرایط کشور در برابر اجنبی‌ها داشت، صحبت کرد.

به گفته او: اگر دیروز دفاع از سرزمین به دوش مجاهدان بود، امروز فرزندان صدیق مردم در نیروهای امنیتی و دفاعی در خط مقدم نبرد باتروریزم، در مقابل دشمن سفاک همه‌روزه قربانی می‌دهند و زحمت می‌بینند؛ بر ما و شما لازم است تا راه شهیدان و بزرگان جهاد، مقاومت و آرمان و هدفشان یعنی تأمین امنیت، عدالت و حاکمیت قانون را ادامه دهیم و از وجب وجب خاک وطن و مردم دفاع کنیم.



کندهار

د جمعی په ورځ په کندهار کې د افغانستان اسلامي جمهوریت ریاست پخواني مرستیال، مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم د څلورم تلین به یاد غونډه جوړه شوه. په یاد غونډه کې کندهار والي تورنجنرال توریالی ویسا، مرستیال عبدالحنان منیب، د نظامي ځواکونو مسوولینو او استازی، د دولتي ادارو مسوولینو او استازو قومي مشرانو او دیني عالمانو گډون کړي وو. د کندهار والي تورنجنرال زلمی ویسا غونډې ته د وینا پر مهال، مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم د افغانستان جهاد ځلانده ستوری وباله او هیواد ته یې د هغه کړي خدمتونه یې وستایل. کندهار والي وویل، مارشال محمدقسیم فهیم په ډیر اخلاص او صداقت هیواد ته خدمت کاوه او تل یې هیواد ته د ملي یووالي سولې او امنیت راوستلو کې جدي هڅې کولې.

د کندهار والي په وینا: نن په دغه ورځ چې مونږ او تاسې د جهاد آسمانه څخه یو ځلیدلې ستوری مارشال محمدقسیم فهیم چې نن یې دده تلینه ده او تاسو په هغه علاقه چې زموږ مجاهدینو د وطن د خلاصون د پاره یې مثاله جهاد چې دنیا کې ساری نه درلودې نه لری، کړې و، د هغه جملي څخه یو هم مارشال صاحب فهیم و چې نن مونږ او تاسې د هغه د ارواح په خوشي دلته راټول شوي یو او د هغه د پاره ختم نيسو او خدای د درباره څخه غواړو چې د هغه روح ښاد ولري او جنتونه ځای کړي. هر منسوب په اردو پوري په جهاد پوري زموږ د تاریخ لیکونکي دي، په تاریخ کې د هغه نو په زرین کربنه لیکل شوي ده او مونږ ټول عمر د هغوي یاد ژوندي او ځلانده ساتو.

د غونډې وروسته د افغانستان اسلامي جمهوریت د پخواني مرستیال مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم د روح د خوشي به موخه د قرآن کریم ختمونه وشو.



نیمروز

از چهارمین سالروز درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم طی مراسمی در ولایت نیمروز یادبود شد.

در این مراسم انجینیر محمد سمیع والی نیمروز، برخی از رؤسای ادارات ملکی و نظامی، شماری از اعضای شورای ولایتی، اعضای جامعه مدنی، بزرگان اقوام و اهالی شهر زرنج اشتراک ورزیده بودند. انجینیر محمد سمیع والی نیمروز در سخنانی از قهرمانی‌ها و رشادتهای مارشال افغانستان یاد کرده گفت: مارشال محمد قسیم فهیم برای وحدت و همبستگی مردم افغانستان تلاش‌های فراوانی کرده است.

والی نیمروز اضافه کرد، مرحوم مارشال فهیم در به‌دست آوردن صلح کوشش کرد و تا آخرین لحظه حیاتش به کشور خود صادقانه خدمت کرد که مردم کارنامه نیک مارشال فهیم را هرگز فراموش نخواهند کرد.

برخی سخنرانان دیگر نیز در رابطه به کارنامه‌ها و خدمات مارشال محمدقسیم فهیم صحبت کرده و او را شخصیت حلیم و مردمی توصیف کردند.



بادغیس

از چهارمین سالروز درگذشت مارشال افغانستان با برگزاری ختم قرآن کریم در ولایت بادغیس نیز یادبود شد.

معاون والی بادغیس در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شده بود، گفت: وضعیت افغانستان نشان می‌دهد که امروزه بیشتر از هر زمان دیگری نیازمند وحدت ملی هستیم، وحدتی که با جان‌فشانی و ایثارگری‌های شخصیت‌های کشور به‌ویژه مارشال فهیم به دست آمده است.

به گفتهٔ او: نیاز است تا همه شهروندان افغانستان هم‌چنان در حمایت نیروهای امنیتی قرار داشته باشند و در حمایت از نظامی قرار گیرند که به همت بزرگان کشور ساخته شده است.

یکی از عالمان دینی بادغیس نیز در سخنانی گفت که مارشال افغانستان از مجاهدان نستوه و شاخص افغانستان بود که همواره برای حمایت از مجاهدان و هم‌سنگران‌ش تلاش کرد.



بامیان

طاہر زہیر - والی بامیان

در مورد مارشال محمد قاسم فهمیم دو نکته را قابل یادآوری می‌دانم: **یک**، نام مارشال فهمیم با چهار دهه تحولات افغانستان گره خورده است، او از آغازین لحظات جهاد تا پایان عمرش در تمامی بخش‌های جهاد، مقاومت، مبارزه ایستاده و به‌ویژه ایستاده‌گی در برابر هجوم سنگین و سیاه طالبان و هم‌چنان نقش‌آفرینی‌یی که ایشان در دوران جدید دولت و ملت‌سازی داشتند، کارنامه درخشان و بی‌بدیل ایشان را تشکیل می‌دهد. این کارنامه او را مرد معروف و مشهور تاریخ معاصر کشور ساخته است. این نه جای تردید دارد و نه هم جای انکار؛ هر وجدان آگاه و بیدار این واقعیت را می‌داند.

دو، ایشان در دوران دولت‌سازی برخلاف باورهایی که شاید وجود داشت، با توجه به واقعیت‌های موجود کشور گام برداشت و تلاش کرد تا افغانستان را آیینة تمام شهروندان آن گرداند و این نقش بارزتر از هر کار دیگر در کارنامه تلاش‌هایش برای ساختن افغانستان می‌درخشد. در این دوران مردم افغانستان بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به داشتن پیشگامان وحدت و همدلی داشتند که این کار را مارشال فهمیم به درستی و صلابت انجام داد. اگر زحمت‌ها، تلاش‌های شبانه روزی، پیشگامی و نقش موثر مارشال فهمیم نمی‌بود، شاید دست‌های بیرونی و دشمنان در کمین نشستۀ افغانستان علاقه‌مند بودند تا سرنوشت ناخوش گذشته تکرار شود؛ اما این وضعیت به گونه‌یی کنترل شد که مستی به دهان بدخواهان افغانستان حواله گردید و این نیت شوم آنان ناکام شد.



بغلان

عبدالحی نعمتی - والی بغلان

زمانی که آمرصاحب به شهادت رسید، از دست طالبان به ایران مهاجر بودم، با شنیدن این خبر بسیار سراسیمه شدیم، همه به این فکر بودیم که جای قهرمان ملی کشور را چه کسی پُر خواهد کرد.

نماز عصر بود که این خبر را از امواج رادیو شنیدم، خاطره تلخی که از این روز دارم این بود که پس از شنیدن خبر شهادت احمدشاه مسعود احساس می‌کردم که گلویم می‌سوزد. تمام شب ناآرام بودم و به این فکر بودم که امید بزرگ مجاهدان و مقاومت‌گران را از دست دادیم، به درگاه خداوند بزرگ التجا کردم که بارخدا! پناه ما به تو، تو هستی که همه را می‌سازی و به منزل می‌رسانی.

خداوند (ج) جای قهرمان ملی افغانستان را با کسی پُر کرد که مردم کمبود زیادی ندیدند و مارشال محمدمقسیم فهیم جریان مقاومت را چنان رهبری و سازمان‌دهی کرد، به مردم و مجاهدان جرأت داد و چنان قهرمانی کرد که کمبود احساس نشد.

پس از حادثه یازده سپتامبر و ایجاد نظام‌داری جدید در افغانستان، مجاهدان در آغوش پُر مهر مارشال فهیم جای پیدا کردند و ایشان تا آخر راه و اهداف شهید مسعود و همه مجاهدان را تعقیب و سنگر مبارزه را به درستی راهنمایی کرد.

برای خانواده و رهروان شهید مسعود و مارشال افغانستان است تا راه این بزرگان را ادامه دهند.

در ادامه این مراسم صفدر محسنی، رئیس شورای ولایتی بغلان نیز پیرامون جایگاه مارشال افغانستان در تاریخ معاصر کشور صحبت کرد، او گفت: نبود مارشال فهیم ضایعه بزرگی برای مردم افغانستان و به‌ویژه حوزه جهاد و مقاومت است که این تأثیر هر روز بیشتر می‌شود. او چهره چرخش‌آفرین در سیاست کشور به نفع مردم و حفظ منافع ملی و همدلی میان شهروندان افغانستان بود. او بیشتر از هر چهره دیگری برای ایجاد وحدت شبانه‌روزی تلاش کرد.



پکتیا

از چهارمین سالروز رحلت یگانه مارشال افغانستان در ولایت پکتیا با برگزاری مراسم سخنرانی و ختم قرآن کریم یادبود شد.

سخنرانان این مراسم از او به عنوان مرد جنگ و صلح یاد کرده و گفتند که مارشال فهیم در دوران جهاد و مقاومت مردم افغانستان، از خود شایستگی‌ها و کفایت فراوان نشان داد.

به گفته سخنرانان این مراسم، مارشال فهیم یکی از شخصیت‌های دلسوز و از مدافعان اصلی مجاهدان افغانستان بود. سخنرانان افزودند، او یکی از چهره‌های صلح دوست بود و همواره می‌گفت که از هر راه ممکن برای رسیدن به صلح سعی شود و تلاش صورت گیرد که هیچ کاری باعث از میان برداشتن وحدت و همدلی مردم نگردد. او می‌گفت دوران انتقام‌گیری نیست، بلکه همه باید در جهت ساختن کشور تلاش کنند.



تخار

محفلی یادبود از چهارمین سالروز وفات مارشال محمدقسیم فهیم با اشتراک روسای امنیت ملی، سارنوالی استیناف و سایر ادارات ولایتی، معاون آمر امنیت قوماندانی امنیه، علما، بزرگان جهادی، متنفذین، انجمن‌های زنان، افسران، سربازان و جوانان در تالار مقام ولایت تخار برگزار گردید. اشتراک‌کننده‌گان به روح مرحومی اتحاف دعا کردند.

داکتر فضل‌الله مجددی والی ولایت تخار در این مراسم گفت: مارشال محمدقسیم فهیم شخصیت سازمانده، با همت و غرور بلند در عین حال، دلسوز، نرم‌دل، مظلوم‌پرور، باتقوا، متعهد و عیار صفت بود. فداکاری‌ها، دلیری‌ها، شخصیت قوی و تعهد ملی‌اش بود که او را به عالی‌ترین جایگاه نظامی افغانستان رساند.

به گفته والی تخار: فرهنگ قدرشناسی از کارکردهای شخصیت‌های علمی، سیاسی، فرهنگی و حماسی یک ضرورت ملی است و یادبود از چنین شخصیت‌های تاریخ‌ساز و حماسه‌آفرین رهنمود نسل‌های بعدی می‌باشد. پیام واضح آن بسیج ملی افکار عامه در جهت خدمت‌گذاری به میهن تا سرحد ایثار و قربانی است که مردم قدرشناس آنرا نادیده نگرفته برای سالیان متمادی به خاطره سپرده و به دیده ارج می‌نگرند. خوشبختانه جغرافیای واحد افغانستان با وحدت و افتخارات مشترک تاریخی و حماسی خود سبب استحکام بافت‌های اجتماعی و وحدت ملی می‌گردد.

گفتنی است که در این محفل رئیس حج و اوقاف، جنرال نور محمد حکیمی از قوماندانان جهادی، استاد امان‌الله سیرت، حاجی محمد امین، عبدالجلیل رئیس شورای انکشافی تالقان، رئیس جامعه مدنی، معاون آمر امنیت قوماندانی امنیه پیرامون محفل ایراد سخن کرده و نیز استاد سرور نعیمی و تیم ترانه‌نویس نسوان بی‌بی حوا شعر به خوانش گرفتند.



سرپل

ظاهر وحدت - والی سرپل

خدا آن ملتی را سروری داد
که تقدیرش به دست خویش بنوشت
به آن ملت سر و کاری ندارد
که دهقانش برای دیگران کشت
«اقبال لاهوری»

مارشال فهیم فرزند دلیر و عزیز افغانستان بود. او از رهبران و پیش کسوتان جهاد و مقاومت ملی و برحق مردم افغانستان نیز بود.

مارشال محمدقسیم فهیم یکی از محدود چهره‌هایی بود که در دوران جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان نقش بارز، سرنوشت‌ساز و تعیین کننده داشت. به یاد دارم که برای نخستین بار مارشال فقید را در دوران مقاومت در ولایت تخار در کنار قهرمان ملی افغانستان دیدم و دیدگاه دلسوزانه‌یی که مارشال فهیم در راستای افغانستان داشت را لمس کردم.

او در زمان جهاد نیز جایگاه بزرگی داشت و در زمان مقاومت رهبری تمام جبهات شمال شرق را به دوش داشت و در این زمان جنگ‌های سنگین را با دشمنان مردم افغانستان پیروزمندانه به سرانجام رساند، او در این زمان نیز مدیریت و رهبری بی‌نظیر خود را نشان داد.

در این خلاصه می‌توانیم زنده‌گی مارشال محمدقسیم فهیم را به سه بخش تقسیم کنیم:

۱- دوران جهاد مردم است که در این دوران نقش بارزی را انجام داد.

۲- دوران سخت و دشوار مقاومت است، دورانی که همه تحلیل‌گران داخلی و خارجی به این باور رسیده بودند که افغانستان به اشغال گروه متحجر مواجه شده و پیروزی در برابر آن مشکل است؛ اما واقعیت‌ها عکس آن را به اثبات رساند و مقاومت‌گران به پیروزی رسیدند.

۳- در دوران آزادی و مردم‌سالاری است. زمانی که قرار شد نظام نوین در افغانستان بنا گذاشته شود، او بنیان‌گذار اصلی آن بود، دولت و نظامی که تاکنون ادامه دارد، میراث مارشال افغانستان است. او در این دوران در پست‌های مختلف تلاش کرد تا افغانستان خانه همه شهروندان آن گردد. او در این دوران اردوی ملی کشور را بنا گذاشت و تمامی نهادهای امنیتی و دفاعی کشور را دوباره‌سازی کند.



کنر

از چهارمین سالیاد مارشال افغانستان با برگزاری ختم قرآن کریم در تالار امنیت ملی و مسجد قوماندانی امنیه ولایت کنر، یادبود شد.

والی ولایت کنر در سخنرانی خود که در مسجد فرماندهی پولیس این ولایت ایراد کرد، گفت: از چندی بدین سو شماری از حلقات برای برهم زدن وحدت مردم کار می کنند که فایده آن به دشمنان مردم می رسد. ما به همت مجاهدان افغانستان و از آن میان مارشال محمدقسیم فهیم پس از چندین دهه جنگ دوران دوباره سازی را سپری کردیم و بزرگان زیادی و از آن میان مارشال فهیم در جهت به میان آمدن این وحدت تلاش های فراوانی انجام دادند و به همین خاطر است که او را مارشال افغانستان می گویند و به یقین که او مارشال همه بود. او مدتی که بیرون از حکومت بود از دولت حمایت می کرد و پیوسته در جهت بهتر شدن نظام داری مشوره می داد و تلاش می کرد. مدتی که او در خانه بود کسانی که نزدش مراجعه می کردند با عالمی از پیام های مثبت و امیدواری بر می گشتند، او هیچ گاهی برای تخریب نظام و حکومت کار نکرد.

یکی از علمای دینی ولایت کنر نیز در صحبت هایش گفت که در ولایت کنر استادان و هم سنگران مارشال فهیم است، او از این ولایت به سنگرهای پنجشیر رفت و همیشه در جهت همدلی و همدیگرپذیری مردم کشور تلاش کرد و این کار را از آغاز مبارزه تا آخر عمر خود عملی کرد.

به گفته او، مارشال فهیم در جهت ساختن افغانستان برای همه شهروندان آن کار کرد و از همین

جهت بود که در راستای تأمین صلح و امنیت فراوان کوشید.

فرمانده امنیه کنر نیز در این محفل گفت: مارشال فهیم همواره با منسوبان نهادهای امنیتی همکار بود و تلاش می کرد تا حمایت بی دریغ خود را با نهادهای امنیتی داشته باشد. مارشال افغانستان همیشه در تلاش ایجاد پرستیژ برای نهادهای امنیتی بود.



پروان

فضل‌الدین عیار - والی پروان

مارشال محمدقسیم فهیم معاون اول ریاست‌جمهوری افغانستان، مرد مجاهد، از یاران و هم‌سنگران قهرمان ملی کشور که نقش مهم و تأثیرگذاری در تحولات چند دهه‌ه کشور داشته است و یک محور قوی و نیرومند در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور به شمار می‌رفت که جایگاه و نقش او در تهداب‌گذاری نظام نوین سیاسی افغانستان و دولت‌داری مدرن، برجسته و غیرقابل انکار بوده است.

نبود او در وضعیت کنونی یک ضایعه جبران‌ناپذیر و خلای پُر ناشدنی برای مردم می‌باشد.

مارشال محمدقسیم فهیم به اساس خدماتش که در جبهه مقاومت ملی در افغانستان انجام داده بود، عالی‌ترین رتبه نظامی «مارشالی» را درج کارنامه‌اش ساخت و درج تاریخ کشور کرد.

مارشال فهیم به‌خاطر توانایی‌های ستودنی‌اش در رهبری جبهات جهاد و مقاومت، قلب مهربان و رابطه دوستانه‌اش با همه مجاهدین، و مردم غیور افغانستان، به یادگار ماندنی و از چهره‌های محبوب کشور بوده که در میان همه اقوام و گروه‌ها از محبوبیت فراوان برخوردار است.

بدین لحاظ رهبری مقام ولایت پروان مراتب تسلیت عمیق خود را به مناسبت چهارمین سالروز وفات یگانه مارشال افغانستان، یار و هم‌سنگر قهرمان ملی کشور را به خانواده‌اش، هم‌سنگران، فرماندهان جهادی و کافه ملت متدین و مجاهد افغانستان عرض کرده، از خداوند رحمان برای مارشال محمدقسیم فهیم، بهشت برین و برای بازمانده‌گان‌شان، صبر جمیل استدعا می‌کند.

روحش شاد یادش جاودانه باد.

گفت و گوها



مارشال افغانستان تعهد و صداقتش را به مردم ثابت ساخته بود

داکتر عبدالله عبدالله

اشاره: از مارشال افغانستان به عنوان چهره‌ی یاد می‌شود که همواره برای وصل مردم فکر و کار کرده و در میراث حکومت‌داری خود این دست‌آورد را گذاشته است. هم‌سنگران و همکارانش حکایت‌های فراوانی در این زمینه دارند. هفته‌نامه کابل در چهارمین سالگرد درگذشت مارشال فهیم بر آن شد تا خاطرات بیشتری از هم‌سنگران و همکاران او را ثبت کند. در ادامه این گفت‌وگوها، خاطرات و گفته‌های داکتر عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه حکومت وحدت ملی را می‌خوانید.

نخستین آشنایی شما با مارشال محمدقسیم فهیم در کجا و در چه زمانی رقم خورد؟

با نام مارشال صاحب از گذشته‌ها آشنا بودم، اما در سال ۱۳۶۴ خورشیدی و در ماه سنبله، زمانی که من به پنجشیر آمدم، در مسیر راه از پریان به سوی سفیدچهر در منطقه آب‌خاواک در خانه یکی از بزرگان جهاد به نام حاجی رسول، آمر صاحب شهید که مارشال صاحب هم با او بود، مشوره‌هایی با بزرگان جبهه پنجشیر داشت، در همین‌جا نخستین دیدار من با مرحوم مارشال صاحب رقم خورد. خوب به یاد دارم که نماز صبح همان شب را هم به امامت مارشال فهیم که در آن وقت برایش «فهیم‌خان» می‌گفتیم، ادا کردم. همین‌طور پس از آن تا آخر جهاد و مقاومت و تا نظام جدید باهم دوست و همکار بودیم.

با شماری از هم‌سنگران شما که صحبت کردیم، گفتند مارشال افغانستان از کابل به جبهه پیوسته بود و با توجه به این که آدم باسواد و آموزش دیده بود، در جبهات غنیمت شمرده می‌شد. چه تفاوتی در عملکردِ مرحوم مارشال با دیگر هم‌سنگران تان می‌دیدید؟

مارشال فهیم ویژه‌گی‌های منحصر به خودش را داشت. به علوم دینی مسلط بود و در کنار آن، شخصیتی بود که مطالعه می‌کرد، به شعر و عرفان علاقه‌مند بود و طبیعت مردمی داشت. در زمان جهاد و مقاومت که فرصت درس و آموزش برای کسی فراهم نبود، مارشال فقید براننده‌گی خودش را از لحاظ سطح دانش داشت. او از نظر فهم مسائل دینی و سیاسی، درایت ویژه‌یی داشت و نیز یک مذاکره‌کننده بسیار قوی بود. وقتی مسائل مبنی بر گفت‌وگو و مذاکره در سطح جبهات مطرح می‌شد، آمرصاحب برای حل آن مارشال صاحب را موظف می‌ساخت. او در کمیته سیاسی نیز مسئولیت داشت و در کنار آن، به مسائل نظامی نیز می‌پرداخت.

چه زمانی بیش تر رابطه شما با مارشال فهیم صمیمانه شد و گاهی شده که درد دل‌های دوستانه با شما کرده باشد؟

در مسائل سیاسی همیشه واقع شده که هر دو متفاوت تصمیم گرفته‌ایم، اما هیچ‌گاه رابطه دوستانه ما در هیچ زمانی برهم نخورده است.

شما هم به عنوان کسی که در وحدت و هم‌گرایی در جبهات جهاد و مقاومت نقش براننده‌یی داشتید، از مارشال فهیم هم یاد می‌شود که نقش ارزنده‌یی در این زمینه داشته است، فکر می‌کنید تفاوت مارشال صاحب با دیگران در بسیج مردم و وحدت و هم‌گرایی میان مردم در چه بود؟

زمانی که در دولت نبود، در جبهه متحد ملی نقش اساسی داشت. در آن‌جا افراد و اشخاص زیادی بودند که دیدگاه‌های متفاوت داشتند. در عین حال، شیوه مردمی و اجتماعی بودن مارشال فقید برایش کمک می‌کرد با اقشار مختلف جامعه ارتباط برقرار کند. فکر وحدت افغانستان برای او همیشه برجسته بود. او قاطع بود در عین حال، گذشت هم می‌کرد. با آن که سال‌های زیادی در بخش نظامی فعالیت کرد، اما آدم مهربان و صمیمی بود. او از خود راهی به میراث گذاشته که امروز هزاران علاقه‌مند، خود را منسوب به آن راه می‌دانند و خواهان سیر در آن مسیر اند.

شما بارها از صمیمیتی که میان آمرصاحب و مارشال صاحب وجود داشت، سخن گفته اید، اما در این فرصت می‌خواهیم بدانیم شما که از نزدیکان آمرصاحب بودید، گاهی گواه اختلاف نظر و دیدگاه میان این دو هم‌سنگر بوده اید؟

همیشه با هم بحث می‌کردند. هیچ‌گاهی بر سر اصول و روش کار با هم اختلاف نداشتند، اما زمانی که بحثی مطرح می‌شد، بارها مارشال صاحب و آمرصاحب از خود نظریات متفاوت ارائه می‌کردند. یعنی در برخی مسائل میان شان اختلاف دیدگاه به میان می‌آمد، اما با حرف و استدلال رفع می‌شد. کیفیت مجلس‌هایی که با آمرصاحب می‌داشتیم هم در این بود که بحث جدی و واقعی می‌بود و هر کسی حرفش را می‌گفت و در نتیجه یک تصمیم با رأی همه گرفته می‌شد.

شما و دیگر هم‌سنگران تان پس از شهادت آمرصاحب تصمیم گرفتید تا مارشال فهیم به عنوان جاگزین شهید احمدشاه مسعود انتخاب شود. وقتی وارد کابل شدید، قرار بر این بود که نظام افغانستان را پایه‌گذاری کنید. شما نقش مارشال فهیم را در ساختن این نظام چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بعد از شهادت آمرصاحب، مسئولیت سنگینی روی شانه‌های مارشال فهیم گذاشته شد. مشوره همه‌گی بود تا مارشال صاحب این مسئولیت را به دوش بگیرد. در جریان ساختن دولت که یک تجربه نو در کشور بود و ما با کسانی که سال‌ها در بیرون از افغانستان زنده‌گی کرده بودند و افکار متفاوت داشتند، روبه‌رو بودیم. مارشال افغانستان نماینده خوبی از جبهه جهاد و مقاومت در نظام‌سازی پس از طالبان بود. مردم از رهبری جبهه جهاد و مقاومت راضی بودند. مارشال فهیم خان با تدبیر توانست زمینه را برای تصویب قانون اساسی، برگزاری انتخابات و سایر قدم‌های بزرگ برای نظام جدید فراهم کند.

گاهی از دیدگاه‌های متضاد حین کنفرانس (بن) بر سر چگونه‌گی نظام سیاسی آینده میان هم‌سنگران تان سخن گفته می‌شود، به‌ویژه این که برخی از ملاحظات استاد شهید نادیده گرفته شد، این دیدگاه‌های متضاد چه بودند؟

شما اگر بیانیه انتقال قدرت را متوجه شوید، در آن استاد برهان‌الدین ربانی شهید گفت که «امروز یکی از خوش‌ترین روزهای زنده‌گی من است که من به آینده افغانستان امیدوار شدم». معنای این بیانیه آن است که در تصویر کلان، همه با اتفاق در آن پروسه وارد شدیم. در جریان کار طبعاً تفاوت‌هایی وجود داشت که فرصت پرداختن به آن‌ها نیست و اگر پرداخته هم شود، از آن انتباه نادرست صورت خواهد گرفت.

شما به عنوان یکی از هم‌سنگران مارشال فهیم فکر می‌کنید ایشان در بُعد نظامی انسان برجسته بودند یا در بُعد سیاسی؟

در هر دوره‌یی با آزمون‌های متفاوت، سخت و دشواری مواجه شد که گفته می‌توانم در هر دو بُعد آدم موفقی بودند.

وقتی مارشال فهیم سمت معاونیت ریاست‌جمهوری را به عهده داشت، شما اپوزسیون حکومت بودید و از کار حکومت انتقاد می‌کردید؛ وقتی باهم سر می‌خوردید، برخورد مارشال افغانستان با شما چگونه می‌بود؟

اگر انتقاد واقعاً وارد می‌بود، آن را با جبین گشاده می‌پذیرفت، اما گاهی اگر اطلاعات ما ناقص می‌بود، مارشال صاحب آن را اصلاح می‌کرد و ما به حرف‌هایش گوش می‌دادیم، ولو که سخت‌ترین انتقاد را هم می‌کردیم، اگر همان روز ما را می‌دید، تندخویی نمی‌کرد.

پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و حین کارزارهای انتخاباتی که منجر به ایجاد حکومت وحدت ملی شد، مارشال فهیم در سخنرانی‌هایش می‌گفت که یکی از مجاهدین رئیس‌جمهور این کشور خواهد شد و به کسی که مردم با او پیوندی نداشته باشد، اجازه نمی‌دهیم رئیس‌جمهور باشد. خبرهایی است که گویا در زمان کارزارهای انتخاباتی کمر شما برای نامزدشدن در انتخابات در خانه مارشال افغانستان بسته

شد، ما یلیم در این مورد برای ما کمی وضاحت دهید.

بلی؛ آن زمان بحث این بود که چه کسی نامزد ریاست جمهوری باشد. نام‌های مختلف گرفته می‌شد، اما پس از دو ساعت شنیدن نظریات مختلف، تصمیم بر این شد که من به عنوان نامزد از آدرس جهاد و مقاومت به مبارزات ریاست جمهوری وارد کارزارهای انتخاباتی شوم.

در چه وضعیتی بودید که خبر درگذشت مارشال فهیم برای تان رسید؟

همان روز قرار بود روز زن در کشور تجلیل شود. بانو فتانه گیلانی برنامه‌ی برگزار کرده بود که قرار بود من در آنجا اشتراک و سخنرانی کنم. داشتیم به سخنرانی آماده‌گی می‌گرفتم که خبر درگذشت مارشال صاحب برایم رسید. پیش از آن هم خبر داشتیم که مارشال صاحب بیمار بودند.

پس از آن که مارشال افغانستان کمر شما را بست، آرزو داشت در حکومت شما چه کاری را خودشان انجام دهند؟

در مورد این که خودشان در حکومتی که من اگر برنده شوم چه می‌کنند، چیزی نگفته بودند و فقط می‌گفت، مسیری را که تا حال آمده‌ایم، حفظ کنیم و نگذاریم مردم افغانستان از هم جدا شوند. او می‌گفت هدف غایی این باید باشد که مردم هرچه بیش‌تر با هم گره بخورند تا هیچ دشمنی آنان را از هم جدا کرده نتواند. ایشان فکر می‌کردند در نتیجه یک انتخابات درست و عادلانه یک مجاهد در رأس حکومت باشد.

تأثیر نبود مارشال فهیم را حالا که در نظام استید، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شخصیت‌هایی که از یک سو تعهد خود را به خدا و به مردم ثابت ساخته‌اند و از سوی دیگر، عالمی از تجربه و صداقت در برابر مردم و خدا داشتند، نبودشان در هر زمان و هر شرایط محسوس است و در حال حاضر که کشور مورد تجاوز تروریستان قرار گرفته است، کمبودشان بیش‌تر از پیش احساس می‌شود.

ممنون که فرصت گذاشتید.

از شما هم.

منبع: هفته‌نامه کابل



مارشال فهیم سفیر سیار جبههٔ جهاد بود

احمدضیا مسعود

اشاره: هجدهم حوت امسال برابر است با چهارمین سال رحلت یگانه مارشال افغانستان، از مارشال محمدقسیم فهیم به عنوان برجسته‌ترین چهرهٔ ایجادگر نظام جدید پساتالبان در افغانستان و بنیان‌گذار ارتش نوین کشور یاد می‌شود. او هم‌چنان از نخستین و برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ جهاد و مقاومت مردم افغانستان پس از شهید احمدشاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان بود که برای آزادی و استقلال افغانستان سینه سپر کرد و در دفاع از شرف و عزت مردمش مبارزه کرد. برای واکاوی ناگفته‌هایی از زنده‌گی و کارنامهٔ مارشال افغانستان از دوران جهاد و دوران نظام‌داری، گفت‌وگویی را با احمدضیا مسعود، همسنگر دوران جهاد و مقاومت مارشال و همکار او در نظام جدید پساتالبان انجام داده‌ایم که حاصل آن را می‌خوانید.

گفت‌وگورا با این پرسش آغاز می‌کنیم که نخستین بار چه زمانی و در چه شرایطی با مفهوم جهاد آشنا شدید و در آن زمان تصویر و صورتان از جهاد و مجاهد چگونه بود؟

وقتی حکومت کمونیستان در سال ۱۹۷۸ م آغاز شد، همان زمان بود که یک حرکت آزادی‌بخش در افغانستان شکل گرفت، ابتکار آن را «نهضت جوانان مسلمان افغانستان» به عهده داشت. وقتی ما به پاکستان رفتیم، آمرصاحب آنجا بود و موضوعات جهاد در همان‌جا مطرح شد و بعد از آن به پنجشیر آمدیم. ما نخستین گروه پنجاه و چند نفری بودیم که وارد پنجشیر شدیم. آمرصاحب با تئوری جنگ‌های

پارتیزانی آشنا بود و به محض این که وارد پنجشیر شدیم، پایگاه‌سازی و قرارگاه‌سازی را آغاز کرد. برای آنکه مردم بسیج شوند، نیاز بود تا یک ایدئولوژی داشته باشیم و مردم را در محور آن جمع کنیم. از آنجا که کمونستان به هیچ ارزش دینی باشنده‌گان افغانستان باور نداشتند و پیوسته به مقدسات مردم توهین می‌کردند، بناءً مسأله بسیج مردم با ایدئولوژی اسلامی، بهترین گزینه آن زمان به نظر می‌رسید. ما از این طریق توانستیم مردم را در محور دین و به هدف دفاع از دین و وطن، در برابر کمونستان بسیج کنیم.

شرایط و اوضاع در آن زمان در میان باشنده‌گان عادی پنجشیر چه گونه بود؟

البته کارهای نفوذی قبلاً انجام شده بود و ما به پنجشیر ارتباط داشتیم. وقتی از راه نورستان به پنجشیر می‌آمدیم، وطن‌داران پنجشیر در نورستان از ما استقبال می‌کردند، از جمله فرمانده گدامحمد خالد هم بود. هسته‌گذاری‌ها در قسمت‌های بالای پنجشیر شده بود، اما با بخش‌های پایین پنجشیر از وضعیت آگاه نبودند. وقتی با آمرصاحب وارد پنجشیر شدیم و مسأله را مطرح کردیم، بسیار زود مردم استقبال کردند و این بود که مسأله جهاد در پنجشیر همه‌گیر شد و مجاهدین به زودی توانستند ولسوالی را تصرف کنند.

چگونه بحث جهاد به تمام پنجشیر گسترش پیدا کرد، در حالی که بخشی از مردم زیر حاکمیت حکومت کمونیستی آن وقت بودند؟

آمرصاحب شهید یک پالیسی داشت، در هر مکانی که می‌رفت، قرارگاه‌هایی می‌ساخت. آن زمان تنها سرک‌ها زیر نظارت حکومت بود و با همکاری مردم، آهسته‌آهسته قرارگاه‌ها در نقاط مختلف و استراتژیک پنجشیر ساخته شد و مجاهدین توانستند زودتر مسأله جهاد را بگسترانند.

شما از آغاز با چه سمت و سهمی در جهاد شرکت کردید؟

در سال‌های اول با آمرصاحب بودم که این روند تقریباً یک‌سال را در بر گرفت. بعد از آن برایم وظیفه سپرده شد تا کارهایی را در پاکستان به عهده بگیرم. بعد از این که ما وارد افغانستان شدیم، مارشال محمدقسیم فهیم نیز با ما پیوست. وظیفه من در پاکستان تأمین رابطه با کشورهای که جبهه جهاد را تمویل می‌کردند، بود.

چه زمانی، در کجا و در چه شرایطی با مارشال محمدقسیم فهیم روبه‌رو شدید و در نخستین دیدار او را چگونه شخصیتی یافتید؟

نخستین بار مارشال فهیم را در منطقه «زبه» دیدم. همه خوشحال بودند که یک آدم باسواد و آموزش دیده به جبهه پیوسته است. آمرصاحب از آمدن مارشال صاحب خیلی استقبال کرد و به همین خاطر ما هم به دیدن و استقبالش شتافتیم. اتفاقاً مارشال صاحب و آمرصاحب هر دو در پاکستان بودند و یک‌دیگر را ندیده بودند، اما در مورد هم شنیده بودند. دیدار آن دو در پنجشیر صورت گرفت، چون هر دو شخصیت اجتماعی بودند، وقتی آمرصاحب او را دید، با هم بسیار انس گرفتند، رابطه تأمین کرده و با هم همکاری را آغاز کردند. بارها شنیده‌ام که آمرصاحب می‌گفت: به دنبال آدم‌های اجتماعی و آموزش دیده است.

آیا به خاطر دارید که نخستین کارهای مارشال محمدقسیم فهیم در جبهه جهاد چه بود؟

وقتی روس‌ها حمله کردند، هر قرارگاه وظیفه داشت تا از خود دفاع کند. مارشال صاحب در آن زمان فعالیتش را از دره «شابه» همراه با فرمانده میرزا آغاز کرد، اما فعالیت روشن‌گری‌شان از وقتی که وارد پنجشیر شده بودند، آغاز شده بود.

چه زمانی و در چه شرایطی نزدیکی قهرمان ملی کشور با مارشال افغانستان بیش‌تر شد؟ چون گفته می‌شود که وقتی کار دشواری پیش می‌آمد، امرصاحب بیش‌تر بالای مارشال صاحب اعتماد می‌کرد.

پیشتر هم گفتیم، مارشال فهیم آدم بسیار اجتماعی بود و می‌توانست به اصطلاح امروز، خوب دیپلوماسی و گفت‌وگو کند. استعداد مردم‌داری مارشال فهیم سبب شده بود که امرصاحب در کنار فعالیت‌های نظامی، مسئولیت حل و فصل اختلافات در جبهه را نیز به‌دوش او بگذارد. مارشال صاحب آن زمان حیثیت سفیر سیار را داشت و هر جایی که مشکلی پیش می‌آمد، با مهارت ویژه خود به آن، نقطه پایان می‌گذاشت.

وقتی کارهای تان در پاکستان تمام شد، چه زمان دوباره وارد جبهه شدید و وقتی وارد جبهه شدید، مارشال فهیم مصروف چه بود و او را چگونه یافتید؟

سال دو-سه بار بین افغانستان و پاکستان رفت‌وآمد داشتیم و کارهای پاکستان را به امرصاحب گزارش می‌دادم. در آن زمان مارشال صاحب و امرصاحب یک‌جا و در یک تیم کار می‌کردند.

وقتی مارشال محمدقسیم فهیم در جبهه بود، چندین اتفاق بسیار بزرگ در جبهه جهاد رخ داده بود، فکر می‌کنید از آمدن مجاهدین به افغانستان تا فرصت زمانی‌یی که مجاهدین به شهر کابل آمدند، مارشال فهیم چه کارهای بزرگ را به جبهه جهاد انجام داد؟

در جریان فعالیت‌ها، مارشال افغانستان به یک چهره سیاسی و با درایت تبدیل می‌شد. او تلاش داشت با گروه‌های متعددی در شمال افغانستان ارتباط بسیار وسیع بسازد. وقتی مجاهدین به کابل آمدند، مارشال صاحب وزیر امنیت شد و توانست با جبهات زیادی ارتباط بگیرد. او بعد از امرصاحب، به عنوان رهبر مجاهدین شناخته می‌شد. مارشال فهیم برای تنظیم و سازماندهی مجاهدین، بسیار زحمت کشید. یکی از کارهای نظامی بسیار وسیع مارشال صاحب، پایگاه کوه تلویزیون در کابل بود که تمام جبهات کابل را زیر نظارت داشت.

مارشال افغانستان چقدر توانست از عهده مسئولیت‌هایی که در زمان جهاد تا وارد شدن به کابل برایش سپرده شده بود، موفقانه برآید و راز موفقیت‌شان را در چه می‌بینید؟

تقوا، پرهیزگاری و باورمندی جدی به اساسات اسلام، یکی از رازهای موفقیت امرصاحب، مارشال صاحب و سایر مجاهدین بود. از سویی هم، ویژه‌گی‌های امرصاحب تقریباً سرایت کرده بود به مارشال صاحب و این دو از هم‌دیگر اثر پذیرفته بودند. هم‌چنان، بودن در جبهه، در کنار مردم و به مشکلات

مردم رسیده‌گی کردن، همه این‌ها خواه‌ناخواه انسان‌ها را پخته می‌سازد و سبب می‌شود تبدیل به یک «کاریزما» در جامعه شوند.

زمانی که حکومت داکتر نجیب‌الله روزهای پایانی‌اش را می‌گذراند و شما وارد شهر کابل شدید را به یاد دارید؟ چه تصویری از آن زمان و زمانی که از کابل به پاکستان مهاجر شدید، به ذهن تان مانده است؟

در شرایطی که ما از کابل بیرون شده و به پاکستان مهاجر شدیم، شروع کودتای کمونیستان در افغانستان بود. آن زمان کابل خیلی متفاوت بود. هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ محیط‌زیستی. ما در آن زمان انسان‌های فرهنگی و روشنفکر زیادی در کابل داشتیم و زنده‌گی مردم نیز از نظر اقتصاد بسیار خوب بود، اما وقتی با مجاهدین وارد کابل شدیم، این چهره بسیار تغییر کرده بود. هیچ تحول عمیق مثبت در زنده‌گی مردم به میان نیامده بود. کابل و مردم کابل شادابی خود را از دست داده بودند، زیربنای اقتصادی‌شان از بین رفته بود و در کل، وقتی وارد شهر کابل می‌شدید، بسیار به راحتی درک می‌کردید که یک نظام سرکوب‌گر، تمام آزادی‌های مردم را گرفته و کابل را برای باشنده‌گان آن جهنم ساخته است. اکثریت روشن‌فکران یا فرار کرده بودند، یا در زندان بودند و یا هم به شهادت رسیده بودند.

زمانی که وارد کابل شدید، مارشال فهیم سمت وزارت امنیت را به دوش داشت، در حالی که پیش از آن، حکومت کمونیستان همین نهاد را به نام «خاد» به عهده داشتند که تبدیل شده بود به کشتارگاه مردم. به باور شما، مارشال فهیم چگونه این دستگاه را به یک دستگاه قابل اعتماد برای مردم تبدیل کرد؟

وقتی مجاهدین وارد کابل شدند، با مردم برخورد دموکراتیک و مردم‌سالارانه کردند. مجاهدین معتقد به تحمیل ایدئولوژی‌شان بالای مردم نبودند و نمی‌خواستند استبداد سیاسی از خود بروز دهند. همه مجاهدین معتقد به آزادی‌های سیاسی و مدنی بودند. آنان می‌خواستند به معنای واقعی کلمه یک حکومت مدرن در کشور به وجود بیاید. به همین دلیل بود که با آمدن مجاهدین، شرایط بسیار خوبی در کشور حاکم شد و مردم دانستند که می‌توانند آزادی‌های‌شان را دوباره به دست آورند. استبداد و اختناق سیاسی‌یی که قبلاً موجود بود، از بین رفته بود و حتا مجاهدین زندانی‌های سیاسی هم نداشتند.

مجاهدین نتوانستند تا یک حکومت با پایه‌های وسیع را در کشور ایجاد کنند و مجبور شدند از کابل عقب‌نشینی کنند و طالبان به کابل حکم‌فرما شوند. فکر می‌کنید چه عواملی موجب شد مجاهدین حکومتی را که انتظار داشتند ایجاد کنند، نکردند و یا نتوانستند؟

متأسفانه میان عده‌یی از گروه‌های مجاهدین اختلافاتی به میان آمد و گروه‌هایی هم که در پاکستان بود که برای‌شان استقرار حکومت مجاهدین در افغانستان قابل قبول نبود. برخی از کشورهای همسایه نیز مداخله کردند که همین مداخله‌ها سبب شد تا یک استراتژی قابل قبول میان گروه‌های مجاهدین برای ایجاد یک حکومت به میان نیاید. استاد ربانی شهید نیز معتقد بود که گروه‌های مجاهدین با آنکه گرایش به دین‌داری دارند، می‌توانند یک حکومت دموکراتیک را شکل دهند، اما بسیاری‌ها مداخله کردند و جلو استاد برهان‌الدین ربانی را گرفتند. عده‌یی هم تأکید داشتند که قدرت سیاسی در افغانستان باید تقسیم شود و ساختار نظام نیز تغییر کند. استاد ربانی، امرصاحب، مارشال فهیم و سایر رهبران مجاهدین

شدیداً می‌خواستند تا یک حکومت با پایه‌های مدرن در کشور شکل گیرد، به‌ویژه آمرصاحب تأکید بیشتر داشت که با نهادمند شدن نظام در کشور، اختلافات قومی با مشارکت جمعی حل شود؛ اما متأسفانه مداخله‌های بیرونی سبب شد تا نتوانیم اهداف خود را دنبال کنیم.

در کنار سایر مسئولیت‌ها، مارشال فهیم از سوی آمرصاحب وظیفه داشت تا از احوال داکتر نجیب‌الله که پناهنده سازمان ملل بود نیز واریسی کند، چرا آمرصاحب پیشنهاد واریسی از داکتر نجیب را به مارشال افغانستان سپرد و ایشان چقدر توانستند این مأموریت را صادقانه انجام دهند؟ هم‌چنان اگر خاطره‌یی از این دوره که مارشال صاحب برای تان قصه کرده باشد را با خواننده‌گان ما شریک سازید؟

چون مارشال فهیم روح عیار و اجتماعی داشت، آمرصاحب تشخیص داده بود که او می‌تواند از عهده این کار برآید و می‌تواند از ابعاد مختلف وضعیت داکتر نجیب‌الله و سازمان ملل، گزارش بگیرد و تحلیل کند. در آن زمان رابطه داکتر نجیب، آمرصاحب و مارشال صاحب تقریباً صمیمانه هم شده بود. وقتی داکتر نجیب در سازمان ملل پناهنده شده بود، مارشال صاحب قصه می‌کرد که داکتر نجیب‌الله فکر وسیع دارد و آدم بسیار جدی است. او هم‌چنان می‌گفت که داکتر نجیب از مداخله کشورهای خارجی در امور افغانستان سخن می‌گفت و ظاهراً اوضاع منطقه را درک کرده بود.

وقتی شرایط به گونه‌یی آمد که مجاهدین مجبور شدند از کابل عقب‌نشینی کنند، چرا مارشال فهیم نتوانست داکتر نجیب‌الله را معتقد سازد تا با آنان به جبهه پیوندد و از کابل بیرون شود؟

مارشال افغانستان تمام تلاشش را به خرج داد و در کنار این، آمرصاحب نیز کسانی را فرستاد تا داکتر نجیب‌الله را باورمند سازند تا به پنجشیر بیاید، اما داکتر نجیب‌الله فکر می‌کرد که چون طالبان از برادران پشتون هستند، کاری با او نخواهند داشت، اما او بی‌خبر از این که در پشت صحنه دست پاکستان است، قربانی شد. پیشامد آمرصاحب، مارشال صاحب و در مجموع مجاهدین با داکتر نجیب بسیار انسانی بود و آنان می‌خواستند داکتر نجیب قربانی توطئه پاکستان نشود؛ متأسفانه خود داکتر نجیب‌الله نخواست به ما اعتماد کند.

آیا به خاطر دارید که چه زمانی نام گروه طالبان را شنیدید و در آن زمان تصویری که از این گروه ارایه می‌شد، چگونه بود؟

پاکستانی‌ها همیشه در صدد این بودند که چگونه می‌شود یک راه ترانزیت به کشورهای آسیای مرکزی باز کنند. آنان «سپین بولدک» را بهترین مسیر قلم‌داد کرده بودند و می‌خواستند مواد تجارته‌شان از این مسیر بگذرد. به همین خاطر خواستند گروه طالبان را ایجاد کنند؛ چون پاکستان به این باور رسیده بود که سرمایه‌گذاری بالای گلبدین حکمتیار هدر رفته و او نمی‌تواند بیشتر از این حافظ منافع این کشور باشد. ما در کابل بودیم که سروصدایی به نام گروه طالبان بالا گرفت و گفته می‌شد که این گروه در مساجد ایجاد شده و به‌زودی دست به فعالیت‌های سیاسی و نظامی خواهند زد. مجاهدین چون در قندهار نیز سازماندهی درست نداشتند، طالبان توانستند به بسیار زودی و منسجم‌ترین گروه‌های مجاهدین قندهار شوند.

چه زمانی خبر شدید که باید مجاهدین از کابل عقب‌نشینی کنند، چگونه این کار صورت گرفت؟

طالبان به منطقه «سنگ‌نشته» رسیده بودند و گلبدین حکمتیار نیز از آن منطقه فرار کرده بود. ما در وزیر محمد اکبرخان خبر شدیم که طالبان تا آن منطقه رسیده‌اند. وقتی از سروبی حمله کردند، برای این که در کابل خون‌ریزی صورت نگیرد، امرصاحب فرمان داد که باید همه‌گی به طرف جبل‌السراج عقب‌نشینی کنند. در آن زمان مارشال فهیم در خط نخست جبهه بود و مجاهدین را سازمان‌دهی می‌کرد.

گفته می‌شود که مارشال فهیم آخرین کسی بود که از کابل خارج شده است؟

بلی درست است. حتا مارشال صاحب می‌خواست در کابل در برابر طالبان ایستاده‌گی و مقابله کند، اما روحیه مجاهدین بسیار پایین آمده بود، پاکستانی‌ها هم برنامه بسیار وسیع داشتند، بناءً مارشال صاحب نیز ناگزیر به عقب‌نشینی شد.

حالا وقتی به آن اتفاقات و شرایط بعد از آن تأمل می‌کنید، فکر می‌کنید تصمیم عقب‌نشینی چقدر تصمیم درست و سنجیده شده بود؟ و آیا مجاهدین با عقب‌نشینی هدفی را که می‌خواستند به آن دست بیابند، دست یافتند؟

مشکل در آن زمان این بود که روحیه مجاهدین بسیار پایین آمده بود و در بعضی از مناطق، صف مجاهدین شق شده بود و نوعی هم‌سویی و هم‌آهنگی میان گروه‌ها تقریباً آسیب دیده بود. امرصاحب تصور می‌کرد که مجاهدین نیاز به یک سازماندهی مجدد دارند تا با آماده‌گی قوی دوباره حمله کنند. فکر می‌کنم تصمیم بسیار سنجیده شده و عقلانی بود که باید مجاهدین عقب‌نشینی کنند و درگیری خانه‌به‌خانه در کابل آغاز نشود.

شرایط به گونه دیگری پیش آمد و منجر شد تا «جبهه مقاومت ملی مردم افغانستان» شکل گیرد. به‌خاطر دارید که این جبهه در کجا و چگونه شکل گرفت و شما در آن زمان کجا بودید؟

وقتی این جبهه شکل گرفت، من در افغانستان نبودم. طالبان حملات‌شان را سرعت دادند. بعضی از پیروزی‌ها نصیب مجاهدین هم شد و چندین مجلس در جبل‌السراج دایر گردید و یک جبهه ملی بزرگی را شکل داد. امرصاحب تلاش کرد تا تمام اقوام افغانستان نیروی مقاومت سراسری را به وجود بیاورند. به دنبال همین بود که جنرال عبدالرشید دوستم، استاد محقق و کریم خلیلی سهم گرفتند. استراتژی امرصاحب این بود که مقاومت در برابر طالبان در سراسر کشور شکل گیرد تا جبهات طالبان پراکنده شود. همین بود که جبهه مقاومت شکل گرفت و از سراسر افغانستان در جبهه مقاومت، سهم گرفتند.

مارشال فهیم در این شرایط چه سهمی را در شکل‌گیری جبهه مقاومت ایفا کرد؟

مارشال افغانستان در آن زمان آدم بسیار سیاسی بود و به نقاط مختلف سفر می‌کرد تا برای جبهه نیرو جذب کند. او در شکل‌گیری این جبهه نقش بسیار تعیین‌کننده داشت. مارشال مرحوم بود که گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و نظامی را جلب اعتماد می‌کرد و در جبهه مقاومت سهم می‌ساخت؛ به نظرم کار بسیار دشواری بود که مارشال صاحب خوب از عهده آن برآمد.

به خاطر دارید که در همان روزگار در حالی که صمیمیت میان امرصاحب و مارشال صاحب وجود داشت، گاهی شکررنجی نیز میان شان به وجود آمده باشد؟

یک زمانی وقتی وارد پنجشیر شدم، امرصاحب، مارشال صاحب و استاد سیاف در قسمت دهنه پنجشیر در یک فرارگاه ایستاده بودند. متوجه شدم که مارشال صاحب کمی از جمع دورتر در حرکت است. نزدیکش رفتم و پرسیدم که چه گپ است؟ برابرم گفت: ولا برادرت {شهیداحمدشاه مسعود} یک قسم دیگه است و کسی را تحویل نمی‌گیرد! من این حرف را به امرصاحب رساندم و گفتم که مارشال صاحب از تو خفه است، امرصاحب گفت که حرف جدی‌یی نیست. اولین و آخرین بار همان روز بود که من دلش را هم تاکنون نمی‌دانم چه بود، اما امرصاحب عادت داشت دوستانش را زیاد خفه نمی‌گذاشت. بدون شک در زمان جهاد و مقاومت مشکلاتی به وجود می‌آمد، اما چون هدف مقدس بود، به دنبال حرف و حدیث‌های سلیقه‌یی و شخصی نمی‌گشتند.

به یاد دارید بدترین شرایطی پیش آمده باشد که جبهه مقاومت هم از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی در تنگنا و ناچاری قرار گرفته باشد، امرصاحب و مارشال صاحب چگونه چنین فضایی را دوباره ترمیم می‌کردند؟

در دوره مقاومت مشکلات زیاد بود. جبهات بسیار پراکنده بود و مارشال صاحب در بدخشان و امرصاحب هم در تخار بودند. ما در آن زمان با مشکلات مالی دچار شده بودیم؛ تاحدی که داکتر صاحب عبدالله با من تماس گرفت و گفت که مشکلات مالی بسیار زیاد است و بیا با استاد در این مورد صحبت کن. به یاد دارم تا زمانی که مشکلات بیش از حد پیش نمی‌آمد، مجاهدین شکایت نمی‌کردند.

شما سهم بیشتری به عنوان رابط میان مجاهدین و کشورهای کمک کننده جهاد داشتید، حالا وقتی به آن شرایط نظر می‌اندازید، فکر می‌کنید امرصاحب، مارشال فهیم، استاد ربانی و سایر رهبران چقدر موفق بودند تا کشورهای خارجی را ترغیب به کمک به مجاهدین کنند؟

در زمان جهاد، جامعه جهانی، کشورهای اروپایی و کشورهای عربی در قسمت تمویل و حمایت از مجاهدین بسیار توجه می‌کردند، اما در زمان مقاومت این کمک‌ها بسیار کم‌رنگ شد و تنها شماری از متحدان ما کم‌وبیش به جبهات کمک می‌فرستادند. جامعه جهانی هیچ توجهی در زمان مقاومت به مجاهدین نمی‌کرد و ما با بودجه بسیار کم توانستیم مقاومت را ادامه بدهید.

امرصاحب سفری داشتند به کشورهای اروپایی، فکر می‌کنید چطور نیاز احساس کرد تا بروند به کشورهای اروپایی و توجه آنان را به جبهه مقاومت و خطر تروریسم جلب کند؟

چون انعکاس فعالیت‌های جبهه مقاومت برای مردم دنیا بسیار کم بود، بعضی از دوستان به امرصاحب مشوره دادند که اگر مسأله مقاومت را جهانی نسازیم، جامعه بین‌المللی متوجه این مقاومت نخواهد شد. دوستان مشوره دادند تا امرصاحب به کشورهای خارجی برود و معتقدات مجاهدان را در آنجا رسانه‌یی و جهانی بسازد و از اصل قضیه که همانا مداخله در امور افغانستان و خطر تروریسم بود، به جهانیان خبر بدهد. امرصاحب تصمیم گرفت تا به فرانسه برود و اهداف و برنامه‌های مجاهدان و مداخله کشورهای

همسایه در امور افغانستان را به جهانیان برساند و از پیامدهای عدم توجه جهان به مسأله تروریسم خبر بدهد. نتایج سفر آمرصاحب به کشورهای اروپایی بسیار چشم‌گیر و گسترده بود و توانست تصمیم کشورهای خارجی در قبال افغانستان را دگرگون سازد.

اما چندی پس از این سفر بود که آمرصاحب به شهادت رسید، در چه شرایطی برای تان خبر رسید که آمرصاحب شهید شده اند و احساسی که داشتید چگونه بود؟

وقتی آمرصاحب به شهادت رسید، من در کشور هندوستان بودم. نزدیک به دو ماه پیش او را در تاجیکستان دیده بودم. چون آمرصاحب بعد از سفر اروپا می‌خواست دوستان و کسانی را که در دوران جهاد با او همکار بودند، دوباره به افغانستان بطلبد، من نیز قصد داشتیم به افغانستان برگردم. یک روز دوستان ما آقای خالد، مشهور به «خالد مالی» به خانه‌ام در هندوستان آمد و گفت که آمرصاحب در یک انفجار اندکی زخمی شده و نیاز است ما به افغانستان برویم؛ اما من در دل با خود گفتم که حتماً حادثه بزرگی صورت گرفته که مرا به افغانستان خواسته اند. با داکتر عبدالله و خالد به ازبکستان و از آنجا به تخار رفتیم. تا آن زمان هم فکر نمی‌کردم آمرصاحب شهید شده است. وقتی به خواجه بهالالدین رسیدم، از محمدگل خان، راننده آمرصاحب پرسیدم که او کجاست؟ گفت که به جبهه رفته است. رفتم به درون اتاق، دیدم که استاد ربانی، استاد سیاف و دیگر مجاهدین نشسته اند و دعا می‌کنند، همین‌جا بود که مطمئن شدم که آمرصاحب شهید شده است.

پس از آنکه قهرمان ملی کشور به خاک سپرده شد، بحث جانشینی او بیشتر مطرح شد و قراری که هم‌سنگران شما می‌گویند، به شما پیشنهاد شده بود تا جانشین او شوید، چرا این پیشنهاد را نپذیرفتید و آن را به مارشال صاحب واگذار کردید؟

در خواجه بهالالدین حرف و حدیث‌هایی بالا گرفت که طالبان به نزدیکی‌های تخار رسیده اند و احتمالاً حمله بسیار بزرگی را تدارک ببینند. یک دو روز آنجا بودیم که خبر رسید به برج‌های دوقلوی امریکا حمله تروریستی شده است. همان‌جا فیصله شد که مارشال صاحب سرپرستی تمام جبهات را به عهده بگیرد. وقتی امریکا تصمیم خود برای مقابله با طالبان را به جهان اعلام کرد، بسیاری‌ها نفس راحت کشیدند و مطمئن شدند که خطر این که طالبان تمام منطقه را تصرف کند، رفع شد.

وقتی جلسه در این مورد در خواجه بهالالدین برگزار شد، مولوی فضل الوهاب پیشنهاد کرد که چون احمدضیا برادر آمرصاحب است، می‌شود به عنوان جانشین او انتخاب شود، اما من داکتر صاحب عبدالله را پیشنهاد کرده و استدلال کردم که چون او بیشتر از همه در کنار آمرصاحب بوده است، می‌تواند جانشین بهتری باشد؛ یعنی به شمول مارشال صاحب، اکثریت به این نظر بودند که من جانشین آمرصاحب شوم. در همین هنگام مارشال صاحب آغاز به استدلال کرد و خواست دیگران را قناعت بدهد که او حاضر است این مسئولیت را به دوش بگیرد و چنین هم شد و اکثریت قبول کردند که مسئولیت به دوش مارشال صاحب گذاشته شود. مارشال فهیم از این‌رو داوطلب این سمت شد که با تمام جبهات آشنا بود و می‌دانست چی و کی در کجا است.

وقتی ارتباط مجاهدین با جامعه جهانی برقرار شد و نیروهای بیرونی هم در امر مبارزه با تروریسم با مجاهدین یکجا شدند، شما در آن شرایط وقتی در افغانستان بودید و کارکردهای مارشال صاحب را می‌دید، چقدر توانست مسئولیت جانشینی

آمرصاحب را موفقانه به پیش ببرد؟

بعد از شهادت آمرصاحب، مارشال محمدقسیم فهیم به عنوان برازنده‌ترین چهره مجاهدین و مقاومت‌گران در سطح داخل و بیرون از افغانستان شناخته شده بود. تا وقتی که با مجاهدین به کابل آمدند، مارشال صاحب با درایت تمام توانسته بود از عهده مسئولیت‌هایش به در آید. سازماندهی و تنظیم مجاهدین برای مبارزه و برقراری ارتباط با دنیا، کار دشواری است که به نظر تنها مارشال صاحب می‌توانست از عهده آن برآید. در کنار این، در ایجاد حکومت موقت نیز نقش برجسته‌یی بازی کرد.

زمانی که به کابل آمدید، تصمیم به این شد که نظام و ساختار حکومت در افغانستان تغییر کند. شما، مارشال فهیم، استاد برهان‌الدین ربانی و دیگر هم‌سنگران تان چگونه تصمیم گرفتید تا ساختار نظام در افغانستان تغییر کند؟

در آن زمان نقش امریکایی‌ها هم در افغانستان بیشتر شد. آنان فشار بیشتر وارد کردند تا نظام آینده افغانستان چگونه شکل گیرد؟ در این میان، شهید استاد ربانی بسیار مقاومت کرد که باید مسائل سیاسی افغانستان را خود باشنده‌گان این کشور در داخل کشورشان تعیین و مشخص کنند؛ اما در کنفرانس بن همه موارد دگرگون شد؛ هدف امریکایی‌ها و عده دیگری که آنجا گرد آمده بودند، این بود که باید قدرت سیاسی از دست مجاهدین گرفته شود.

نظام جدید شکل گرفت و شرایطی به وجود آمد که شهروندان افغانستان نیاز به همدیگرپذیری داشتند و این که برای شان دوباره روحیه داده شود تا در کنار نظام بایستند. مارشال محمدقسیم فهیم، یکی از بنیان‌گذاران نظام جدید بود، مارشال افغانستان چقدر سهم داشت و توانست مردم را وارد نظام سازد و وحدت و نظم را به وجود بیاورد؟

در شرایطی که قدرت انتقال پیدا کرد و ما گواه شکل‌گیری حکومت جدید به رهبری آقای کززی بودیم و اقتدار سیاسی هم تمرکز پیدا کرد در وجود آقای کززی و دوستانش، دوستان ما به شمول مارشال صاحب شش ماه بعد احساس کردند که در قدرت سیاسی نقش تعیین‌کننده ندارند؛ زیرا با آنکه در کنفرانس بن تقسیمات صورت گرفت و قسمت زیادی از وزارت‌خانه‌ها مربوط جبهه مقاومت و سایر مجاهدین شد، اما اقتدار سیاسی تمرکز پیدا کرد در وجود خود آقای کززی؛ موردی که مجاهدین متوجه آن نشدند. بزرگ‌ترین اشتباه هم در همین جا است. وقتی مسأله ارتش، پولیس و حضور نیروهای خارجی در افغانستان به وجود آمد، حامد کززی آهسته‌آهسته صلاحیت‌های مارشال فهیم را محدود کرد. دوستان ما قدرتی که محصول مبارزات سیاسی-نظامی سی-چهل سال‌شان بود را بدون دلیل منطقی، به دست کس دیگری دادند. باور این است که اگر حرف استاد شهید را قبول می‌کردند، مجاهدین هرگز منزوی نمی‌شدند.

به خاطر دارید که در کدام نشست خودمانی، مارشال افغانستان از تغییر پالیسی و برخورد آقای کززی برای تان قصه کرده باشد؟

شکایت‌های مارشال صاحب از حامد کززی بیشتر اخلاقی بود، مانند این که کززی به عهد خود وفا نمی‌کند و خلاف تمام قراردادها با ما برخورد کرد.

چگونه خودتان به عنوان معاون نخست کرزی مطرح شدید؟

من از این که قرار بود معاون ریاست جمهوری شوم، خبر نداشتم. یک روز کرزی صاحب برایم تلفن کرد که بیا به دیدارم. قرار بود نخستین بار انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. همه منتظر بودند که کرزی چه کسی را به عنوان معاون خود بر می‌گزیند؟ گمان اغلب این بود که مارشال صاحب معاون باشد، اما زمانی که کرزی صاحب مرا به عنوان معاون خود انتخاب کرد، اندکی شکررنجی میان مارشال صاحب و کرزی صاحب به وجود آمد. وقتی حامد کرزی مرا به دیدنش دعوت کرد، نگران بودم که آقای کرزی از من بخواهد به جای مارشال فهیم معاونش شوم. من در آن زمان سفیر مسکو بودم. خواستم به نحوی از این درخواست آقای کرزی فرار کنم؛ اما باز هم حامد کرزی برایم پیام داد که با خودت کار دارم. به دنبال آن تماس استاد شهید را دریافت کردم که مرا به دیدن کرزی سفارش کرد.

وقتی به افغانستان آمدم، وطن‌داران مستقیم مرا به خانه مارشال صاحب بردند. متوجه شدم که یک مجلس بزرگی در آنجا برپا است. مارشال فهیم گفت که گرچه ما در حق برادران آمرصاحب بی‌مهری کرده‌ایم، اما کرزی از تو خواهد خواست تا به جای من به عنوان معاون ریاست جمهوری برگزیده شوی، اما تو قبول نکن. بگذار یک بار دیگر من معاون ریاست جمهوری شوم، بعدا ببین که چگونه همه را به جای‌شان می‌برم. بین جامعه جهانی و آقای کرزی توافق صورت گرفته بود که مارشال صاحب از معاونیت ریاست جمهوری کنار زده شود. همین بود که من به عنوان معاون برگزیده شوم. در مجلس حامد کرزی به مارشال محمدمقسیم فهیم گفت که جامعه جهانی از بودن شما در کرسی معاونیت ریاست جمهوری معذرت خواسته است، بناءً در یک ناگزیری قرار گرفته‌ایم. به جامعه جهانی فهمانده شده بود که مجاهدین جنگ سالار هستند و تمکین نمی‌کنند.

در شرایطی که شما سمت معاونیت ریاست جمهوری را به عهده داشتید، آقای کرزی را چگونه یافتید؟

پیش از کار کردن با آقای کرزی، از استاد شهید {پروفسور برهان‌الدین ربانی} اندکی در موردش شنیده بودم. می‌گفت آدم خوش‌برخورد است و ما باید با او کار کنیم، اما بعد از آنکه با او کار کردم، فهمیدم که نظام یک نظام اقتدارگرا است و آقای کرزی معتقد به تقسیم قدرت نیست. با آنکه رابطه آقای کرزی با من بسیار صمیمی بود، اما ساختار نظام به او صلاحیت بی‌حد و حصری داده بود. در نهایت متوجه شدم که نظام سیاسی افغانستان قدرت را در انحصار یک نفر قرار می‌دهد و مشارکت سیاسی را بر نمی‌تابد. بناً من نخستین کسی بودم که با وجود به دوش داشتن سمت معاونیت ریاست جمهوری، در برابر این وضعیت اعتراض کردم. هم معاون ریاست جمهوری بودم و هم جبهه ملی را در برابر آقای کرزی ایجاد کردم.

وقتی سمت معاونیت ریاست جمهوری را داشتید و همزمان با مارشال فهیم دوست بودید، گاهی یادتان می‌آید که با هم نشست‌ها داشتید و روی موضوعاتی مشوره کرده باشید و این که نگاه مارشال صاحب به حکومتی که شما معاونش بودید، چگونه بود؟

حامد کرزی در بعضی از موارد مجاهدین را دعوت و با آنان مشوره می‌کرد. در آن مجلس‌ها شرکت می‌کردند و در ضمن، ارتباط شخصی نیز داشتند. در عین زمان وقتی من با مارشال صاحب حرف می‌زدم، از آقای کرزی ابراز نارضایتی می‌کرد.

اگر دوران معاونیت خودتان را با دوره معاونیت مارشال افغانستان مقایسه کنید، چه تفاوت‌هایی را می‌توانید ببینید؟

مارشال فهیم کارشان مشخص شده نبود، مانند آقای کرزی هر کاری را می‌کردند، اما دوره‌یی که من به عنوان معاون ریاست‌جمهوری بودم، کارها مشخص شده و میان معاونان و رئیس‌جمهور تقسیم شده بود. در دوره اول معاونیت، مارشال صاحب حمایت تمام مجاهدین را با خود داشت، اما وقتی من آمدم، به گونه‌یی تصور شد که من جای مارشال فهیم را گرفته‌ام، به همین دلیل عده‌یی ناراض بودند. در دوره ما کارها منظم هم شد و کارهای بسیار کلان صورت گرفت. تقریباً ۴۸۰ مصوبات اقتصادی داشتیم و بالای تمام زیربناهای داخلی همراه با متخصصان داخلی و خارجی کار کردیم و مسأله استراتژی انکشاف ملی افغانستان را نیز به وجود آوردیم.

یکی از نقش‌های بسیار عمده مارشال فهیم در نظام جدید، ایجاد ارتش افغانستان بود. شما که از نزدیک کارها را می‌دید، فکر می‌کنید او چقدر برای افغانستان امروز مفید واقع شد؟

مارشال فهیم توانست مجاهدین را قناعت دهد که باید ارتش و نهادهای ملی را به وجود بیاوریم، در حالی که مسائل قومی در کشور بسیار مطرح بود و هم مجاهدین به عنوان یک قوت حضور داشتند. این کار بسیار مشکل بود تا طرف‌ها را قناعت داد، اما مارشال صاحب از عهده این کار برآمد. در آن زمان آقای کرزی کسی بود که برای مردم تقریباً بیگانه بود و مردم زیاد با او آشنایی نداشتند. باورم این است که اگر مارشال صاحب نمی‌بود، حامد کرزی نمی‌توانست از عهده این کار برآید و ما امروز گواه یک نظام در کشور نمی‌بودیم.

مارشال محمدقسیم فهیم در شرایط بسیار حساس رحلت کرد و پس از آن هم حکومت وحدت ملی شکل گرفت و شما هم یکی از پایه‌های این حکومت بودید، در شرایطی که مارشال افغانستان زنده بود با شرایط حالا چگونه مقایسه می‌کنید؟

اگر مارشال فهیم زنده می‌بود، بدون شک که شاهد بحران‌های فعلی نمی‌بودیم. مارشال فهیم یک شخصیت بسیار قوی بود و نفوذ قابل توجهی داشت که می‌توانست مردم را بسیج کند، اما متأسفانه بعد از رحلت او دوستانش نتوانستند نقش او را بازی کنند، به‌ویژه داکتر صاحب عبدالله. باور دارم که اگر مارشال افغانستان زنده می‌بود، بندبند توافق‌نامه ایجاد حکومت وحدت ملی عملی می‌شد. اگر داکتر عبدالله توافق‌نامه حکومت وحدت ملی را می‌توانست عملی می‌کرد، امروز قهرمان بود.

باتوجه به وضعیت بحرانی در حکومت وحدت ملی، فکر می‌کنید اگر این وضعیت دوام کند، کشور به کجا خواهد رفت؟

هر بی‌ثباتی سیاسی تأثیر بسیار مهم در تمام حوزه‌ها می‌داشته باشد. کشورهایی که دچار بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند، حوزه‌های اقتصادی، نظامی و وحدت ملی صدمه می‌بیند و اگر جلو چنین چیزی گرفته نشود، ما به سوی فروپاشی نظام خواهیم رفت. معتقد بودن به ایدئولوژی‌های قومی و منافع گروهی، کشور را به سوی بی‌ثباتی می‌برد. نسل نو ما نسل گذشته نیست و فرهنگ سیاسی تغییر کرده است، مردم در صدد این است تا در نظام نقش بازی کنند و هر نوع مقاومت در برابر خواست‌های مردم،

شکننده‌گی سیاسی را در کشور به وجود می‌آورد. متأسفانه محمداشرف غنی معتقد به دیکتاتوری است، در حالی که در یک جامعه دموکراتیک، گرایش‌های قومی و استبدادی مردود است.

مارشال افغانستان، شما و هم‌سنگران تان وضعیت‌تان را در این کشور به وجود آوردید که بخش زیادی از مردم خود را در آیینة حکومت می‌بینند، اما فرصت زمانی چند سال حکومت وحدت ملی همه این شرایط را تغییر داده است. فکر می‌کنید سران حکومت فعلی چه درس‌هایی می‌توانند از دوران حکومت‌داری مارشال فهیم بگیرند؟

ما باید میکانیسم‌های توسعه کشورهای پیشرفته را مدنظر گرفته به پیش برویم. سران حکومت فعلی تمام ارزش‌ها را نادیده گرفتند، به‌ویژه جلو مشارکت مردم را گرفتند، آزادی‌های مردم را سلب و سرکوب کردند و با یک روحیه اقتدارگرایی وارد حکومت‌داری شدند. در نتیجه این کارها بحران به وجود آمد، یک سو نارضایتی مردم و یک سوی دیگر، مقاومت حکومت در مقابل آوردن اصلاحات. یگانه راهی که می‌تواند این بن‌بست را بشکند، برگزاری انتخابات زودهنگام و یا به وجود آمدن مرحله انتقالی است. به نظرم غیر این دو گزینه، چاره دیگری نداریم. اگر حکومت وحدت ملی دوام پیدا کند، بحران گسترده‌تر می‌شود و بی‌ثباتی عمیق می‌گردد. مقصر این شرایط محمداشرف غنی و قسماً داکتر عبدالله هستند. داکتر عبدالله به جای ایستاد شدن در کنار مردم، با یک دیکتاتور شانه داد. بهترین فرصت است برای داکتر عبدالله تا در کنار مردم قرار گیرد.

باتوجه به ذهنیتی که آقای غنی دارد و از عملکردهایش نیز به نظر می‌رسد که می‌خواهد قشر خاصی قدرت را در اختیار داشته باشد و کشور به سمت دیکتاتوری برود و متمرکز باشد، آیا موفق به عملی کردن به این کار خواهد شد؟

بسیار مشکل است که حکومت با یک چنین شرایطی به پیش برود. نسل امروز می‌خواهند از تمام حقوق سیاسی و مدنی خود برخوردار باشند. احزاب سیاسی رشد کرده اند، خواهان تغییر هستند و می‌خواهند در نظام شریک باشند. تمام مردم افغانستان به این عقیده رسیده اند که ساختار نظام تغییر کند تا مشارکت سیاسی را تضمین کند. فرهنگ سیاسی در کشور تغییر کرده و کسی نمی‌تواند بالای مردم خواست‌های قومی و گروهی را تحمیل کند. یقین دارم که یک بسیج عمومی شکل می‌گیرد و مردم صاحب حق سیاسی‌شان می‌شوند.

ممنون از این که برای ما فرصت گذاشتید.

از شما هم ممنون.

منبع: هفته‌نامه کابل



شما می‌توانستید با مارشال افغانستان مخالف باشید، اما هرگز نمی‌توانستید او را دوست نداشته باشید!

عتیق‌الله بریالی

اشاره: عتیق‌الله بریالی، یکی از فرماندهان پیشین جهادی و از نظامیان مطرح کشور به شمار می‌رود. او سال‌های زیادی در سنگر جهاد و مقاومت، هم‌صف قهرمان ملی کشور، مارشال فهیم و سایر مجاهدان بود و از استقلال و آزادی مردم افغانستان دفاع کرد. از آن جهت که آقای بریالی از مجاهدان برجسته و باسواد جبهه جهاد و مقاومت بود و نیز با ایجاد نظام جدید در کشور، در سمت معاونیت وزارت دفاع خدمات فراوانی به ارتش و نظام افغانستان در کنار سایر چهره‌ها انجام داد، به مناسبت چهارمین سالیاد رحلت یگانه مارشال افغانستان، گفت‌وگویی با آقای بریالی انجام داده‌ایم تا خاطرات و دیدگاه او پیرامون شخصیت و عمل کرد مرحوم مارشال فهیم را دانسته باشیم که اینک حاصل آن را می‌خوانید:

چه زمانی با مارشال محمدقسیم فهیم آشنا شدید و در نخستین دیدار، ایشان را چگونه یافتید؟

اولین بار مارشال فهیم را در بهار سال ۱۳۶۲ دیدم. من تازه از کابل به جبهه پنجشیر آمده بودم و در قرارگاه آمرصاحب در قریه «شصت» در معیت سیدیحیی شهید قرار داشتم که آمرصاحب (رح) با شماری از مراجعینش به شمول فهیم صاحب وارد قرارگاه شدند. مارشال صاحب در آن زمان مسئولیت امور اداری و لیسوالی اندراب را داشت و ظاهراً برای کسب هدایت، خدمت آمرصاحب آمده بود و به زودی می‌خواست دوباره برگردد. البته از این که من تازه از کابل به پنجشیر آمده بودم، به هر یک از مجاهدین

که آن‌همه کارنامه درخشان در برابر نیروهای شوروی داشتند را در هیأت قهرمانان می‌دیدم، اما در مورد فهیم صاحب آن‌چه مرا به خود جلب کرد، تعریف‌هایی بود که قبلاً از او شنیده بودم و انرژی بود که در ایشان می‌دیدم. اندراب به تازه‌گی تحت فرماندهی فرمانده گدامحمد خالد تحت کنترل نیروهای امرصاحب درآمده بود و فهیم صاحب مسئولیت پُرمشغله تنظیم و اداره ملکی آن را به عهده داشت.

نقش مارشال محمدقسیم فهیم را در دوران جهاد مردم افغانستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایشان جزو اولین نسل مجاهدین و از سابقه‌دارترین مجاهدین افغانستان بود. در سال‌های جهاد به دلیل شخصیت، سواد اسلامی و استعدادی که در تأمین روابط اجتماعی داشت، وظایف متفاوت و مهمی را در امور فرهنگی، اداری و اجتماعی جبهات پنجشیر و جبهات شمال شرق انجام داده بود. به دلیل سیال و در حال گسترش بودن وضعیت نظامی و اجتماعی دوران جهاد، نقش مارشال فهیم بنابر نیاز شرایط جنگ، همواره متحول می‌گردید. در این میان، بیشتر به عنوان هم‌آهنگ کننده جبهات مختلف مجاهدین در شمال شرق و شمال کشور فعالیت می‌کرد.

پس از اجلاس پنجم شورای نظار، ایشان در ترکیب یک شورا شامل داکتر سیدحسین شهید، استاد کریم‌الله خان و داکتر صاحب حقبین، به نمایندگی از شورای نظار در پشاور توظیف گردیدند. در برگشت از پاکستان، به صفت معاون دفتر سیاسی شورای نظار انجام وظیفه کردند. در آن زمان مرحوم داکتر عبدالرحمن ریاست شورای مذکور را به عهده داشت. پیش از سقوط رژیم داکتر نجیب‌الله، امرصاحب، مرحوم مارشال را در رأس یک تیم به عضویت استاد عطاءمحمد نور و داکتر احمد مشاهد برای مذاکره با جنرال دوستم و جنرال مؤمن - که آماده پیوستن به مجاهدین شده بودند - به ولایت بلخ فرستاد و پس از قصد فرار داکتر نجیب و آماده‌گی رهبران رژیم کابل برای تسلیمی دولت، امرصاحب، داکتر عبدالرحمن و فهیم صاحب را جهت جلوگیری از ایجاد هرج و مرج در کابل و پیش از آن که مجبور به فرستادن نیرو برای عقب‌راندن حکمتیار شوند، به کابل فرستاد. او با حضور خود نقش مهمی را در جلوگیری از سقوط کابل به دست حکمتیار بازی کردند.

رابطه مارشال افغانستان با قهرمان ملی کشور چگونه بود؟ لطفاً از خاطراتان در این زمینه بگویید.

شخصیت امرصاحب شهید چنان بزرگ بود که هیچ‌کس نمی‌توانست خود را بیرون و جدا از حضور و تأثیر او تصور کند. همه ما عاشقان امرصاحب بودیم و یقیناً که فهیم صاحب هم از این امر مستثنا نبود. در زمان حیات امرصاحب، تفاوت میان امرصاحب و فهیم خان را نه در مقایسه میان آنان، بلکه در تمایز فوق‌العاده امرصاحب نسبت به همه باید دانست. بناءً از این جهت تفاوت در نظرات و عملکرد امرصاحب طبیعی بود. از یک طرف از این که در دوران جهاد مردم به دلیل مشارکت و نزدیکی در تصمیم‌گیری‌ها، همه‌ما را بر مبنای ویژه‌گی‌های امرصاحب قضاوت می‌کردند، این تفاوت و تنوع در سلیقه‌ها، فرصت بروز نداشت. از طرف دیگر، این تفاوت‌های عملکردی به‌خاطری کوچک بودند که نهادهای اداری، بسیط و مشخص بودن سطح انتظارات مردم یا قابل کنترل بودند و یا محدود، چنان‌چه این تفاوت‌ها تأثیرگذار نبود و یا بروز نمی‌کرد.

اما با ورود مجاهدین به کابل و مشارکت در دولت که برای مجاهدین تجربه جدید بود، قاعده

صلاحیت‌ها و آزادی عمل نهادها در قالب تشکیلات دولتی گسترش یافت و از طرفی هم، از این‌که جنگ‌های شدید تحمیلی فرصت تعامل نزدیک با مردم را محدود کرده بود، تفاوت‌ها در شاخصه‌ها و روش‌های کاری نیز فرصت یافتند تا بروز کنند؛ اما هیچ‌گاهی این تفاوت سبب نگردید که فهیم‌خان دستورات امر صاحب را نادیده بگیرد. گاهی هم اگر گله‌یی از خشم و یا ناراضایتی آمرصاحب نسبت به خود داشتند، بیش‌تر برای جلب توجه، جلب محبت و گذشت آمرصاحب بود؛ نه این‌که او به دنبال ابراز وجود در برابر آمرصاحب بوده باشد. چنان‌چه روزی را به یاد دارم که فهیم‌خان در حسرت آمرصاحب می‌گریست و به من گفت: زمانی که آمرصاحب قهر می‌شود و از حرف زدن با من خودداری می‌کند، آن‌قدر برایم سخت می‌شود که حتا روزها در آرزوی یک مشت آمرصاحب می‌باشم تا به سینه‌ام بزند! -اشاره به ابراز محبت آمرصاحب داشتند که ایشان گاه برای ابراز محبت با دوستانش از روی مطایبه، با آرنج و یا مشت به سینه و یا پهلوی آن‌ها می‌زد!-

چه زمانی همکاری نزدیک‌تان با مارشال فهیم آغاز شد؟

او به عنوان مجاهد پیش‌قدم، همواره مورد احترام همه ما بود و به جوان‌ترها هم شفقت فراوان داشتند، اما دوستی شخصی عمیق‌تر ما زمانی آغاز شد که او در جریان جهاد زمانی که من در بیمارستان به دلیل جراحات بستر بودم، به عیادت من آمده و بعدها بارها احوال مرا می‌گرفت؛ اما رابطه کاری ما پس از سقوط رژیم کمونیستی آغاز و در کابل تبدیل به رابطه کاری سیستماتیک گردید. من در سال ۱۹۹۴ یعنی دو سال بعدتر از این واقعه، از شمال به کابل آمده و سرپرست فرماندهی عمومی گارد ملی تعیین گردیدم، در آن زمان مارشال صاحب بر علاوه آن‌که وزیر امنیت ملی بود، همراه با فرمانده محمد پناه شهید، فرمانده خطوط کابل نیز بود.

پس از شهادت فرمانده پناه، من که تازه به کابل آمده بودم، آمرصاحب شهید مسئولیت فرماندهی بعضی از خطوط کابل را به من محول کرد. خطوط دیگر توسط آمرصاحب بسم‌الله محمدی، فرمانده احمدی صاحب و عبدالغفورخان شهید فرماندهی شدند و فرماندهی همه این خطوط در چارچوب گارنیزون، تحت فرماندهی عمومی مارشال صاحب قرار گرفتند.

برخورد و رفتار مارشال افغانستان با همکارانش چگونه بود؟ لطفاً از خاطرات و چشم دیدهای تان در این زمینه بگویید.

مارشال صاحب طبیعتاً انسان رئوف، نرم‌دل و باگذشت بود. برخوردش با زیردستانش مهربانانه و با اغماض بود. او به زیردستان خود اعتماد و سخاوت فراوان می‌کرد. در مدیریت باور داشت که تأمین روابط دوستانه و شخصی میان آمر و مادون در تعمیق و تأثیر مدیریت بیش‌تر از روش‌های بروکراتیک و مدرن مفید است. شخصیت فهیم صاحب طوری بود که شما می‌توانستید با او مخالف باشید، اما هرگز نمی‌توانستید او را دوست نداشته باشید!

همواره از مارشال محمدقسیم فهیم به عنوان چهره سیاسی و نظامی یاد می‌شود. برای شما به عنوان همکار و هم‌سنگر او، کدام بُعد کارنامه مارشال فهیم برجسته است؟

مرحوم فهیم انسان متدین و پاکدامنی بود که هرگز نماز خود را ترک نکرد. من برجسته‌گی‌شان را در حفظ روابط اجتماعی که در طول حیات با آحاد مردم ایجاد کرده بود و زحماتی را در طول جهاد

متقبل گردیده بود، می دانم.

در کنار این موارد، شما نقش مارشال فهیم را در راه اندازی «شورای نظار» چگونه می بینید؟

نقش مهمی در احیای شورای نظار داشت. چنان که امرصاحب او را بارها به جبهات مختلف جهت بررسی اوضاع نظامی و اجتماعی و هم‌آهنگی میان فرماندهان که سرانجام شورای نظار را تشکیل دادند، می فرستاد. پس از اجلاس پنجم شورای نظار، مارشال فقید در ترکیب یک شورا به همراه داکتر صاحب سید حسن شهید، استاد کریم‌الله خان و داکتر صاحب حقیبن، نماینده‌گان شورا در پشاور تعیین شدند.

پس از سقوط دولت داکتر نجیب‌الله و ایجاد حکومت اسلامی، مارشال فهیم فقید به سمت وزارت امنیت گماشته شد. با توجه به گذشته مخوف این دستگاه در افغانستان، او چقدر توانست چهره انسانی و واقعی آن را نشان دهد؟ به عبارتی، آیا او توانست تغییرات قابل انتظار را در این دستگاه به میان آورد؟

در آن زمان بنابر مشغله مارشال صاحب در اداره جنگ، ایشان اداره امور استخباراتی را به معاونان خود سپرده و در امور استخباراتی روزمره به استثنای موارد مورد نیاز جنگ، مداخله نمی کردند.

نقش مارشال محمدقسیم فهیم در جبهه مقاومت را چگونه ارزیابی می کنید؟

فهیم صاحب در جریان مقاومت، ابتدا مسئول اداره جنگ در تخار و بعداً در سمت خط دفاعی بدخشان مسئولیت خط کلفگان را داشت و توانست از عهده آن موفقانه به در آید.

پس از شهادت قهرمان ملی کشور، مارشال فهیم چگونه به عنوان جانشین او انتخاب شد؟

مارشال صاحب با اطلاع از شهادت امرصاحب، به خواجه بهال‌الدین آمده و مسئولیت سرپرستی امور را به عهده گرفت. از شهادت امرصاحب شمار معدودی مطلع بودند و تصور عموم این بود که امرصاحب زخمی شده است. در این احوال، طبیعی بود که فهیم صاحب باید به احوال رسیده‌گی و سرپرستی می کردند. با وجود آن تصور آن که کسی غیر از او بتواند به آن وضعیت رسیده‌گی کند، وجود نداشت. فردای آن روز جناب استاد ربانی سرپرستی ایشان را تأیید کرد، اما پس از تشییع جنازه امرصاحب، آن تعداد از مسئولان و یاران امرصاحب که در آن روزها در پنجشیر بودند، مارشال صاحب را به عنوان کلان انتخاب کردند و دیگر یاران امرصاحب به فیصله برادران‌شان در پنجشیر صحنه گذاشته و کسی در برابر او اعتراض نکرد.

نقش مارشال افغانستان را در ایجاد حکومت‌داری و نظام نوین چگونه می بینید؟

پس از شهادت امرصاحب، میراث جهاد و مقاومت، فهیم صاحب را تبدیل به با نفوذترین و پُر قدرت‌ترین فرد در کشور کرد. پس از تحویل قدرت از استاد ربانی به آقای حامد کرزی، تا زمانی که فهیم صاحب معاون رئیس‌جمهور بود، نقش اول را در افغانستان بازی می کرد. فهیم صاحب از سال ۲۰۰۱ تا ختم ۲۰۰۴ که مصادف به اولین انتخابات ریاست‌جمهوری بود، معاون رئیس‌جمهور و وزیر دفاع بود. در این مدت، وقایع و تصامیم بزرگ ملی که تأثیرات آن‌ها ممکن است تا نسل‌ها احساس شود، تحت

اشراف ایشان صورت گرفت. تدویر کنفرانس بن تا تشکیل دولت عبوری، انتقال قدرت از دولت استاد ربانی به حامد کرزی، تدویر لویه جرگه انتقالی تا تشکیل دولت انتقالی، تدویر لویه جرگه تصویب قانون اساسی، تصویب قوانین انتخابات، پروسه جمع‌آوری سلاح و ساختن ارتش ملی همه زیر نظر و بر اساس نقش‌آفرینی مستقیم ایشان صورت گرفته است.

در سفری که در بهار سال ۲۰۰۳ با فهیم صاحب به امریکا داشتیم، حین بازدید از اکادمی نظامی «وست پوینت»، یکی از رؤسای متقاعد ارتش امریکا که جهت تشریح موضوعات به اکادمی آمده بودند، در سالون غذاخوری، دانشجویی به فهیم صاحب نزدیک شده و به ایشان گفتند: من شنیدم که شما برای بازدید از اکادمی آمده اید، فرصت را غنیمت دانسته می‌خواهم حرفی کوتاه برای‌تان بگویم: "مسعود، شخصیت بزرگی بود و بار تاریخی عظیمی را به دوش خود حمل کرد و با افتخار، رسالت وجدانی‌اش را برای بشریت به انجام رسانید. امروز این بار به شانه‌های همه ما به ویژه به دوش خودت گذاشته شده است، سعی کنید تا امانت او را چنان‌چه شایسته است، حمل کنید تا رسالت‌تان را به انجام برسانید." این حرف را گفت و خداحافظی کرد. پس از سال ۲۰۰۱، نقش فهیم صاحب از آن جهت برجسته بود که ایشان قدرت امرصاحب را در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ کشور به میراث گرفته بود. قضاوت مردم و تاریخ از تضامیم و عملکرد فهیم صاحب بر مبنای نقشی است که ایشان در حفاظت از ارزش‌ها و استراتژی امرصاحب داشته‌است.

نسل بعد ما را نه صرفاً از این نظر که چقدر ما قدرت‌ما را از رهبران با افتخار هم‌چون استاد ربانی و امرصاحب و سایر شهدای جهاد و مقاومت به دست آورده‌ایم؟ قضاوت می‌کنند، بلکه قضاوت آن‌ها بر مبنای میزان قدرتی است که ما از خود برای آن‌ها به میراث می‌گذاریم.

ممنون از این‌که به این گفت‌وگو فرصت گذاشتید.

از شما هم سپاس‌گزارم.

منبع: هفته‌نامه کابل



جز مقاومت و ایستاد شدن راه دیگری نیست

سخنرانی مارشال افغانستان در تخار، زمان مقاومت، به مناسبت شهادت چند تن از پیلوتان

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين و الصلاة و السلام على محمد و على اله و اصحابه اجمعين. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

بسم الله الرحمن الرحيم. یکی از عوامل مشکلات در کشور مداخله‌های گوناگون کشور همسایه ما است؛ پاکستان عقده تاریخی نسبت به مردم افغانستان دارد، حکمرانان پیشین افغانستان سال‌های درازی بالای مردم هند و پاکستان حکومت کردند، پدران ما بارها به سرزمین‌های هند و پاکستان رفتند، حکومت کردند و مسلمانان را از انواع مظالم نجات دادند. اما با مشکلاتی که پاکستان در برابر هند و در مسائل منطقه‌ای داشت و با امکاناتی که افغانستان مانند امکانات دوره جهاد، امکانات باقیمانده حکومت پیشین، امکانات نظامی و مالی‌یی که پس از خروج روس‌ها در دسترس مجاهدین قرار داشت، پاکستانی‌ها خوف کردند که مجاهدین با این توانمندی و نیروی نظامی و با تجربه کافی جنگی‌یی که دارند، برای پاکستان خطر بزرگ است. باید مردم و کشور افغانستان تجزیه شوند و حکومت نو بنیاد، کم تجربه و نو تأسیس به وجود آید که از یک طرف خواسته‌های عجیب و غریب ملت مجاهد افغانستان در برابرش قرار دارد و از جانب دیگر، کم تجربه‌یی که موجود بود پاکستانی‌ها خواستند فرصت را از دست ندهند و حکومت را در ابتدای وجود و حضورش سرکوب کنند و متلاشی بسازند.

پاکستانی‌ها تلاش کردند تا حکومت مجاهدین نابود شود، همان گونه‌یی که شاید شما شنیده باشید نواز شریف با یک عالم افتخار در مجلس سنای پاکستان اظهار کرد که یکی از بزرگترین دستاوردهای دوره حکومت متلاشی‌ساختن اردوی افغانستان و قوت نظامی این کشور است که تهدید بالقوه و بالفعل

به پاکستان بود و آن را از میان برداشتم. این تبلیغات و افترا نیست، بلکه در تمام آرشیف‌های دنیا موجود است و مردم دنیا در آن زمان پیرامون این گفته تبصره‌های زیادی داشتند و نیز ثبت آرشیف رسانه‌ها می‌باشد.

پاکستانی‌ها با همین عقده حکومت مجاهدین را مضمحل و پراکنده ساختند، حالتی را به وجود آوردند تا مجاهدین از کابل پس از گذراندن شرایط ناگوار و دشوار عقب‌نشینی کنند. زمانی که مجاهدین عقب آمدند، به‌زودی جبهه مقاومت را تشکیل دادند و ایستاده‌گی کردند.

به یاد داریم که در طول تاریخ افغانستان مخصوصاً از زمان امیر دوست محمدخان به این طرف، هیچ‌کسی در این کشور و هیچ حکومتی وجود نداشته که چنین دوام بیاورد، حتا پنج، بیست الی چهل سال حکومت کرده‌اند، شخصیت‌های بسیار بزرگی در رأس این حکومت‌ها قرار داشته، اما زمانی که آن حکومت سقوط کرده دو ساعت بعد دیگر اثری و نامی از آن حکومت، مجمع و مردم باقی نمانده است. پس از این‌که مجاهدین عقب‌نشینی کردند، همه فکر می‌کردند که داستان مجاهدین در افغانستان پایان یافت در حالی که ما می‌گوییم، مجاهدین که عقب‌نشینی کردند، شکست نخوردند، درست است که فشارهای عظیم، تحریکات خارجی و خسته‌شدن مجاهدین سبب شد که از کابل عقب‌نشینی کنند، ولی ایستاده شدند و مقاومت کردند.

پس از آن که مجاهدین مقاومت کردند، برخلاف تعبیرها و تبصره‌های سیاسی رسانه‌های غرب که می‌گفتند مجاهدین نابود شدند، اما مجاهدین به‌پای ایستاد شدند، در کشور باقی ماندند و در راه دفاع از حیثیت، آبرو و حفظ موجودیت افغانستان مبارزه و مقاومت کردند. گروه اجیر و مزدوری را که پاکستان برای پیاده کردن اهداف خود روکش کرده بود، طالبان بودند. از آوان به وجود آمدن طالبان تمام دانشمندان و تحلیلگران حکومت اسلامی می‌گفتند که خطرناک‌ترین چهره‌یی که مجاهدین و مسلمانان را ضربه می‌زند و بدنام می‌کند «طالبان» هستند و این گروه را دشمنان به وجود آورده‌اند. هیچ سلاح‌شان کارگر نیفتاد، تبلیغات، جنگ صریح و عملی‌شان که در مقابل دولت انجام دادند، ولی حالا عمامه و ریش را در برابر ما ایستاده کرده‌اند که سلاح خطرناک است.

مردم افغانستان مردم سنتی هستند، شاید مجاهدین و مسلمان‌ها با مشکل مواجه شوند و همان‌گونه‌یی که آنان محاسبه کرده بودند، واقعاً در یک مرحله بسیار حساس با شعار کاذبانه‌یی که طالبان داشتند: امنیت، صلح، آرامش، تطبیق شریعت و ایجاد حکومت اسلامی پیش‌روی کردند. مردم از آن‌ها پذیرایی و استقبال کردند، اما دیری نگذشت که چهره آنان افشا شد و مردم فهمیدند که طالبان یک گروه مزدور، اجیر، وابسته و بی‌کاره هستند.

طالبان در دست بیگانگان استند و پاکستانی‌ها آنان را به‌خاطر اغراض شوم‌شان، اهداف و خواسته‌های غیرمعقول و غیرمجازی که دارند یعنی سیطره و باداری بالای کشورهای منطقه، استفاده کردند. آنان فکر خامی باخود دارند و به این باور اند، پس از آن که روس‌ها و قدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق مضمحل شد، در منطقه جای آن را باید پاکستان بگیرد و برای برآورده‌شدن این مأمول حقوق مردم افغانستان باید پامال شود، باید به حق مردم تجاوز شود، باید این مردم حکومت و استقلال نداشته باشند، در حالی که در این عصر تمام بشریت در یک آرامش زنده‌گی می‌کنند، تمام انسان‌ها حقوق خود را مکمل در دست دارند، اما مردم افغانستان به جرم این‌که در برابر شوروی‌ها جنگ کردند به همین جرم

و گناه باید سرنوشت نداشته باشند، استقلال نداشته باشند و این‌ها حق نداشته باشند که خود حکومت کنند و زعامت سیاسی خود را به وجود آورند.

با این حال، پاکستانی‌ها از هر نوع توانی که داشتند در برابر مردم افغانستان استعمال کردند و حکومت اسلامی را در تنگنا قرار دادند، اما از آنجایی که مردم افغانستان طبیعت آزادی‌خواهانه دارند و می‌کوشند تا سرنوشت سیاسی‌شان باید به‌دست خودشان باشد و باید خودشان در ایجاد حکومت و نظام تحرک داشته باشند و نظام مربوط به خودشان باشد و یا لاقلاً از حیثیت و موجودیت خود دفاع کنند تسلیم نشدند.

اگر طالبان حکومت می‌خواستند پس از آن که کابل را اشغال کردند، کافی بود به‌جای این که به شمالی و شمال کشور تجاوز کنند، شماری از علما و ملاحا را می‌فرستادند تا همراه علما و دانشمندان صفحات شمال مفاهمه کرده و از مجاهدین درخواست می‌کردند و نیز ادارشان می‌ساختند تا در ایجاد یک حکومت مشترک و سرنوشت مشترک همکاری کنند؛ اما قضیه چنین نبود، مواردی را که آنان در لفظ می‌گفتند آن‌طور نبود، بلکه در حقیقت بلندگوی پاکستانی‌ها بودند. پاکستانی‌ها از مرکزی که به‌نام وزارت دفاع و یا هر نامی که بالایش می‌گذارید احساس خطر می‌کردند، خواستند این مرکز را نابود و مردم سلحشور را غلام خود بسازند.

من سخنرانی دکتر نجیب‌الله را که در جمع مردم شمالی کرده شنیده‌ام، او می‌گفت که پاکستانی‌ها تنها برای این که مردم را سرکوب کنند، نجیب را سرکوب کنند، گلبدین را به قدرت برسانند عقده‌شان خالی نمی‌شود، بلکه در برابر مردم افغانستان عقده‌های تاریخی دارند، تصمیم دارند انسان این وطن را شلاق بزنند. شما صحبت‌های دکتر نجیب‌الله را در آرشیف‌ها می‌توانید بیابید، همه به صحبت‌های او می‌خندیدند و می‌گفتند که چه‌طور مردم را تحریک می‌کند، ولی عملاً دیدیم که پاکستانی‌ها به این بسنده نکردند؛ حکومت اسلامی را ضعیف ساختند، مجاهدین را از کابل بیرون کرده و در برابرشان جنگیدند، بلکه آن‌ها خواستند تا خانه-خانه ما را به آتش بکشند، درختان ما را بسوزانند، حتا خواستند کاریزها و چشمه‌های آب را کور بسازند، خواستند زن و مرد ما را شلاق و کبیل بزنند، توهین و تحقیر کنند.

بدترین جزا برای یک انسان تحقیر است، پاکستانی‌ها عملاً مردم ما را تحقیر کردند و ما دیدیم. با وجود تمام تلاش‌های پاکستانی‌ها مردم در برابرشان ایستاده‌گی کردند، جوانان ما با هر امکانات ابتدایی‌یی که در دسترس داشتند در برابرشان ایستادند و مقاومت کردند. در سال اول موجودیت مقاومت آن حفظ شد، در سال دوم منحصیث طرف مردم و مجاهدین ما را شناختند، در سال اخیر همه دنیا مردم و مقاومت‌گران را حق‌به‌جانب شناخته و طالبان را که خود را فرشته‌های نجات معرفی می‌کردند، گروه جنایت‌کار، وابسته، مزدور، اجیر و وطن‌فروش می‌دانستند.

تمام مردم در یک صف در مقابل آن‌ها ایستاده استند، چه در مجامع بین‌المللی، مذاکرات...، طالبان را گروه وابسته می‌دانند. امروز با شناختی که از وابسته‌گی طالبان به پاکستان از طرف دنیا صورت گرفته یک‌طرف را مردم افغانستان، مجاهدین و مقاومت‌گران می‌دانند و طرف دیگر را پاکستان. عزت و آبرویی را که الله متعال برای مقاومت‌گران نصیب کرده است، مرهون فداکاری، مقاومت، صبر و عزم راسخ یک عده جوانان، مردم، مجاهدین و شهدای این راه است.

شما شاهد استید که در بدترین حالت و شرایطی که به وجود آمد همین جوانان، جنرالان، پیلوت‌ها/خلبان‌ها در پشت سر مجاهدین در سنگرهای داغ در حالی که از هر طرف آتش بود مجاهدین را اکمالات می‌کردند و در چند سال اخیر بزرگترین قهرمانی‌ها را نصیب خود ساختند. این‌ها از شخصیت‌های خوب در حکومت نجیب‌الله بودند، اگر در آن زمان با حکومت او همکاری کردند، اما زمانی که حکومت مجاهدین آمد، این برادران با احساس وطن‌دوستی، غرور و شهامتی که داشتند در پهلوی مجاهدین قرار گرفتند و از خود شاهکارها به یادگار گذاشتند.

اگر تاریخ‌نویسان داستان‌های این مردان را بنویسند، هر حرکت‌شان یک حرکت قهرمانی است، این قهرمانان احساس آزاده‌گی دارند، این‌ها که چرا در وطن ما بیگانه‌ها حاکم باشند، چرا ما آزاد و مستقل نباشیم، به همین خاطر همه توان و استعداد خود را در راه خدمت به وطن مصرف کردند. برادران شما صدها و هزاران شهید دادند از جمله چند شهید اخیر که در سانحه سقوط چرخ‌بال شهید شدند. این برادران افتخار و عزت کمایی کردند، به سخن پیامبر اسلام که می‌فرماید، (خيارکم فی الجاهلیة خيارکم فی الاسلام). ترجمه: بهترین شما در جاهلیت بهترین شما در اسلام است. یعنی باعزت‌ترین و با استعدادترین شما قبل از دوره حکومت اسلامی با عزت‌ترین و با استعدادترین شما در حکومت اسلامی و نظام اسلامی است.

به این معنا که استعداد و نبوغ مردان شایسته در وجودشان است، اما زمانی در یک دوره‌یی به مصرف می‌رسد که راه خیر نمی‌باشد، ولی وقتی که به حکومت اسلامی می‌آیند و در راه اسلام به مصرف می‌رسانند راه خدمت به اسلام و سرفرازی وطن، نجات کشور و مردم آن از مظالم گوناگون می‌باشد. هم‌چنان این‌ها که ما حق داریم در وطن خود آزادانه زنده‌گی کنیم و سرنوشت سیاسی... خود را خود تعیین کنیم، به مصرف می‌رسانند و برای دفاع از اسلام، وطن، مردم و استقلال این مرز و بوم صداقت خود را به خدا و مردم کشور به اثبات می‌رسانند و شماری از آن‌ها به شهادت رسیده‌اند.

گروه دیگری که در این کاروان در حرکت‌اند به‌خاطر نجات کشور، مردم و عزت‌شان در انتظار شهادت استند، چرا که اگر شهادت و قربانی نباشد به هیچ صورت آزادی به‌وجود نمی‌آید. جمله‌یی از انجنیر حبیب‌الرحمن شهید به یاد آمد، او پیامی به هم‌سنگران آزاده خود فرستاد و تذکر داده بود که برادر هم‌سنگر، اگر من در این راه شهید نشوم و تو در انتظار شهادت نباشی این وطن و مردمش را چه کسی نجات خواهد داد؟ و اگر خون پاک تو با خون پلید دشمنان تو یک‌جا چمنزار وطن را سیراب نکند لاله‌های آزادی از کجا سیراب خواهد شد؟

عملاً دیدیم شهادت و قربانی‌دادن در راه الله متعال سبب عزت و نجات وطن می‌شود. برای کسب عزت و آزادی که قربانی داده شود، هیچ‌گاه جامعه انسانی نابود نگشته است، بلکه همیشه سرفراز مانده است، ولی نابودی یک جامعه زمانی متصور است که تن به ذلت و برده‌گی دهد، در آن زمان هویت ملی، حیثیت، شرافت... پامال می‌شود، آن وقت است که می‌توان گفت که جامعه نابود شد.

اقبال لاهوری در مورد هند زمانی که مستعمره بریتانیا بود می‌گوید:

ملت هندی چرا میدان گذاشت

زان که تیغش بوی کراری نداشت

می‌شناسی معنی کرار چیست؟

این مقامی از مقامات علی‌یست

زمانی که هندی‌ها بیشتر از سه صد سال مستعمره انگلیس بودند حتا حیثیت یک حیوان را نزد انگلیس‌ها نداشتند، دلیلش این بود که هندی‌ها از خون‌دادن و از قربانی‌شدن می‌ترسیدند و این بود که سال‌ها در ذلت زنده‌گی کردند. کشور، ملت و مردمی که شهادت و قربانی می‌دهند هیچ‌گاه نابود نمی‌شوند، بلکه عزت و موجودیت کمایی می‌کند، برای خود و جامعه خود نقش روشن و درخشان را بازی می‌کند.

علما در این مجلس تشریف دارند، مطلبی که قبلاً خدمت‌تان عرض کردم که اگر کسی قبل از اسلام آوردنش شخص شایسته باشد، پس از ورود به اسلام هم شایسته بوده و قابل تقدیر است و استفاده از استعدادش به خیر تمام می‌شود. برعکس انسان‌هایی که مصروف مفاسد اخلاقی‌اند نه قبل از اسلام و نه هم در آینده بالای‌شان حساب نشده و از آن‌ها چیزی ساخته نمی‌شود که خبری برای ملت برسانند. اما انسان‌هایی که دارای استعدادهای ناب بوده و تعهد و پیمان با خدای خود دارند، بالای‌شان حساب می‌شود.

یک مثال خدمت شما می‌گویم، حضرت خالد بن ولید یکی از سرلشکرهای قوم قریش بود به اسلام رجوع کرد، دوازده روز از اسلام آوردنش گذشته بود که پیامبر بزرگوار اسلام این بار برای اثبات سرحدات اسلامی و جزایری که قوای امپراتوری روم یکی پی دیگر زیر تصرف خود می‌آورد برای اثبات موجودیت مسلمانان در صحنه سیاسی و نظامی سه هزار سرباز را تشکیل کرد و به‌طرف مکان مورد نظر حرکت داد. همه می‌دانید که پیامبر اسلام وصیت کرد که فرمانده شما در مقابل لشکر روم زید بن حارثه است، اگر او شهید شد جعفر بن ابی طالب و اگر او نیز شهید شد عبدالله بن رواحه که (احتمالاً به ترتیب گفته باشم) این سه نفر را مشخص کرد. اما اگر باز هم هر سه فرمانده شهید می‌شود، چون شما از ما دور استید، لشکریان خود فرمانده‌شان را تعیین کنند.

روایت است، زمانی که لشکر مسلمانان در «موت» با قوای امپراتوری روم مواجه شد، تعداد افراد لشکر روم بیش از دو صد هزار و در روایت دیگر که علما موافق‌اند یک‌صد هزار نفر بود و آن هم با تمام امکانات و تجهیزات همان عصر امپراتوری روم که در مقابل مسلمانان صف بستند.

مسلمانان بین هم مشورت کردند که آیا پس برویم، از پیامبر فرمان بگیریم و یا چه تدبیری در پیش گیریم، چرا که تعداد لشکریان امپراتوری روم بسیار زیاد بود. یکی از اصحاب گفت که اگر عقب‌نشینی کنیم، موجودیت ما از بین می‌رود، اگر از پیامبر هدایت بگیریم فاصله رفت و آمد تا مدینه منوره هجده روز است، بناءً فیصله به این شد که در مقابل قوای روم ایستاده شده و می‌جنگیم. جنگ شروع شد و می‌دانید که عاقبت این جنگ که یک لشکر سه هزار نفری با شمشیر، اسب و شتر در مقابل یک لشکر تادندان مسلح یک‌صد هزار نفری با تمام امکانات چه می‌شود؟ در آن زمان معمول بود که علم اسلام در دست فرمانده می‌بود، در جریان جنگ زمانی که فرمانده شهید شد و علم اسلام از دستش افتاد فرمانده دومی عبدالله بن رواحه آن را بلند کرد و او شاعر حماسی بود که با چند شعر مسلمانان را تشویق کرد و جنگیدند، اما این فرمانده نیز شهید شد، فرمانده سومی که پیامبر تعیین کرده بود، او نیز در این جنگ مغلوبه شهید شد. بنا بر وصیت پیامبر اکرم باید پس از شهادت سه فرمانده خود لشکر فرمانده خود را

تعیین می‌کرد.

همان‌طور که گفتم هر کسی که در گذشته شخص با استعداد و شایسته باشد، در آینده نیز شایسته است؛ حضرت خالد بن ولید چون به تازه‌گی به اسلام مشرف شده بود به اصطلاح ما به عنوان یک چانه‌بردار رفته بود، اما در این نبرد به حدی از خود شایسته‌گی نشان داد که همه مسلمانان با یک‌صدا گفتند که فرمانده ما خالد بن ولید است. زمانی که او فرماندهی سپاه را به دوش گرفت، جناح‌های راست و چپ را قوماندهٔ جنگ و مقاومت و جناح وسط را فرمان عقب‌نشینی داد، پس از آن فرمان عقب‌نشینی به جناح‌های راست و چپ داد که در طول این جریان‌ها شب فرا رسید.

پیامبر بزرگ اسلام با کرامت و نبوتی که الله متعال برایش اعطا کرده بود، جنگ را در مدینه نظاره می‌کرد، ناگهان اشک‌های مبارک جاری گشت و گفت که زید بن حارثه جنگ کرد و شهید شد، جعفر بن ابی طالب جنگید شهید شد و پس از آن فرماندهی را عبدالله بن رواحه به دوش گرفت مبارزه کرد و شهید شد، ولی با شهادت سه فرمانده سیف‌الله فرماندهی مجاهدین را به دوش گرفت، جنگید و پیروز شد. اصحاب پیامبر تعجب کردند که حضرت علی و سایر بزرگان اصحاب که به این غزوه شرکت نکرده‌اند، پس این شخص کیست که پیامبر اکرم او را شمشیر خدا نامید، پس از آن پیامبر به تشریح پرداخت و جزئیات قضیه را برای اصحاب توضیح داد.

بنابراین، هر کسی که در این وطن از خود شایسته‌گی نشان داده، قربانی داده و به وطن خدماتی کرده بی‌نتیجه نمانده و نمی‌ماند. همهٔ مردم افغانستان از همین کشور استند و در هر جایی از این خاک که باشند حقوق برابر دارند، دشمنان کشور همواره تلاش دارند تا این مردم را بین هم بجنگانند، اما به هدف نمی‌رسند، وضعیت به نفع مجاهدین و صاحبان اصلی این کشور تغییر خواهد کرد و اختیارات این کشور به دست مجاهدین قرار خواهد گرفت که وارثین اصلی این کشور استند و پس از تجارب تلخ و فراز و نشیب روزگار مصدر خدمت به مردم و وطن خود خواهند شد.

ما نباید تزلزل داشته باشیم، نباید سستی و بزدلی بالای ما حاکم گردد، نباید تبلیغات دشمن بالای ما تأثیر کند و نیز نباید مأیوس شویم. پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید که سه چیز دشمن انسان است: یأس، حزن و خوف که اگر بالای انسان سیطره پیدا کرد، انسان را نابود می‌کند.

در این شرایط کشور که پس از ۲۲ سال جنگ، مبارزه، کشته، زخمی...، اگر خوف، حزن و یأس بالای ما حاکم شود، به این معنا است که بالای خود، مردم، دین، آینده و تاریخ کشور جفا کرده‌ایم. پس باید کمر همت ببندیم. البته باید گفت که تصور و برداشت هر شخص نظر به معلومات و تجربیاتش متفاوت است و نیز باید اعتراف کرد در جامعه‌ی که جنگ است، باید مردم تنها به جنگ بیندیشند، یک سلسله بی‌نظمی‌ها و حرکت‌هایی که در اجتماع انسانی صورت می‌گیرد نباید، سبب شود که به اهداف خود که ایجاد حکومت اسلامی، نجات وطن از چنگال پاکستان و غلامان‌شان، آوردن استقلال در کشور و حفظ تمامیت ارضی در کشور است، فکر و اقدام نکنیم.

پاکستانی‌ها بی‌شرمانه و با وقاحت به شکل خصوصی اعلام می‌کنند که اگر قضیهٔ خط دیورند را یک‌طرفه می‌کنید مشکل حل است، ما از طالبان بیزار استیم، یک گروپ وحشی و نادان بوده‌اند و ما با آن‌ها در یک منجلاب و مضیقه افتاده‌ایم.

این تبلیغات نیست، قسم به الله متعال که ده بار است پاکستانی‌ها به احمدشاه مسعود به شکل

خصوصی اعلام کرده‌اند که اگر قضیه دیورند را با ما حل می‌کنید ما آماده استیم با شما مذاکره کرده و طالبان را نابود کنیم.

این است پروژه از بین بردن ما که احمد را در این جا می‌زنند، محمود را در آن جا، فلانی را در این جا سرکوب می‌کنند... می‌گویند که طالبان نه سازمانی هستند و نه هیچ چیز دیگر، این تشریح خود پاکستانی‌ها است. اما ما اعلام کردیم که اگر تو پاکستانی با ما مذاکره می‌کنی و ما را به‌عنوان صاحب افغانستان و طرف قضیه می‌دانی ما آماده مذاکره استیم و در غیر آن، تا آخرین رمق حیات می‌جنگیم و شما نابود خواهید شد چرا که آسیب‌پذیر استید.

امروز می‌بینیم کشور هندوستان که در گذشته مضمحل به‌طرف ثبات و دموکراسی می‌رود، اما پاکستانی که ثبات داشت، دموکراسی داشت، مسأله اتم و اقتصاد آن مطرح بود، ولی امروز به‌طرف بی‌ثباتی، کودتا، سرکوب کردن مردم، جنگ‌های قبیله‌ای، نژادی، قشری، حزبی و کشمکش می‌رود که فردا نسبت به همه‌جا این کشور آسیب‌پذیرتر است. شما می‌دانید که صدها حزب، پارتی و قوم در آن کشور وجود دارد. اگر پاکستان در کشور ما سنگ‌اندازی خود را ادامه دهد، مثل اتحاد جماهیر شوروی سابق در دنیا شرمسار شده و متلاشی خواهد شد.

در صورتی که برنامه‌های تخریب‌کارانه پاکستان ادامه پیدا کند، بر ما واجب است با توجه به وجود همه ناملایمتی‌ها در کشور در مقابل دشمن خود ایستاده و مقابله کنیم. عالم ما در سنگر محراب، دانشمند ما در سنگر درس و تعلیم، جوان ما در موضع و سنگر داغ و موسفید ما در سنگر تبلیغ و تشویق برای دفاع از عزت و وطن همه در یک‌صف قرار گرفته در مقابل متجاوزین بیگانه ایستاده شویم که پیروزی نصیب ما و شما خواهد بود.

نباید در زنده‌گی ناامید شد، مثال‌های زیادی در این زمینه وجود دارد، بزرگان و قهرمانان جهان کسانی‌اند که از چیزی مأیوس نگشته و سرانجام به هدف‌شان رسیده‌اند، اما کسی که ناامید شده است به خود و وطن خیانت کرده و زحماتش به هدر رفته است. (خسر الدنيا و الآخرة) که الله متعال می‌گوید در همان صف قرار گرفته‌اند.

از منطق به دور است، ملتی که بیست و دو سال مبارزه مسلحانه کرده باشد به یک‌باره‌گی صحنه را رها کند، کسی از او سوال کند که چرا این کار را کردی؟ پاسخش این باشد که نان و اعاشه نبود، در شهر نتوانستیم امنیت درست بیاوریم، اگر این‌طور باشد در این صورت ما نابود می‌شویم، پس جز مقاومت و ایستاده‌شدن راهی نیست.

زنده‌گی کردن در وطن، عزت است. داستان شخصی را برای‌تان می‌گویم که از کشور بیرون شد، او پول و قدرت در افغانستان داشت، به کشور هالند پناهنده شد و به‌عنوان شهروند آن کشور قبول هم شد، اما او به جنرال داوود داوود گفته بود که در افغانستان باقی بمانید که خارج از وطن برای ما ذلت، بی‌عزت و بی‌ناموسی است، در حالی که خودش خوش‌گذران‌ترین انسان بود.

مدتی که مجاهدین در پاکستان بودند و پاکستانی‌ها به هر دلیلی که از مجاهدین حمایت کردند و یا منافع خودشان ایجاب می‌کرد حرفش جداس، اما همین کشورهای دوست اگر بدانند که شما در کشورتان نیستید، قسم به خدا که در پاسپورت دیپلوماتیک ما هم ویژه نمی‌زنند.

به هر حال از علما، اهل خبره و همه مردم این ولایت در مصیبت که پیش آمده بود و این محفل به همان مناسبت گرفته شده است با ما هم‌نوایی و غم‌شریکی کردند تشکر می‌کنم و نیز به نمایندگی از وزارت دفاع و به نمایندگی از دولت اسلامی و منسوبین، از شما صمیمانه اظهار سپاس می‌کنم.

الله متعال شما را عزت و آبروی بیشتر نصیب کند و خداوند توفیق دهد تا در مصیبت‌ها در کنار هم‌دیگر قرار داشته باشیم و در پیروزی و موفقیت‌ها همه سربلند باشیم.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته



رونمایی منار یادبود از کارنامهٔ مارشال افغانستان

اشاره: از بهر یادبود از کارنامهٔ مارشال افغانستان در بخش نظامی، مناری در محوطهٔ پوهنتون دفاع ملی مارشال فهیم احداث شد. در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شده بود در آن علاوه بر اراکین بلندرتبهٔ حکومت، رهبری بنیاد مارشال فهیم نیز اشتراک کرده بودند.

سخنرانان این مراسم از مارشال فهیم همچون بنیان‌گذار اردوی ملی جمهوری اسلامی افغانستان یاد کردند. جلدنرشاه بهنام قوماندان پیشین پوهنتون دفاع ملی مارشال فهیم در این مراسم گفت که مارشال افغانستان تلاش‌های فراوان برای دوباره‌سازی قوای امنیتی-نظامی کشور به‌ویژه اردوی ملی انجام داد.

شریف یفتلی لوی درستیز افغانستان که به نماینده‌گی از نیروهای امنیتی در این مراسم صحبت می‌کرد، گفت: مارشال فهیم بنیان‌گذار اردوی افغانستان شمول است و او در جهت مدرن‌سازی قوت‌های نظامی و دفاعی افغانستان تلاش‌های بی‌دریغ انجام داده است، هم‌چنان لوی درستیز کشور از جان‌فشانی‌ها و قهرمانی‌های مارشال فهیم در زمان جهاد و مقاومت یادآور شده نقش او را به حیث یکی از فرماندهان نظامی در حیات جبهات جنگ در برابر دشمنان مردم افغانستان برجسته خوانده از او به حیث یکی از فرزندان صدیق این سرزمین یاد کرد.

این منار یادبود توسط دکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی افتتاح شد، آقای عبدالله پس از افتتاح این منار صحبت کردند که بخش کامل متن سخنرانی شان را با شما شریک می‌کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم. جنرالان و منسوبین قوای دفاعی و امنیتی کشور و همه حضار گرامی، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سحار مو په خیر، ښه راغلاست، همدارنگه د ترکیبې جنرال ته چې د پوهنتون دفاع مارشال فهیم همکار دی ښه راغلاست وایم او د دوي د همکارۍ څخه د زړه له کومي مننه کوم.

دغه پوهنتون چې د افغانستان د تاریخ د یو ستر بچۍ به نامه، د جهاد، مقاومت شخصیت او د حکومت داری الگو مارشال فهیم په نامه نوماند شوي ډیر یو ښه اقدام و، دا کار د افغانستان د کارنامې د تقدیر په خاطر او د یادونې په خاطر دا نوم د دغه پوهنتون باندي ښودل شوي دي چې زه هم په خپل ځای د پخوانۍ ولسمشر حامد کرزی څخه او د پخوانۍ دفاع وزیر چې دلته حضور لري مننه کوم. دا یو ښه اقدام و او د افغانستان د هغو بچۍ چې په دغه ملک کې ځانونه وقف کړي او نه یواځې د جهاد او مقاومت په دوره کې بلکه د ملي اردو په بنسټ ایښودنکي اساسي رول درلود، د دوي یادونه په دغه طریقه یو ښه رسم او دود ده.

از آقای حامد کرزی رئیس جمهور پیشین و همکاران شان ممنونم که پس از رحلت مارشال کشور این دانشگاه را به نام او مسما کردند. این دانشگاه مکان با افتخار است، برای تربیه کدرهای امروز و فردای اردوی ملی افغانستان مرکز مهم اکادمیک در کشور و منطقه می باشد. از قوماندانان، جنرالان، منسوبین و استادان این دانشگاه تشکر می کنم که به خاطر حفظ حیثیت آن تلاش کردند و نیز از همکاران بین المللی به خاطر حمایت از ایجاد این دانشگاه و تلاش در تداوم آن سپاسگزارم.

فرزندان کشور که از این دانشگاه فارغ می شوند و در صفوف نیروهای دفاعی افغانستان قرار می گیرند، وظیفه بسیار پر افتخار را بر عهده دارند. همان طوری که نسل های گذشته ما در دفاع از سرزمین شان قربانی دادند، امروز هم این ها در جبهه حق قرار دارند و با روحیه بالا و اعتماد به نفس از تعلیماتی که دیده اند و با کسب تجربه و دانشی که در این دانشگاه اندوخته اند، وارد صحنه عملی دفاع و خدمت به مردم افغانستان می شوند.

در محفل افتتاح و رونمایی بنای یادگاری مارشال افغانستان قرار داریم، از زحمات مقامات پوهنتون دفاع ملی مارشال فهیم و بنیاد مارشال فهیم تشکر می کنم. طرح بنای یادگاری مارشال افغانستان که توسط بخش مهندسی و نظارتی صورت گرفته، نمادی از شخصیتی است که در دفاع از این وطن و بنیانگذاری نظام جدید در کشور فداکاری ها کرده است و نیز این طرح پس منظر کوه های با افتخار هندوکش و بابا می باشد.

این طرح بنای ماندگار از شهامت، قهرمانی، وطن دوستی، وقف زنده گی در راه خدا، خدمت به مردم و وطن می باشد. بنای مذکور یادآور قهرمانی های مردم افغانستان برای فرزندان کشور است که امروز مسئولیت دفاع این سرزمین و دفاع از جان، مال و حق مردم را به عهده دارند.

خوش حالم که در محفل رونمایی منار یادبود از کارنامه های مارشال افغانستان یک جا با شما استم. از حضور همه شما تشکر می کنم و باز هم از همه کسانی که در این راستا زحمت کشیدند، ممنونم.

زنده باد افغانستان

مقالات



مارشال افغانستان و اعتماد ملی

خاطره‌یی از جنرال هاییل هاییل

ساعت ۲:۴۵ دقیقه روز سه‌شنبه، ششم ماه حوت ۱۳۹۲ - این خاطره روایت دوازده روز پیش از ارتحال مارشال افغانستان است - در دفتر صدارت، مارشال صاحب در حال ملاقات با جناب زلمی رسول، یکی دیگر از نامزدان مطرح انتخابات ریاست‌جمهوری بود.

آقای رسول نیز برای آن دید و اعتمادی که نسبت به مارشال افغانستان داشت، به این باور بود، مارشال صاحب از نامزد مشخصی حمایت می‌کند، با آن هم، نوع نگرش مارشال صاحب با سایر نامزدان نیز بی‌تأثیر در گرفتن رأی از مردم نبود. به این لحاظ، آمده بودند تا قسماً توجه مارشال صاحب را به خود جلب کند. در همین دقایق بود که احوال دادند داکتر صاحب اشرف غنی به خانه آمده است. چون دقایق اخیر صحبت‌شان با داکتر زلمی رسول بود، برای‌شان خبر دادیم که داکتر صاحب به خانه آمده‌اند. پس از خداحافظی با زلمی رسول، از دفتر به طرف کارته پروان -منزل مارشال صاحب- حرکت کرده و نزدیک به ساعت سه بعد از ظهر به مهمان‌خانه رسیدیم.

زمانی که به داخل خانه رفتیم، فقط یک سکرترش در بیرون دروازه سالون نشسته بودن. دروازه سالون را برای مارشال صاحب باز کردم. به محض این‌که چشم داکتر صاحب غنی به مارشال صاحب تلاقی کرد، از جا برخاست و به سرعت به طرفش آمد و در وسط سالون با هم مصافحه کردند. بعد از مارشال صاحب تنها من بودم که داخل سالون حضور داشتم، به همین خاطر عکسی که در آن وقت از هر دو در حال دست دادن می‌خواستیم بگیرم، لحظه‌یی ناوقت شده بود؛ طوری که از عکس معلوم می‌شود، هر دو برای آغاز صحبت نشستند و من پیش از آن‌که صحبت‌های اصلی آغاز شود، از مارشال

صاحب خواستم تا اگر اجازه بدهند، عکسی بگیرم.

مارشال صاحب رو به من کرد و گفت: "عکس می‌گیری؟ درست است بگیر، اما یک دقیقه صبر کن که من کلاه پکولم را به سرم بگذارم، چون تمام اعتبار من همین پکولم است". پس از آن، از هر دو عکس گرفتم و آن عکس را تاحال نگه کرده‌ام تا روزی برای جناب رئیس‌جمهور به عنوان آخرین عکس و دیدارشان با مارشال افغانستان اهدا کنم. در دقایق نخست صحبت‌شان که تا آن زمان من آنجا بودم، داکتر صاحب غنی خطاب به مارشال صاحب گفتند: جناب مارشال صاحب! درست است که شما از جناب داکتر صاحب عبدالله حمایت می‌کنید، اما خواهش من این است که دروازه‌تان به روی ما هم باز باشد، چون شما یک شخصیت ملی و مورد اعتماد همه مردم افغانستان هستید و به کمک و حمایت شما نیاز داریم.

یک ساعت پس از دیدار با داکتر محمداشرف غنی، عبدالقیوم کززی که ایشان نیز از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری بودند، با برادرش محمود کززی آمدند و دقیق انتظاراتی را که آقای زلمی رسول و محمداشرف غنی مطرح داشتند، مطرح کردند.

منبع: هفته‌نامه کابل

ما مرگ را به نوبت فردا نشسته ایم

محمد یاسر مهدی

ای چشم خیره شو که به غمخانه حیات

جز نقش اشک و خون، ز حوادث رقم نماند

پس از آنکه، «به کوی و بر زن کشور سپاه کفر سنگر زد، شعار پرچم داس و چکش را پشت هر در زد» چشم تیزبین روزگار، شاهد تکوین دو رویداد کلان و خونبار، در ماه حوت بود. به گونه‌یی که «زیر این سیمابگون خرگاه»، فاجعه مرگ‌خیزی بدین بزرگی و «هنگامه وحشتی» بدین گسترده‌گی، کمتر به حافظه تاریخ به ثبت رسیده است.

این دو روز ماتم‌خیز، سوم و بیست چهارم حوت است. اینک در میان این دو رخداد عظیم، روز هجدهم این ماه نیز، پاره‌یی از تاریخ شد و آن همانا مرگ شهسوار دیگری از خیل حماسه‌آفرینان است که هم‌صدای عزیمت طوفان در دل بی‌هراس صحراها بود.

مرگ غم‌بار کسی که از «پاسداران حریم ایمان» بود و هر کی از هر قوم و تبار، «با او بوی غم قبیله» خودش را استشمام می‌کرد!

درست در همین روز بود که: بیشه خالی گشت باز از شیرگران دگر! قلبی از تپش افتاد، و رودباری از خروش ایستاد که تقریباً چهار دهه برای جهاد، برای آزادی، برای عزت و سربلندی مردم و کشور عاشقانه تپید، رنج بی‌شماری بر جان عزیز خویش خرید و تا دم رهسپار شدن به دیار باقی، نمادی گشت

از شجاعت، مظهری شد از فتوت و آیینی‌گری برای پیوند و هم‌بستگی تمامی ملت! جوانمردی به رفیق‌علی پیوست که در برابر هرکی از فرقه‌تزویر و ریا بود، در افتاد و در برابر هر عنصری که وابسته به جماعتی از بطلان بود، چون دژ استوار ایستاد و با مردانه‌گی و صلابت چون کوه بر ضد لشکر بیداد شانه داد.

بدین مفهوم، هنوز دوش زخمین ملت از کوله‌بار سهمگین چندین مصیبت جانکاه، ویژه غم غروب دو خورشید فروزان (رهبر فرزانه مان و مسعود قهرمان) راست نکرده بودیم که مرگ نا به هنگام سرخیل دیگری از خیل جوانمردان، به اتحنای قامت استوار مان افزود و بار دیگر تاب، از دل‌های داغ‌دار در ربود. مگر تقدیر ما با غم نوشتند - به خاک ما گل آدم سرشتند.

چنانچه می‌بینیم، هنوز آن آتش دیرین نشد سرد - که گردون بازی دیگر برآورد
دریغ می‌برد امواج ایام - عزیزان را زما، آرام، آرام.

آری، مارشال فهیم - آنکه سکه دلیری به نامش ضرب خورده بود، کسی که توانسته بود به اثبات رساند، حافظ دلسوز قلمرو عزت و شرف است و پاسدار دلسوز استقلال و تمامیت ارضی است و حارث اندیشه ور کیان ملی کشور!

آنچه مسلم است این است: همانگونه که قرآن فرموده: «هر کسی طعم مرگ را می‌چشد و شما را به خیر و شر می‌آزماییم و همه به نزد ما باز می‌گردید».

بلی!

ما مرگ را به نوبت فردا نشسته‌ایم

بارسفر به دوش مهیا نشسته‌ایم

یاران همه یکایک از این خانه رفته‌اند

دردا که ما به ماتم آنها نشسته‌ایم

هر کسی، در هر مقامی که قرار داشته باشد، خواه سلطان بود، خواه محتاج لب نان، مرگ به سراغش رسیدنی است و این حکم هر آن بر گوش شان چکیدی:

آماده شو به رفتن دنیای دیگری!

شنیدن خبر مرگ هر کسی که باشد، زنگ هوشداری‌ست که هر کی باید گوش هوش بدان بگمارد:

اشک یک لحظه به مژگان بار است

فرصت عمر همین مقدار است.

فراموش نکنیم که حقیقت ایمان نیز همین است. واپسین فرستاده خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «هرگز گامی بر نداشتیم که امید برداشتن گامی دیگر را داشته باشیم».

یاد مرگت آرزو کوتاه کند و به قول دیگر سرسلسله جناب انبیاء: «کفی بالموت واعظا» (مرگ، پندآموزی بسنده است).

فرق است میان مرگ‌هایی که به سراغ ابنای بشر می‌آید. مرگ به طور کلی، به مرگ اجباری و مرگ اختیاری تقسیم می‌شود. مرگ اجباری مرگی است همه‌گیر، و مرگ ارادی فقط مخصوص انسان‌هاست. مقصود از آن این است که فرد از مسائل جسمانی گذر کند و توجه‌اش فقط و فقط به آفریدگارش باشد. در مقابل این معنا، یعنی مشغول بودن به دنیا، انسان را دچار مرگ در حال زنده‌گی می‌کند.

اسلام به روح و نفس آدمی توجه شایانی دارد. از همین رو است قرآن، کسانی را که دارای روح بی‌تفاوت و قساوت قلب هستند، مرده وانمود کرده‌است. خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «أَنْكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى» (تو نمی‌توانی مرده دلان را شنوا کنی). آنچه ما از زنده و مرده منطبق با مفاهیم ارزشمند بالا، می‌خواهیم ارائه دهیم، همان است که در لای کلام استادان سخن: حافظ و خلیلی، اینگونه بازتاب یافته است:

هرگز نمی‌میرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

یا:

مرد نمیرد به مرگ، مرگ ازو نامجست

نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟

مارشال فهیم به گونه هم‌نوعانش یک انسان بود. لذا صفات متعددی در او سراغ می‌شد. بعید نیست، او نیز در کنار کوتاهی‌ها و لغزش‌هایی که نسبتش می‌دادند، طی سه دهه و اندی افتخارات بزرگی به اسلام و بر وطن و برنسل‌های امروز و آینده به ارمغان آورد که در مقایسه با لغزش‌هایش خیلی‌ها گسترده و چشم‌گیر است!

آنچه از همه بیش می‌تواند موجب سنگینی کفه افتخارات و برآزنده‌گی شخصیت او شود، همانا متاع ارزشمند جهاد مقدسی است که عمری به افتخار و با دادن قربانی‌های بی‌شمار، رایش را به دوش کشید.

مارشال فهیم و پایه‌های سیاسی حکومت

شنبه ۱۹ حوت ۱۳۹۶ - بختيار

از درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم در وضعیتی بزرگداشت می‌شود که اجماع سیاسی کابل بیشتر از گذشته برهم خورده است. مارشال فهیم سیاست‌مداری معتقد به اجماع ملی و تشکیل حکومت با پایه‌های وسیع بود. در منابع گوناگون از جمله کتاب «روایتی از درون» نوشته داکتر دادفر سپنتا آمده است که مارشال فهیم به دموکراسی اعتقاد استوار و محکمی نداشت، اما از تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های او برمی‌آید که ایشان به شکل‌گیری حکومتی با پایه‌های وسیع سخت معتقد بود و فکر می‌کرد که حکومتی با پایه‌های وسیع شانس بقا در سرزمینی به‌نام افغانستان دارد. او در آخرین سخنرانی‌اش خطاب به والیان آن زمان گفته بود که افغانستان نیاز جدی به دولت دارد. مارشال فهیم در همان سخنرانی می‌گوید که تجربه او نشان می‌دهد که نبود دولت یا به تعبیر مارشال مرحوم نظام، جنگ و بحران در پی دارد. او می‌گفت که راه استحکام دولت همدیگرپذیری سیاسی است.

مارشال اعتقاد داشت که تمام نیروهای سیاسی تأثیرگذار باید در قوه مجریه و پارلمان حضور داشته باشند و از این طریق پایه‌های سیاسی و اجتماعی حکومت را وسیع سازند. توسعه پایه‌های سیاسی و اجتماعی حکومت یکی از شعارهای مهم کمپاین حامد کرزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ نیز بود. مارشال فهیم در این کمپاین و مدیریت پس‌لرزه‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال نقش مهمی داشت.

افکار سیاسی مارشال فهیم مثل هر سیاست‌مدار دیگر به تدریج تکامل کرده بود. روشن است که در

دهه هشتاد، نه او و نه هیچ یک از هم‌قطاران‌ش به لزوم تقویت دولت باور نداشتند. در آن زمان تنظیم‌ها صرف به مبارزه با نیروهای شوروی و متحدان داخلی آنان می‌انداشیدند و تخریب نهادها، شهرها و روستاها را در راه مبارزه با شوروی مشروع می‌دانستند. در آن زمان چریک‌های ضد شوروی تلاش می‌کردند که تمام مظاهر حضور دولت را در مناطق زیر کنترل‌شان نابود کنند. واضح است که در نبود دولت جنگ، هرج و مرج و ظهور گروه‌هایی مثل طالبان انتظار می‌رود.

حتمی حوادث پس از سقوط حکومت داکتر نجیب و دوره سیاه طالبان روی افکار او تأثیر گذاشت. در کتاب‌های تاریخ نظریات سیاسی هم آمده است که حوادث مهم و تحولات عمیق و ژرف تأثیر مهم روی نظریات سیاسی دارد، همان طوری که نظریات سیاسی تأثیر مهمی در شکل‌دهی حوادث دارند. با سقوط حکومت داکتر نجیب، مارشال فهیم وزیر امنیت ملی و فرمانده کل جبهات کابل تعیین شد. اوضاع آن روز افغانستان مصداق روشن بی‌دولتی بود. وحدت سیاسی افغانستان از میان رفته بود.

گروه‌ها و دسته‌های مسلح حکومت را به رسمیت نمی‌شناختند. در آن زمان هر تنظیم و فرماندهی برای خودش حق حکومت کردن بر کل کشور قایل نبود و نمی‌خواست که نیروهای سیاسی دیگر نیز در اداره مملکت شریک باشد.

جنگ‌های آن زمان نهادهای دولتی را نابود کرد و بسیاری از ولایات به جزایر فاقد دولت بدل شد. در نبود دولت و نهادهای دولتی، خودسری به قاعده رایج زنده‌گی بدل شد. شکل‌گیری طالبان معلول همین وضعیت بود. اگر عوامل خارجی شکل‌گیری طالبان را در نظر نگیریم، می‌توانیم حکم کنیم که ظهور و قدرت‌گیری سریع این گروه، معلول هرج و مرج وحشتناک پس از سقوط حکومت داکتر نجیب بود. اگر پس از سقوط داکتر نجیب تنظیم‌ها می‌توانستند روی معیارهای مشروعیت سیاسی و زعیم دولت توافق کنند، هم ثبات حفظ می‌شد و هم از فروپاشی بیشتر نهادهای دولت جلوگیری شده بود.

اما در آن زمان گروه‌ها و دسته‌های نظامی، خودشان را فاتح جنگ بر ضد شوروی تصور می‌کردند و هر کدام خود را مستحق حکومت کردن می‌دانستند. پس از ظهور طالبان، آهسته آهسته در ذهن و آگاهی برخی از فرماندهان از جمله مارشال فهیم ضرورت تشکیل حکومتی با پایه‌های وسیع درک شد. در آن زمان داکتر نجیب در دفتر سازمان ملل متحد در کابل زنده‌گی می‌کرد و مارشال فهیم، وزیر امنیت ملی بود. داکتر نجیب و مارشال فهیم هر از گاهی در دفتر سازمان ملل متحد با هم ملاقات و بحث می‌کردند. حتمی کسی از نزدیکان مرحوم فهیم یادداشت‌هایی از این ملاقات‌ها دارد. این شخص باید حتمی این یادداشت‌ها را منتشر کند.

مرحوم فهیم علاوه بر داکتر نجیب، با نمایندگان جهت‌های سیاسی هم در تماس بود و به این نتیجه رسیده بود که جناح او باید از زعامت بگذرد و در بدل یک حکومت ائتلافی، شریک تضمین‌شده قدرت سیاسی باشد.

این نظر او پس از حادثه تروریستی یازده سپتامبر و سقوط طالبان به نظر مسلط در جبهه ضد طالبان بدل شد. برهان‌الدین ربانی، رئیس‌جمهور پیشین به توافق‌نامه بن و سپردن زعامت خوشبین نبود، اما مارشال فهیم او را وادار کرد تا به فیصله‌های نشست بن تمکین کند. او به تشکیل یک حکومت ائتلافی پس از سقوط طالبان تن داد، مارشال فهیم فکر می‌کرد که نظام پس از بن دارای پایه‌های وسیع است و باید همان طور بماند. برخی از هم‌قطاران مارشال به این نظر اند که او در این راستا بسیار پیش رفت و

منافع حوزه جبهه متحد را در نظر نگرفت، به باور آنان فهیم تلاش نکرد تا در قانون اساسی جدید علاوه بر رئیس‌جمهور، یک نخست‌وزیر هم در قوه مجریه حضور داشته باشد. اما پسان‌تر خودش اعلام کرد که حضور یک صدراعظم در قوه مجریه ضروری است.

حضور مارشال فهیم در حکومت یکی از عوامل مدیریت انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ بود. آن انتخابات مثل انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ به تنش کشیده شد، اما حامد کرزی توانست به کمک مارشال فهیم، پراکنده‌گی سیاسی ناشی از آن تنش را حل کند. عده‌یی تصور می‌کنند که کرزی به کمک مارشال فهیم حکومتی با پایه‌های وسیع سیاسی ایجاد کرده بود، اما این پایه‌های وسیع به قیمت فساد گسترده در درون حکومت بود. تصور عده‌یی دیگر بر این است که کشورهایی مثل افغانستان در حال حاضر به انسجام و همگرایی سیاسی بیشتر از هر چیز دیگر نیاز دارند. نگرانی عمده در حال حاضر این است که حکومت وحدت ملی در صورت برگزاری انتخابات پارلمانی در سال آینده، چگونه پس‌لرزه‌های آن را مدیریت می‌کند؟ اجماع سیاسی به هم خورده است، رئیس‌جمهور و رئیس اجرائیه توافق نظر ندارند، ریزش‌های درون‌تیمی هم در جناح‌های هر دو رهبر به وقوع پیوسته است و هیچ نشانی‌یی از اجماع سیاسی وجود ندارد. رئیس‌جمهور غنی و اطرافیانش هیچ‌کدام به اجماع سیاسی و پایه‌های وسیع حکومت باور ندارند.

منبع: روزنامه هشت صبح

مارشال فهیم از معماران نظام کنونی بود

دوشنبه ۱۹ حوت ۱۳۹۲ - بابک شاه کابلی

پس از انتخابات سال ۲۰۰۹، آقای مارشال فهیم دوباره به دولت برگشت. معروف است که او در آن زمان، داکتر عبدالله را وادار کرد تا زعامت آقای کرزی را بپذیرد و از راه اندازی تظاهرات و راهپیمایی‌ها خودداری کند. این‌ها نشان می‌دهد که مارشال فهیم در شکل‌گیری و بنیان‌گذاری نظام کنونی و روی کار آوردن آقای کرزی، نقش قابل ملاحظه داشت. نبود او، بدون شک در فضای سیاسی کشور تاثیرگذار است و پراکنده‌گی‌های سیاسی را بیش‌تر می‌سازد.

مارشال فهیم را می‌توان از معماران نظام کنونی خواند. پس از ترور احمدشاه مسعود، مارشال فهیم به‌عنوان فرمانده عمومی نظامی جبهه مقاومت ضدطالبان تعیین شد. او در زمان حیات احمدشاه مسعود فرمانده جبهه تخار بود. جبهه‌یی که بیش‌ترین فشار را از ناحیه نیروهای طالبان و القاعده تحمل می‌کرد. مارشال فهیم پس از این‌که سمت فرماندهی جبهه مقاومت ضد طالبان را به‌دوش گرفت، وزن سیاسی‌اش هم بالا رفت و به کلیدی‌ترین چهره تصمیم‌گیر در ائتلاف ضد طالبان بدل شد. روایت‌ها و اسنادی که از آن دوران به‌جا مانده است، نشان می‌دهد که مارشال فهیم، در حلقه تصمیم‌گیری جبهه ضد طالبان، از شخصیت‌های جدی طرفدار همکاری با ائتلاف بین‌المللی ضد ترور بود. چهره‌های مهم دیگر این جبهه، خواستار این بودند که در برابر تضمین قدرت مطلق جبهه ضد طالبان در حکومت پساطالبانی، باید با ائتلاف جهانی ضد ترور همکاری شود، اما مارشال فهیم خواستار چنین چیزی نبود. مارشال فهیم خواستار همکاری بلاقید و شرط با ائتلاف جهانی ضد ترور بود. در مورد حکومت

پساطالبانی هم نظریات او با دیگر چهره‌های کلیدی جبهه ضد طالبان از جمله برهان‌الدین ربانی فقید متفاوت بود. مارشال فهیم می‌خواست حوزه ضد طالبان، شریک ضمانت شده دولت پساطالبانی باشد. اما مخالف چهره‌های جبهه ضد طالبان در «رأس» دولت پساطالبانی بود. او داکتر عبدالله و محمدیونس قانونی را با خود همراه ساخت و آقای برهان‌الدین ربانی فقید را در آن زمان، در حلقه تصمیم‌گیری سران جبهه متحد ضد طالبان منزوی کرد. مارشال فهیم سخت طرفدار تقسیم قدرت میان جبهه مخالف ضد طالبان و گروه روم بود. گروه روم در آن روزگار در محور محمدظاهر، پادشاه سابق شکل گرفته بود و بسیاری‌ها آن را بدیل سیاسی طالبان در مناطق پشتون‌نشین کشور می‌دانستند. حامد کرزی هم مربوط به گروه روم بود.

در آن زمان، برهان‌الدین ربانی فقید با برگزاری کنفرانس بن مخالف بود. او در آن زمان گفته بود، باید چنین کنفرانسی در کابل برگزار شود و به نحوی او در رأس دولت پس از طالبان باقی بماند. اما مارشال به شدت با این فکر مخالف بود. مارشال فهیم می‌خواست قدرت میان جبهه ضد طالبان و گروه روم طوری تقسیم شود که یکی از شخصیت‌های گروه روم در رأس دولت باشد و جبهه متحد شریک ضمانت شده آن. مارشال فهیم برای تغییر نظر آقای برهان‌الدین ربانی، بر او اعمال فشار کرد. در واقع مارشال فهیم آقای برهان‌الدین ربانی را وادار ساخت تا قدرت را به اداره موقت بسپارد.

اگر مارشال فهیم نمی‌خواست، قدرت به اداره موقت انتقال نمی‌یافت و حتا کنفرانس بن به نتیجه نمی‌رسید. این مارشال فهیم بود که ایده تقسیم قدرت با گروه روم را در حلقه تصمیم‌گیری جبهه متحد پذیرفت و با فکر انحصار قدرت مخالفت کرد.

در روند تطبیق موافقت‌نامه بن هم مارشال فهیم نقش قابل ملاحظه داشت. او در آغاز با ورود نیروهای بین‌المللی یاری امنیت به کابل مخالف بود، اما بعد از این مخالفت دست برداشت. او در شکل‌گیری تفاهم‌های سیاسی پس از اداره موقت هم نقش برجسته داشت. در آستانه لویه‌جرگه اضطراری در بهار سال ۱۳۸۱، برخی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی جبهه ضد طالبان، خواستار حضور یکی از چهره‌های این جبهه در رأس دولت انتقالی بودند. در آن زمان، بیشتر اعضای لویه‌جرگه به نحوی با جبهه ضد طالبان وفادار بودند و اگر از نشانی این جبهه نامزدی برای ریاست دولت انتقالی معرفی می‌شد، بدون شک که بیشترین رای را می‌آورد. اما آقای فهیم با این نظریه مخالفت کرد. گفته می‌شود که او در آن زمان هم از نامزدی یک چهره کلیدی جبهه ضد طالبان، برای ریاست اداره انتقالی جلوگیری کرد و از حامد کرزی حمایت کرد.

برخی از چهره‌های فرهنگی ضد طالبان در آن زمان، گفتند که این مارشال فهیم است که حکومت حامد کرزی را تمدید می‌کند. در پایان دادن به جنجال‌های سیاسی برای کسب قدرت هم نقش مارشال فهیم برجسته بود. گفته می‌شود که در لویه‌جرگه اضطراری آقای محمدیونس قانونی به امید به دست آوردن یک پست بالاتر از سمتش در وزارت داخله، کناره‌گیری کرد، اما بعداً ظاهراً پشیمان شد و هوادارانش در حمایت از او تظاهرات کردند، اما مارشال فهیم از ادامه کشمکش جلوگیری کرد و آقای قانونی را وادار ساخت سمت وزارت معارف را بپذیرد.

مارشال فهیم در لویه‌جرگه قانون اساسی، یک‌تنه در برابر تمام حوزه نفوذش ایستاد و از نظام ریاستی دفاع کرد. او بسیاری از هوادارانش را وادار کرد تا از درج نظام ریاستی در قانون اساسی حمایت کنند و از

مطالبات‌شان که مهم‌ترین آن، ترجیح یک نظام مختلط ریاستی- پارلمانی بود، دست بردارند. مخالفان درون‌جناحی و درون‌حزبی مارشال فهیم در آن زمان معتقد بودند که نظام ریاستی با ساختار اجتماعی افغانستان، هم‌خوانی ندارد و باید نوع نظام با ساختار اجتماعی و تنوع قومی کشور، متناسب باشد.

مرحوم مارشال فهیم ظاهراً در آن زمان، این استدلال را نپذیرفت و از نظر آقای کرزی مبنی بر ارجحیت نظام ریاستی دفاع کرد. اما مارشال بعداً نظرش تغییر کرد. او پس از انتخابات اول ریاست‌جمهوری، زمانی که دیگر سمت دولتی نداشت، عضو جبهه سیاسی‌بی شد که تغییر نظام از ریاستی به نظام مختلط ریاستی-پارلمانی، جزو مطالبات آن بود. او در یکی از سخنرانی‌های اخیرش هم گفت که به آقای کرزی گفته است، بهتر است در ساختار نظام، یک نخست‌وزیر هم حضور داشته باشد.

پس از انتخابات سال ۲۰۰۹، مارشال فهیم دوباره به دولت برگشت. معروف است که او در آن زمان، داکتر عبدالله را وادار کرد تا زعامت آقای کرزی را بپذیرد و از راه‌اندازی تظاهرات و راهپیمایی‌ها خودداری کند. این‌ها نشان می‌دهد که مارشال فهیم در شکل‌گیری و بنیان‌گذاری نظام کنونی و روی کار آوردن آقای کرزی، نقش قابل ملاحظه داشت. نبود او، بدون شک در فضای سیاسی کشور تاثیرگذار است و پراکندگی‌های سیاسی را بیشتر می‌سازد.

منبع: روزنامه هشت صبح

نقش مارشال فهیم در تحکیم وحدت ملی

شمس حقجو

محمدقسیم فهیم یگانه مارشال افغانستان و بنیان‌گذار اردوی ملی نوین و یکتن از یاران صدیق قهرمان ملی کشور، شهید احمدشاه مسعود می‌باشد.

مارشال کشور که در زمان جهاد و مقام همواره و در هر سنگری دوشادوش قهرمان ملی و سایر مجاهدین سهم فعال و قابل لمس را در مبارزه با روس‌ها و سپس مقاومت در برابر گروه تروریستی طالبان داشتند، پس از شهادت قهرمان ملی کشور احمدشاه مسعود، محمدقسیم فهیم از سوی رهبران مجاهدین کشور به قیادت و رهبری مجاهدین گماشته شد.

نظر به شرایط حساس در آن زمان آقای فهیم توانست این مسئولیت را با درایت و صداقت تمام انجام داده و مجاهدین را از سردرگمی، بی‌نظمی و متفرق شدن نجات داده و آنان را در یک جبهه متحد در برابر گروه طالبان و شبکه القاعده بسیج کند.

پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به برج‌های تجارت جهانی و دگرگونی اوضاع جهان، مجاهدین کشور به قیادت شهید صلح استاد ربانی و مارشال فقید سهم فعال را در عرصه سیاست جهانی بازی کرده و زمینه را برای از میان برداشتن طالبان و القاعده از افغانستان هموار کردند که در نتیجه، نیروهای زمینی مجاهدین به رهبری مارشال فهیم و همکاری نیروهای هوایی حافظ صلح بین‌المللی وارد کابل شده و بساط طالبان را از اکثر نقاط کشور برچیدند.

بعد از تدویر جلسه بن و تشکیل حکومت موقت به رهبری حامد کرزی، محمدقسیم فهیم به صفت

معاون اول و وزیر دفاع ملی در کابینه تعیین گردید و به همین ترتیب، مارشال را می‌توان بنیان‌گذار اردوی ملی کنونی که مظهر اراده ملی و متشکل از تمام اقوام با هم برادر افغانستان می‌باشد، عنوان کرد، زیرا با تلاش او و هم‌کارانش این نهاد مهم امنیتی کشور شکل گرفت و در آن سربازان از همه اقوام و اقشار کشور به صورت داوطلبانه جلب و جذب گردید.

حامد کززی رئیس‌جمهور آن زمان به پاس خدمات بزرگ ملی «بسیج مجاهدین و جبهه متحد شمال در یک جبهه در برابر طالبان، بر چیدن بساط طالبان و نیز بنیان‌گذاری اردوی ملی» محمدقسیم فهیم را به بلندترین رتبه نظامی (مارشال) مفتخر گردانید.

به گفته حامد کززی رئیس‌جمهور پیشین کشور با آن که محمدقسیم فهیم شخص حلیم، متواضع و خوش‌برخورد بود، اما در مسائل ملی با جدیت تمام برخورد کرده، طرفدار وحدت تمام اقوام کشور بود و از منافع ملی کشور با قاطعیت تمام حراست می‌کرد.

مارشال محمدقسیم فهیم پس از تشکیل حکومت موقت و حکومت‌های بعدی در کشور با درایت تمام توانست دسته‌های نامنظم مجاهدین را منسجم کرده و آنان را در چوکات وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست عمومی امنیت ملی تثبیت رتبه کند که با انجام این کار تا حدود زیادی جلو بی‌بندوباری‌ها در کشور گرفته شد و از سوی دیگر روند «دی‌دی‌آر» و سپس «دایاگ» را سرعت بخشید.

با آن که چهارسال از درگذشت یگانه مارشال کشور می‌گذرد، اما با آن هم در شرایط حاضر نبودش به شدت محسوس است زیرا او یکی از پله‌های سنگین جهاد و مقاومت مردم افغانستان و یکتا از چهره‌های درخشان تاریخ پسا طالبانی بود.

تأثیر مارشال فهیم در سطح ملی و بین‌المللی

محمدجواد رحیمی - آگاه روابط بین‌الملل

مارشال محمدقسیم فهیم، نماد واقعی وحدت ملی، حامی استقلال و آزادی و یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های سیاسی افغانستان بود که از آوان جوانی، شجاعت و پای‌مردی‌اش را به اثبات رسانید و برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، حتا کوچک‌ترین غفلت و کوتاهی را نپذیرفت. مارشال افغانستان با کمال صداقت و متانت، برای تحکیم وحدت ملی و ترویج فرهنگ همدیگرپذیری تلاش‌های تاریخی و اقدامات بنیادی کرد و تا آخرین لحظه عمر، برای تحقق رؤیاهای برحق ملت افغانستان، مبارزات آگاهانه و خردمندانه‌اش را ادامه داد.

مارشال فقید یکی از شخصیت‌های بلندهمت و آزادی‌خواه افغانستان بود که در گهواره سستی‌ها و مشقت‌ها پرورش یافت و مبارزات و حماسه‌آفرینی‌های تاریخی‌اش به عنوان یک مکتب بزرگ، برای نسل‌های بعدی افغانستان به میراث گذاشته شد. تجربه سیاسی و نظامی مارشال فقید، حضور او در نظام و اقتدار سیاسی کشور، معنا و مفهوم ویژه بخشیده بود و در مسائل ملی و بین‌المللی نیز بیش‌تر از هر کس دیگری، صلاحیت و شجاعت تصمیم‌گیری داشت.

مارشال فهیم نه‌تنها برای تأمین واقعی وحدت ملی و تحقق آرزوهای برحق مردمی تلاش کرد، بلکه در سطح بین‌المللی نیز تأثیرگذاری و برجسته‌گی‌اش را به اثبات رسانید. او در توضیح و تقویت سیاست خارجی کشور نقش فعال و سازنده داشت. مرحوم مارشال فهیم مبنای سیاست خارجی کشور را «حفظ استقلال و منافع علیای ملت افغانستان» می‌دانست و برای مهار تهدیدهای منطقه‌ای، بهتر از دیگران

با جدیت و قاطعیت ابراز نظر می‌کرد.

بعد از روی کار آمدن نظام جدید در افغانستان، تبلیغات منفی در برابر مجاهدین موجب شد تا برخی از کشورهای خارجی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، رهبران حوزه جهاد و مقاومت را به عنوان شخصیت‌های ستیزه‌جو، قانون شکن و دموکراسی ستیز تلقی کنند؛ اما اندیشه‌های ملی و سیاست‌ورزی‌های فراقومی مارشال فهیم، مفهوم و برداشت متفاوت از رهبران این حوزه به نمایش گذاشت و دیری نگذشت که او در سطح ملی و بین‌المللی از جایگاه و اعتبار ویژه‌ی برخوردار شد.

مرحوم مارشال فهیم در آخرین روزهای زنده‌گی‌اش، پیرامون انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، حصول رضایت و قناعت ملت پیرامون ایجاد یک نظام مشروع، قانون‌مند و همه‌شمول، صحبت‌های آگاهانه بیان کرد. او سلامت و حفاظت افغانستان را تنها در اتحاد و هم‌بستگی اقوام افغانستان می‌دانست. امروز اوضاع شکننده و نابه‌سامان کشور، حقانیت دیدگاه‌های مارشال فقید را به اثبات رسانیده و ملتِ دردمند افغانستان بیش‌تر از هر روز دیگری، نبود او را حس کرده‌اند.

روح مارشال فقید شاد و یادش گرامی باد!

منبع: هفته‌نامه کابل

مارشال فهیم؛ نقطه وصل و وحدت

روح الله بهزاد

مارشال محمدقسیم فهیم، یکی از چهره‌های مطرح تاریخ افغانستان است. مردم او را به عنوان برجسته‌ترین چهره تاریخ معاصر و دوره جهاد و مقاومت می‌شناسند. مارشال فهیم مطرح‌ترین چهره پس از شهید احمدشاه مسعود، در جبهه جهاد و مقاومت بود که کارنامه‌های درخشانی از خود به جا گذاشته است. تاریخ جهاد و مقاومت افغانستان پُر است از رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های بی‌دریغ او و یارانش. تاریخ حداقل چهل سال پسین افغانستان را اگر مرور کنیم، بی‌هیچ شکی نقش‌آفرینی مارشال فهیم، محور بخش بزرگی از دستاوردها و پیروزی‌های این دوره است.

مرحوم مارشال فهیم نخستین بار با جمعی از دانشجویان دانشگاه، جهاد را آغاز کرده و توانست با موفقیت کامل آن را به سرانجام برساند. او در دوران مقاومت هم یکی از چهره‌های شاخص و سرشناس در عرصه مبارزه سیاسی، نظامی و اجتماعی بود. مارشال فهیم پس از شهادت قهرمان ملی کشور، توانست جانشین خوب و بی‌بدیل برای جبهه مقاومت و نظام‌سازی باشد. جانشینی مارشال فهیم پس از شهادت احمدشاه مسعود به عنوان فرمانده مجاهدین، نقطه عطفی است که می‌تواند یک روند بزرگ ملی تلقی شود؛ زیرا دشمنان مردم افغانستان به این باور بودند که با شهادت احمدشاه مسعود، صفوف مجاهدین را درهم شکسته‌اند؛ اما مجاهدین با تشکیل جلسه‌یی، مارشال فهیم را به عنوان جانشین شهید مسعود انتخاب کردند که او هم توانست تا حد زیادی نبود مسعود را پُر کند و مقاومت مردم را به سرانجام برساند.

مارشال فقید در نظام‌سازی پساتالبان نیز نقش ارزنده، تأثیرگذار و اصلی داشت. او به عنوان فرمانده نیروهای مقاومت ضد طالبان و القاعده، بستر دولت‌سازی پساتالبان را در داخل هموار کرد و زمینه را برای رهبری و ریاست نظام جدید مساعد ساخت. اگر دولت پساتالبان را با ویژه‌گی‌های یک دولت مدرن مدنظر بگیریم که بسیاری از اساسات و ارزش‌های یک دولت مدرن ملی - هر چند ناقص و معیوب - در این دوازده سال عمر این دولت شکل گرفت، نام مارشال محمدقسیم فهیم و نقش او با این تحول گره می‌خورد.

مارشال فهیم در سال ۲۰۰۱ میلادی توانست اکثر مجاهدین را در صفوف موافقان دولت بسیج کند. او در یکی از سخنرانی‌های خود در همین سال در جمعی از مجاهدین گفته بود که «آرمان ما رسیدن به افغانستان با ثبات، امن و برای مردم» است. فهیم در این سخنرانی همچنین به مجاهدین گفته بود که «مرحله مقاومت به پایان رسیده و افغانستان وارد یک گذار تازه شده است که باید به نقش حضور توده‌های مردم در آن توجه شود».

مارشال محمدقسیم فهیم گام به گام در دولت‌سازی پساتالبان و شکل‌گیری نهادهای این دولت، به‌ویژه نهادهای نظامی و امنیتی و تمام تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره همکاری و همراهی کرد. مارشال افغانستان به عنوان فرمانده نیروهای مجاهدین و مقاومت، راه را به تشکیل و تقویت ارتش ملی افغانستان مساعد ساخت. مارشال افغانستان در نظام‌سازی پساتالبان با جدیت در پی آن بود تا با در نظرگیری عدالت اجتماعی، راه هرگونه بازگشت به جنگ و گذشته خون‌بار را سد کند. او با هرگونه تفرقه و تعصب مخالفت نشان می‌داد و به شدت حامی یک‌پارچه‌گی افغانستان و وحدت ملی بود. او علی‌رغم تحلیل و دیدگاه مخالف بر سر شکل‌گیری وحدت ملی و دولت ملی از منظر قومی در جامعه کثیرالقومی افغانستان، به هم‌گرایی و هم‌سویی اقوام در شکل‌دهی دولت و نظام سیاسی پایدار، تأکید می‌کرد.

مارشال فهیم در این دوره با دید فراخ و ریزبینی سیاسی و نظامی، تلاش کرد تا مردم افغانستان را زیر یک چتر که به گفته خودش: «چتر وحدت ملی» است، بسیج بسازد تا برای آینده کشورشان به صورت جمعی و همه‌شمول تصمیم بگیرند. یک نگاه گذرا از کنفرانس «بن» تا ایجاد حکومت وحدت ملی به خوبی نشان می‌دهد که مارشال افغانستان توانسته بود با دید فراقومی و فراملیتی، چتر وحدت و هم‌گرایی را بسازد. او باری در یکی از سخنرانی‌هایش گفته بود: "افغانستان وقتی از مشکلات نجات پیدا می‌کند که واقعاً به طور مخلصانه دست به دست هم بدهیم تا اعتماد ملی در کشور به وجود بیاید و نسبت به هم‌دیگر باورمند باشیم. حرکت‌های یک‌جانبه باید از بین برود و با یک باور ملی و اعتماد کلی از مشکلات نجات پیدا کنیم".

به هررو، مارشال افغانستان به عنوان یک انسان رسالت‌مند و با وجدان، وظیفه و مسئولیت انسانی، دینی و شهروندی خود را انجام داد و به شهادت تاریخ و مردم، در انجام آن نیز موفق به در آمد؛ اما با نظر داشت شرایط و واگرایی شدید کنونی در کشور، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا سران حکومت وحدت ملی میراث با ارزش و با اهمیت مارشال افغانستان و سایر هم‌کاران و هم‌سنگران او را صادقانه حفظ و احترام کردند؟

متأسفانه پاسخ این پرسش منفی است؛ سران حکومت وحدت ملی میراث درخشان سال‌ها مبارزه و جهاد مارشال فهیم و چهره‌های مانند او را قربانی منافع گروهی و رسیدن به جا و مقام کردند. کسی

انکار کرده نمی‌تواند که واگرایی و عصبیت‌های قومی زیر حاکمیت حکومت وحدت ملی به اوج خود رسیده است. واقعیت این است که مارشال فهیم و ده‌ها چهره‌مانند او سال‌ها تلاش کردند و زحمت کشیدند تا مردم را در کنار هم و زیر چتر وحدت و همدیگرپذیری بسیج کنند، اما سران حکومت وحدت ملی با سیاست‌های تک‌روانه و پشت پا زدن به دیدگاه چهره‌های سیاسی و دیدگاه آرزوهای مردم، این چتر را از هم پاشیدند. نظام سیاسی کنونی مصداق عینی گفته‌ی مارشال فهیم فقید است که گفته بود: "تجربه‌های گذشته نشان داده است که حکومت‌های یک‌جانبه و یک‌طرفه در افغانستان نتیجه مثبت ندارد". مارشال افغانستان حین نخستین سخنرانی‌اش پس از پیروزی انتخابات ریاست‌جمهوری نیز گفته بود: نظام و حکومت با بردباری و همدیگرپذیری به وجود می‌آید و خواست و آرزو در شرایط امروز با احساسات برآورده نمی‌شود؛ اما برجسته‌ترین عنصر در تفکر حکومت‌داری و نظام‌سازی سران حکومت وحدت ملی، «دیگرناپذیری و احساسات» است.

حرف و حدیث در مورد یگانه مارشال افغانستان فراوان است، اما به عنوان حسن ختام باید یادآور شد که جامعه سیاسی و روشن‌فکری افغانستان که در این دوازده سال گواه توسعه سیاسی کشور خود هستند، می‌باید نقش مثبت مرحوم مارشال فهیم را در شکل‌گیری تحولات پسا کنفرانس بن پیوسته مدنظر قرار دهند و مرهون او باشند. بی‌شک مارشال افغانستان چنان که گفته بود «به چیزی که ایمان آوردی، عشق بورز، زیرا عشق فداکاری است»، به مردم و کشورش عشق ورزید و برای توسعه و پیشرفت آن فداکاری کرد.

منبع: هفته‌نامه کابل

كانون اصلاحات



مارشال فهیم نسبت به افغانستان احساس مسئولیت می‌کرد

عبدالحفیظ منصور - عضو مجلس نماینده گان

سلام خدمت همه حضار گرامی. محفل گرامی‌داشت از رحلت مارشال افغانستان است. صحبت‌های خود را با سخنی از دانشمندی به نام مشکویه رازی آغاز می‌کنم. او در مقدمه کتاب تجارب‌الامم نکته ارزشمند، مهم و طلایی را اشاره می‌کند، می‌گوید که من در این کتاب به نکته‌هایی اشاره می‌کنم که به معجزه و کرامات ارتباط نداشته باشد. آن‌هایی که معجزه کردند، ولی بودند و کرامات داشتند تکرار نمی‌شوند و ذکر آن‌ها به درد من نمی‌خورد. اما حوادثی را بیان می‌کنم که در آن، انسان‌های عادی با امکانات و استعداد عادی بوده‌اند که در آن مجال اشتباه هم وجود داشته است، گاهی خطا می‌کردند و کارهای نیک نیز انجام می‌دادند، از آن‌هایی یاد می‌کنم که مانند ما بودند تا از آنان درس و عبرت بگیریم.

اکنون راجع به شخصی حرف می‌زنیم که کارهایش نه معجزه بود و نه کرامت، مارشال افغانستان مانند من شما و مثل هم‌عصرها و هم‌روزگارش یک انسانی بوده که از امکاناتی مانند امکانات ما، استفاده خوب کرده است. اگر ولی بود کارهایش را خدا می‌کرد و اگر پیامبر بود کارهایش را جبرئیل انجام می‌داد که چندان کمالی برای من نداشت. کمال مارشال افغانستان در این است که با استعداد خودش، با ظرفیتی مثل من و شما، با دشواری‌هایی که ما به آن مواجه بودیم و استیم استفاده بهتر کرده است و نیز گاهی در کارها دچار اشتباه نیز می‌شده است.

یکی از سوالات اساسی این است که چرا از بین همه مبارزان، مجاهدان و مقاومت‌گران محمدقسیم

فهییم، مارشال افغانستان شد؟ آیا شایسته این مقام بود و یا چیز دیگری بوده است؟

در پاسخ به این سوالات از سجایای اخلاقی مارشال حرف نمی‌زنم، فقط چند نکته را عرض می‌کنم که کافیست برای ثابت کردن شایسته‌گی او برای مارشال شدن و این اشاره از برهه کوتاه از زنده‌گی‌اش است.

پس از شهادت احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور فشار زیادی بالای جبهه مقاومت آمده بود، کسانی که بزرگ‌تر استند درک می‌کنند که چه وضعیت و چه فشار بزرگی بوده است. کسی که آمد و جانشین احمدشاه مسعود شد، نامزد مرگ شد نه این که نامزد مارشالی شده باشد، او برای شهادت نامزد شد.

در مجلسی که مارشال را به عنوان جانشین قهرمان ملی انتخاب کردند تمام کسانی که حالا ادعاها دارند یکایک بالای‌شان صدا شد که آماده استی تا این مسئولیت را بپذیری؟ شماری از آن‌ها گلوی‌شان خشکی می‌کرد، حرف زده نمی‌توانستند، بعدها همه شیر شدند، اما کسی که روحیه داشت، آماده برای کشته‌شدن و پذیرفتن این مسئولیت شد، مارشال فهییم بود.

برخی از کشورهایی که جبهه مقاومت را حمایت می‌کردند، پس از شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود در پی تجزیه افغانستان شدند، گفتند که افغانستان به شمالی و جنوبی تقسیم شود، دیگر نمی‌توانیم از کل افغانستان صحبت کنیم و راه حل تجزیه این کشور است.

حضار گرامی! شما خود را در همان حالت فرض کنید؛ امریکا در افغانستان نبود، همه جا را تاریکی فرا گرفته بود، ولی مارشال فهییم بود که بحث تجزیه افغانستان را رد کرد، آیا شایسته نیست کسی که افغانستان را از تجزیه نجات داده است مارشال افغانستان باشد؟

وقتی جنگ برای گرفتن کابل آغاز شد، وزیر دفاع پیشین امریکا آقای کولن پاول هوشدار داد که نیروهای شمال نباید وارد کابل شوند، در صورتی که وارد کابل شوند دست به عمل نظامی می‌زنیم. در اثر شجاعت و جسارت مارشال فهییم بود که نیروهای مقاومت وارد کابل شدند و هم‌زمان با آن ثبات آوردند. بنابر جسارت مارشال کشور امریکایی‌ها برنامه‌هایی را که می‌خواستند در برابر جهادگران داشته باشند به حالت تعلیق در آوردند.

جنگ کار مشکل بود، اما جلوگیری از انتقام کار بسی مشکل‌تر از جنگ است. کسانی وارد کابل شدند که تا دندان مسلح بودند، خانه‌های‌شان ویران، خانواده‌های‌شان کوچانده و تاکستان‌های‌شان سوختانده شده بود، فاتح و مسلح بودند، اگر بزرگ‌منشی مارشال کشور نبود میلیون‌ها نفر کشته شده بود. اگر مارشال فهییم در عمرش یک کار بزرگ کرده باشد همین است که از یک خون‌ریزی عظیم جلوگیری کرد. نیروهای خشمگین تا پکتیا و پکتیکا رسیده بودند، ولی یک نفر هم به‌عنوان انتقام‌گیری کشته نشد، تمام این مسئولیت مهار انتقام‌گیری‌ها را در آن زمان مارشال فهییم به دوش گرفت که این کار آسانی نبود. همه در آن زمان برایش گفتند که تو ترسو استی، تو چنین و چنان استی، چرا نمی‌گذاری؟ این بزرگ‌منشی‌ها زمینه یک دولت مشترک را مساعد کرد، باشند‌های سراسر افغانستان لویه جرگه تشکیل دادند و حکومت مشترک ساختند.

با وجود تمام خوبی‌هایی که مارشال بزرگوار داشت نکات قابل بحث و گفتگو با او داشتیم نه

به‌عنوان نقد، بلکه به‌عنوان یک طرح و نظریه، مارشال چنین دیدگاه‌هایی داشت ما بسی کوچک‌تر از اویم، جوانان و روشن‌فکران ما با دقت، با بی‌طرفی و خون‌سردی این دیدگاه‌ها را بسنجند که آیا دیدگاه مارشال مرحوم از چه جایگاه، پخته‌گی و واقع‌بینی برخوردار بود.

اولین جدالی که تا هنوز در برخی محافل گرم است و فرصت آن مساعد نشده که ما در بحث علمی و بی‌طرفانه آن را مطرح کنیم. هنوز فضای زنده باد و مرده باد داغ است و مجال آن چیزها نیست. مارشال مرحوم اعتقادش بر این بود که برای سلامت افغانستان باید یک دولت مشترک داشته باشیم، در این دولت مشترک در درجهٔ دوم در بدنهٔ قدرت باشیم و در رأس قدرت یک فرد دیگری را از یک قوم دیگر خود بپذیریم. باورش این بود که هرگاه این تحمل و همدیگری را نداشته باشیم، نتیجه‌اش این خواهد بود که نه تنها دولتی ساخته نمی‌شود، بلکه افغانستانی باقی نمی‌ماند.

هم‌چنان به این باور بود، نظامی که با تاریخچهٔ بیشتر از صد سال به شکل قومی و قبیله‌ای ساخته شده است به یک‌باره‌گی سرنگون شود و به جایش چیز دیگری گنجانیده شود، قابل قبول نیست، او می‌گفت ما می‌توانیم ارگ را بگیریم، اما آن دیگری بر سر کوهی می‌آید و کابل را راکت‌باران می‌کند، ارگ نزد ما می‌ماند، ولی امنیت برقرار نمی‌شود، در صورتی که امنیت در کشور برقرار نشود، جامعهٔ جهانی همکاری نمی‌کند، آیا امنیت افغانستان و بقای آن مهم است و یا این که اول بودن ما در قدرت؟ دعوا بر سر داشتن پست ریاست‌جمهوری به این می‌ارزد که یک دور دیگر جنگ را راه‌اندازی کنیم و سال‌های مدید در این کشور کشت‌وخون دوام کند و سرنوشت نسل‌های بعدی نیز نامعلوم بماند؟

این استدلالش بود، ما می‌شنویم که می‌گویند مارشال فهیم ریاست‌جمهوری را به دیگران داد، اما دلیلش را نمی‌گویند که چه می‌گفت. اگر مارشال درست گفته و یا نه شما قضاوت کنید.

در بین ما عده‌بی به این باور بودند که ساختار نظام صدارتی گردد، از جملهٔ کسانی که در آن زمان علاقه‌مند تغییر ساختار نظام بود آقای محمدیونس قانونی می‌باشد، اما مارشال مرحوم به این باور بود که صدارت یک بخش اجرایی است، نباید خود را تنزیل دهیم. دولت که متشکل از سه قوه است، قوه‌های اجرائیه، مقننه و قضائیه، رئیس دولت در رأس هر سه قوه می‌باشد ما چرا یک معاون پر قدرت نباشیم و چرا تأثیر خود را بالای کل دولت نداشته باشیم؟

مورد دیگر مجادلهٔ ما با مارشال کشور را خدمت‌تان عرض می‌کنم، یکی از جنجالی‌ها من بومد و مارشال کشور همواره مرا تحمل می‌کرد. در این مجادله ما آرمان‌گراتر و او واقع‌گراتر بود، بر سر تقسیم قدرت و چه‌گونه‌گی حضور در حکومت، ما بیشتر به مسائل فرهنگی، حقوقی، چه‌گونه‌گی ساختار حکومت، نمادها و سمبول‌های ملی توجه داشتیم، به‌طور مثال سرود ملی چه‌گونه باشد، نام اقوام چه‌طور باشد و چه‌گونه در شناسنامه درج شود و بحث زبان را نیز مطرح می‌کردیم.

مارشال کشور می‌گفت، اصلاً قدرت حکومتی تعیین‌کننده است، هرگاه ما در مقامات تصمیم‌گیرنده بودیم، مشکلات فرهنگی و تشکیلاتی حل می‌گردد. در این مورد استدلال ما این بود که اگر قانون نادرست تدوین و تصویب گردید، بعدها برای زمامداران و قدرتمندان مشکل ایجاد می‌کند. تا اکنون بین این دو دیدگاه مانده‌ام، این راه را دکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی نیز پیش گرفته است، بارها برایش گفته‌ام که این مشکل باید حل گردد، اما به نتیجه نمی‌رسیم، می‌خواهم بگویم که مارشال مرحوم در داشتن این دیدگاه تنها نبوده است، بلکه پس از مارشال فهیم کسان دیگری به شمول

دکتر عبدالله عبدالله دیدگاه مارشال را دوام دادند و هنوز می‌دهند. این مقایسه را در میان این دو دیدگاه جوانان کنند که کدام سبک تر و کدام آن سنگین تر می‌باشد.

مارشال کشور از نظر شخصیتی شجاع بود، یعنی کمتر انسانی شجاع به مانند او پیدا می‌شود، او شجاع به معنای واقعی کلمه بود. پس از کودتای ۱۳۷۲ خورشیدی مارشال فهیم ضمن داشتن وظایف دیگر فرمانده دفاع از کابل بود و من رئیس آژانس اطلاعاتی باختر بودم، هر روزی که خبر می‌رسید که مثلاً دشمن از فلان خط و یا موضع حمله می‌کند، بیشتر اوقات مارشال فهیم شب‌هنگام به آن موضع می‌رفت و خواب می‌شد. کمتر فرمانده را با چنین اوصاف می‌توان یافت، یک‌بار نه بلکه بارها چنین کرده بود.

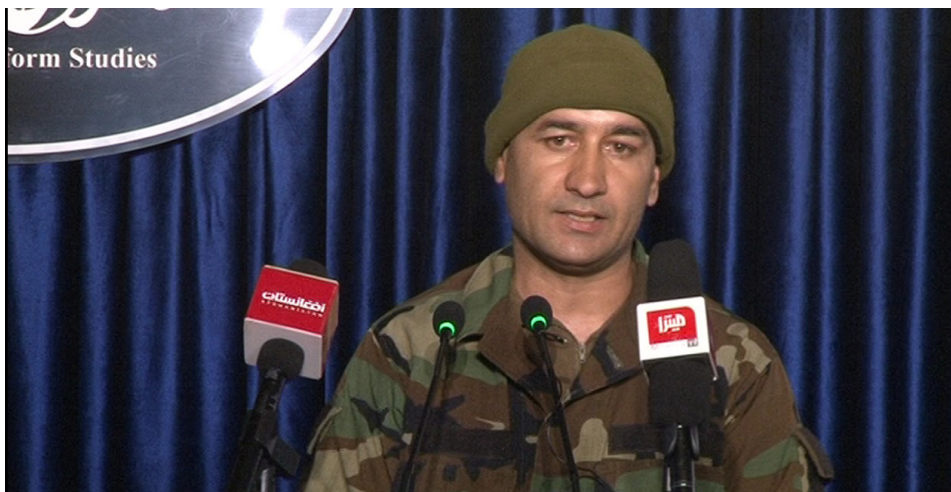
یکی دیگر از اوصاف شخصیتی مارشال افغانستان این است که او بی‌عقده بود، انسان کینه‌دل نبود. می‌دانید که در جریان جنگ و تعاملات سیاسی برای انسان بسیار جذر و مدها، خوشی و خفه‌گی‌ها پیش می‌آید، اما او در هر شرایط کینه نمی‌گرفت و بسیار به‌زودی می‌بخشید، انسان‌های اندکی با دل فراخ مثل مارشال کشور هستند.

در میان هم‌قطارانش هیچ شخصی مثل مارشال فهیم سخی و جوان‌مرد نبود، پول در جیبش اصلاً باقی نمی‌ماند، همه را مصرف دوستان و یاران می‌کرد، اما دیگران "تف کرده و گره می‌زنند". مارشال فهیم خلاف آن چه که در موردش می‌گویند او پولدار نبود، بارها دیده شده که در قطار آدم‌های عادی بوده و یک دوست می‌دید که کم خرج است، از جیبش پول می‌کشید و برایش می‌داد، مثل حالا انتقال پول از طریق بانک نبود.

مارشال فهیم خود را مسئول افغانستان می‌دانست، با همه مردم افغانستان عشق می‌ورزید و خود را کلان شمالی و جنوبی، شرقی و غربی می‌دانست. در یک سخنرانی گفتم که پس از مارشال فهیم احساس بزرگی را از دست دادیم. او در بالا می‌نشست و همه را برای مشورت جمع می‌کرد، همه اطاعت می‌کردند. اما حالا کسی نیست که همه را برای نشست مشورتی خبر دهد، این نوع افراد با خود می‌گویند که شاید حرف مرا قبول نکنند و به خود اعتماد ندارد، اما مارشال احساس کلانی داشت و مطمئن بود که مردمش در اطرافش جمع می‌شوند و از او اطاعت می‌کنند، به همین خاطر راجع به افغانستان و هر چیز در کشور احساس مسئولیت می‌کرد، این حرف کوچکی نیست.

سایر شخصیت‌های ما تمام امکانات مانند رتبه، موتر، پول، مهمان‌خانه... دارند، ولی در دل احساس کوچکی می‌کنند و نسبت به حوادث بی‌غم‌باش هستند، در حالی که مارشال افغانستان این‌طور نبود. او احساس مسئولیت و بزرگی می‌کرد، دیگران را می‌خواست و با آن‌ها در مورد قضا یا مشورت می‌کرد، نتایج مشورت‌ها حرف دیگری‌ست. سخن آخر این‌که خصایص مارشال کشور چیز اندکی نیستند.

به سلامت و سربلند باشید



مارشال افغانستان کشتی در حال غرق شدن جبهه مقاومت را نجات داد

دگروال معین اسلام پور - استاد دانشگاه نظامی مارشال فهیم

بسم الله الرحمن الرحيم. سخنرانی در مورد شخصیت بزرگ مانند مارشال افغانستان بسیار مشکل است به خصوص توسط یک افسر کوچک ارتش، اما تا آن جایی که من هم‌روزگار مارشال مرحوم بوده‌ام و افتخار دارم که قبل از شهادت قهرمان ملی کشور و نیز پس از شهادت آن مرد بزرگ زیر زعامت مارشال فقید یک واحد کوچک نظامی را مدیریت کرده‌ام، به این لحاظ نکاتی را خدمت شما عرض می‌کنم.

در خطوط مقدم جبهه بودیم که حادثه تکان‌دهنده تاریخی به وقوع پیوست، تمامی رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های استخباراتی و مخابراتی دشمن تبلیغات گسترده‌یی را انجام دادند که احمدشاه مسعود شهید شده و جبهه مقاومت از بین رفته است. از این بابت یک نوع اضطراب و نگرانی بسیار جدی در میان صفوف مقاومت‌گران به میان آمد، اما مارشال فهیم این مرد بزرگ برخلاف همه تبلیغات و تبصره‌های داخلی و خارجی کشتی در حال غرق شدن جبهه مقاومت را نجات داد.

تبصره‌ها و محاسبه‌های پاکستانی‌ها این بود که مرگ قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود میخ محکمی بر تابوت جبهه مقاومت است در حالی که مارشال کشور کاروان مقاومت را به ساحل پیروزی رساند و بسیار خوب مدیریت کرد. چند ویژه‌گی مهم مارشال کشور را فهرست کرده‌ام که خدمت شما ارائه خواهیم کرد. مرحوم مارشال فهیم جبهه مقاومت را پس از شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی

کشور در برابر تهاجم نابرابر و گسترده، در برابر مثلث شوم و پلید تاریخ و در برابر تهاجم پاکستانی، القاعده و طالب بسیار خوب مدیریت کرد.

یکی از آن ویژه‌گی‌ها صداقت او بود، صداقت در رفاقت، وقتی که او با کسی رفیق و دوست می‌شد هیچ‌گونه تفاوت و تفوق را در میان دوستانش به میان نمی‌آورد. به‌طور مثال من کوچک که رفیق مارشال می‌بودم با آن وکیل و وزیر در نگاهش یک‌سان بودم. بر بنیاد سخن حضرت علی که می‌گوید خیلی انسان‌ها در انتخاب دوست مشکل دارند، اما ضعیف‌تر از او کسی است که وقتی دوستی را بر می‌گزیند دوباره او را از دست می‌دهد، مرحوم مارشال دوستی را که برگزیده بود هیچ‌گاه از دست نداد، مارشال تا آخرین روزهای حیاتش با دوستانش صمیمی و صادق بود.

گزینه بعدی که به عنوان ویژه‌گی شخصیتی مارشال مرحوم عنوان می‌شود، جسارت او بود. همه شما به‌خاطر دارید و خودم در دوره مقاومت از طریق رسانه‌ها شنیدم که جورج بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که نیروهای مقاومت قطعاً نمی‌توانند داخل کابل گردند، ورودشان ممنوع است، اما جسارت عمل، صداقت و عقلانیت سیاسی مارشال فهمید بود که با ایجاد و افزای کمربندها و سپرهای دفاعی و امنیتی نیروهای مقاومت را داخل کابل کرد و با تدابیر شدید امنیتی امنیت مردم در کابل را تأمین کرد و با خرد و عقلانیت سیاسی برای جامعه جهانی و به آمریکا پیام داد که شعار ما برادری، برابری، وحدت، هم‌سویی و همدیگرپذیری است، سینه ما برای پذیرش باز و فراخ است.

اقتدار ثابت و متوازن، پس از این که مرحوم مارشال در دور دوم کنار زده شد و یا اراده خودش بود که از قدرت کنار رفت همه اقتدار سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کرد.

استقلال عمل، مرحوم مارشال کشور از استقلال عمل برخوردار بود. او در بند هیچ سلیقه سیاسی، قومی و فردی گیر نماند و قاطعانه عمل کرد. مهم‌ترین مسأله برای یک فرد مدیریت خودی است. دشوارترین نوع در تئوری‌های مدیریتی مدیریت خودی است، بسیاری از انسان‌هایی را شما دیدید که در کنش‌ها و واکنش‌ها از کوره در رفتند و حتا نتوانستند خودشان و احساسات‌شان را مدیریت کنند. او مدیریت خودی داشت و بر احساسات و عواطفش حاکم بود.

توازن در حرف و عمل، مارشال افغانستان حرفی را که می‌گفت به آن عمل می‌کرد.

تعهد زمانی، چیزی را که می‌گفت و وعده می‌داد مطابق به زمان موعوده به آن عمل می‌کرد.

یکی از بحث‌ها این است که پس از مارشال چه اتفاقاتی رخ داده است، هر زمانی که کشور به بحرانی دچار می‌شد، نابه‌سامانی و فضای آشفته‌یی که در افغانستان به‌میان می‌آمد، بزرگ‌ترین تکیه‌گاه مارشال افغانستان بود و او فضای آشفته را مهار کرده و سامان می‌داد. اما در فضای آشفته امروز دچار نابه‌سامانی‌های بسیار زیادی هستیم که جایش خالی است.

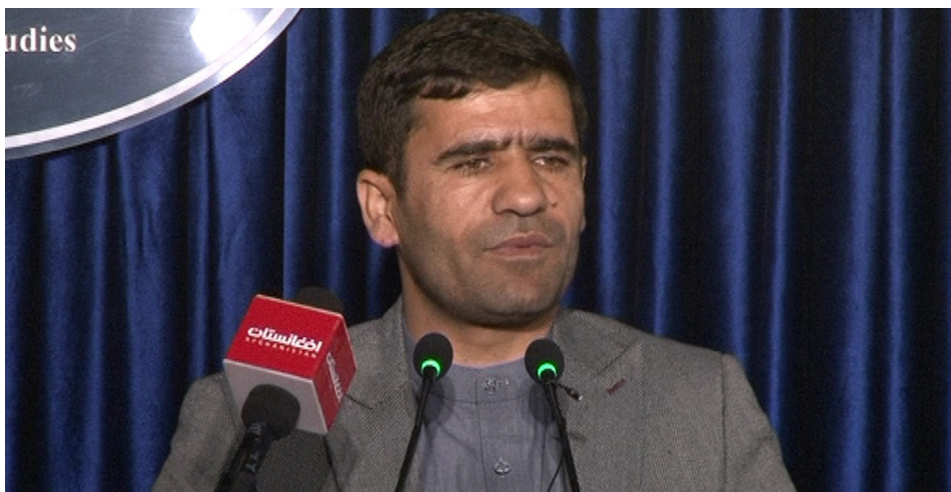
به عنوان یک جوان طرح موزیمی را به عنوان موزیم مرحوم مارشال مطرح می‌کنم. اعمار موزیم ملی مارشال کشور که در شرایط کنونی برای نسل نو و پس از ما اشد ضرورت است تمام ابزارهای نظامی و کاری مرحوم مارشال به موزیم انتقال گردد. مورد بسیار مهم در این مسأله انتخاب مکان مناسب برای اعمار ساختمان موزیم با درنظرداشت فضای توریستی‌یی که نیاز است در نظر گرفته شود. یکی از گزینه‌هایی که شامل طرح موزیم مارشال است، اتاق فکر مارشال می‌باشد که باید همه

شخصیت‌ها و نویسنده‌ها نیاز به بررسی بسترهای فکری مارشال دارند. نسل‌های پس از ما در فاصله زمانی که قرار گرفته‌ایم به لحاظ تحقیق موردی و تحقیقی که پیرامون شخصیت مارشال نیاز است دچار چالش‌های بعدی نشوند. مجموعه‌یی از نویسنده‌های رسالت‌مندی را جمع کنیم که مقالات تحقیقی و پژوهشی تهیه کنند و در این اتاق فکر سالانه مواد زیادی را داشته باشیم.

نگران قهرمان ملی کشور نیستیم زیرا در داخل و در خارج از کشور مواد زیادی موجود و کارهای زیادی انجام شده است، اما با وجود این که در فرایند چهارمین سالیاد مارشال افغانستان قرار داریم و فاصله زیادی از زمان وفات او نداریم، بازهم نیاز است تا برنامه‌های جدی در این زمینه داشته باشیم.

به عنوان دانشجویی که در دانشگاه کابل در مقطع فوق لیسانس درس می‌خوانم و سایت‌های الکترونیک زیادی را سر می‌زنم هنوز یک مقاله مقایسه‌ای که مارشال خود را در تناسب با مارشال‌های دنیا در تناسب با یوشیمن، سوسمن، راسمن، تیتو...، بررسی کنیم که چه نقاط قوتی را مرحوم مارشال ما دارد، چنین مقاله معیاری و استاندارد را ندیده‌ام، امیدوارم تا در این زمینه تلاش‌های زیادی صورت گیرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



مارشال فهیم از پایه‌گذاران اصلی نظام نوین افغانستان شمرده می‌شود

سید عبدالله هاشمی - رئیس مجمع ملی جوانان افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. درود می‌فرستیم به روح همه شهدای افغانستان. از رهبری کانون اصلاحات و جوانان عزیزی که همایش امروز را به مناسبت چهارمین سالیاد رحلت مارشال محمدقسیم فهیم برگزار کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

یقیناً مارشال فهیم مرد شجاع، نستوه، سنگردار، عمل‌گرا، تدبیر و سیاست بود. مارشال از آوان جوانی تا زمانی که رخت سفر بست و جهان فانی را وداع گفت، بزرگترین تصامیم کلان ملی را در دو برهه تاریخ معاصر افغانستان اتخاذ کرد:

مرحله اول، پس از شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود دوره تاریخ، سخت و دشواری که فضای ساحات مقاومت را غبار گرفته بود، هیچ امیدی برای پیروزی مقاومت هم در بین مقاومت‌گران و نیز در بین کشورهایی که نیروهای مقاومت را به رهبری قهرمان ملی کشور حمایت می‌کردند وجود نداشت. در چنین شرایط دشوار زعامت جبهه مقاومت را به عهده می‌گیرد و آن را به ساحل پیروزی می‌رساند.

مرحله دوم، مارشال فهیم در رأس نیروهای مجاهدین و مقاومت‌گران فاتحانه وارد کابل شد و مسئولیت تأمین امنیت پایتخت و دفاع از مردم کابل را در برابر یک جنگ تحمیلی بر عهده داشت.

مرحله سوم تصمیم‌گیری مارشال فقید، نماینده سیاسی و فوق‌العاده جورج بوش در میدان هوایی بگرام به سران مقاومت خطاب می‌کند و دستش را به طرف استاد برهان‌الدین ربانی شهید دراز می‌کند و می‌گوید که وقت این آقا تمام شده است و شما نمی‌توانید وارد کابل شوید. مارشال فهیم به این باور بود، ننگی که بالای مقاومت و مردم افغانستان گذاشته شد و طالبان به حمایت کشور پاکستان نیروهای مجاهدین را از کابل بیرون راندند و باید با قامت استوار آن ننگ را از شان‌ها برداشته وارد کابل شویم که چنان کرد.

مارشال فهیم با متانت نیروهای مقاومت را رهبری و برای بار دوم کابل را فتح کرد. در کتاب جنگ در بوش امریکایی‌ها می‌گویند که کسی به نام فهیم سرکش و متمرّد است و در مقابل امریکایی‌ها مقاومت کرد و وارد کابل شد.

مرحله چهارم تصمیم‌گیری، انگلیس‌ها بدون موافقت رهبری جبهه مقاومت نیروهای پیاده‌شان را وارد میدان هوایی بگرام کردند. زمانی که مارشال اطلاع حاصل کرد که قطعات کوماندوی انگلیس‌ها وارد خاک افغانستان شده‌اند، فرمانش در این شرایط این بود که از همان (کانتینر)‌هایی که پیاده شده‌اند، دوباره در همان کانتینرها داخل شده و از افغانستان بیرون شوند. سیاستمداران کشور می‌دانند، اگر با دیپلمات‌های انگلیس‌ها مواجه شوید، متوجه می‌شوید که در مغز این‌ها صد فکر منفی خطور می‌کند؛ تمام مصیبت‌هایی که در کشورهای منطقه و دنیا دامنگیر مردم شده است عامل اصلی آن انگلیس‌ها بوده‌اند آن هم با توجه به سیاست‌های کلانی که آن‌ها دنبال می‌کنند.

مرحله پنجم، در رابطه به نظام‌سازی در افغانستان و تعهدی را که با قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود داشت، برای نظام‌سازی و تسلیم قدرت به مردم افغانستان و ایجاد نظام با اراده مردم این کشور از هیچ تلاشی دریغ نکرده و تعهدات را عملی کرد.

بارها به عنوان خاطره از زبان مارشال کشور این را شنیده‌ام که می‌گفت، گاهی می‌شد با مسعود شهید تنها می‌بودیم و او درد دل می‌کرد و می‌گفت که نشود در برابر مردم و تاریخ مسئول قرار بگیریم و آن هم این که نظامی که متعلق به مردم افغانستان است به یک گوشه‌یی از کشور انتقال دهیم. فهیم‌خان! اگر من شهید شدم شما مسئولیت دارید تا نظام را به مردم افغانستان تسلیم کنید و مردم خود در قسمت زعامت کشور تصمیم بگیرند، اگر شما شهید شدید من این امر را انجام داده و به مردم تسلیم می‌کنم. این جاست که مارشال فهیم به یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های تاریخ سیاسی افغانستان و یکی از پایه‌گذاران اصلی نظام نوین افغانستان شمرده می‌شود.

مرحله ششم، مارشال فهیم ایجادگر اردوی ملی نوین افغانستان و احیای مجدد قوای مسلح کشور بوده و نیز نقش ارزنده‌یی را در این راه بازی کرده است.

مرحله هفتم، دور شدن مارشال کشور از بدنه نظام و قدرت سیاسی او می‌باشد. مارشال فقید مدت پنج‌سال در خانه‌اش سنگین و با وقار نشسته و تمکین کرد و به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. او یکی از چهره‌هایی بود در حالی که به شکل اپوزیونی جبهه ملی افغانستان را شکل داد، اما نظام را به شکل قوی حمایت کرد. هیچ سیاستمداری را در افغانستان سراغ نداریم که وقتی از قدرت دور شد در موارد مختلف مسائل دست نزده باشد و باعث درد سر نشده باشد.

خاطره‌یی را خدمت‌تان می‌گویم، پانزده روز پیش از رحلت مارشال کشور در مجلسی که جمعی از دوستان نیز حضور داشتند، همیشه مرا «پیر» خطاب می‌کرد، برایم گفت که پیر وقتم به اتمام رسیده، می‌روم، ولی دو نفر برایم پیدا کن تا خاطراتم را بنویسند. گفت، یک خاطره را قصه می‌کنم که بر می‌گردد به نیمهٔ زمان دورهٔ انتقالی، وزیر دفاع روسیه از من دعوت کرد که به آن کشور سفر کنم. به آقای حامد کرزی گفتم که احتمالاً از طرف آقای پوتین رئیس‌جمهور روسیه باشد، اما نظر به عرف دیپلماتیک از طرف وزیر دفاع آن کشور دعوت شده‌ام. وقتی که به روسیه رسیدیم، وزیر دفاع روسیه در میدان هوایی سن‌پترزبورگ از من پذیرایی کرد. از او پرسیدم که برنامه چیست؟ گفت که شما از طرف آقای پوتین دعوت شده‌اید، امشب مهمان من استید و فردا به مسکو می‌رویم.

فردا وقتی که به مسکو رسیدیم، آقای پوتین از دروازهٔ قصر کرملین از من استقبال کرد. آقای پوتین از من پرسید که در افغانستان چه گپ‌هاست و احساس نکریدید شما را برای چه دعوت کرده‌ام؟ برایش گفتم، احساس می‌کنم که حتماً موضوع مهمی است که شما دعوت کردید. پوتین یک ماه پیش آقای جورج بوش به روسیه آمد و موضوعی را مطرح کرد و آن این که ما مهره را در افغانستان تعویض می‌کنیم، من برایش گفتم که شما با فهیم‌خان و سایر بزرگان و رهبران این کشور مشوره کرده‌اید؟ گفت که نه و گذاشتم که شما مشورت کنید.

من به پوتین گفتم که زلمی خلیل‌زاد را می‌آورند و یا شخص دیگری را؟ او گفت که یا او و یا هم کسی دیگری را. گفتم که قطعاً مخالفم. او گفت که به چه دلیل؟ گفتم که افغانستان کشور سنتی است و چهار دهه می‌شود که در آتش جنگ، بدبختی و بحران به سر می‌برد، حالا در کشور یک نظام به حمایت جامعهٔ بین‌المللی شکل گرفته است، نظامی که همه طیف‌های سیاسی و سایر مردم افغانستان خود را در آیینۀ آن می‌بینند. آوردن یک امریکایی برای زعامت افغانستان زمینه‌ساز یک جنگ دیگری می‌شود که چند دههٔ دیگر مردم این کشور در آتش رنج و بدبختی خواهند سوخت. حامد کرزی کسی است که حداقل پدرش در جهاد و از شخصیت‌های مهم این کشور بوده است و نیز خود کرزی در جهاد این کشور سهم داشته است، کلاه قره‌قل و لباس افغانی دارد، با وجودی که اختلاف سیاسی داریم برای ما قابل پذیرش است.

پوتین گفت، موارد خوبی را اشاره کردید و به یاور خود گفت که به بوش زنگ بزنید که با وی صحبت کنم. پس از چند دقیقه، آقای پوتین گفت که بوش سلام رساند و گفت که به آقای فهیم بگویند زمانی که به کابل رسیدند تیمی را خدمت‌شان می‌فرستم. وقتی که کابل آمد، تیم ۲۳ نفری آمد و هدفه نفرشان از معین‌های وزارت‌های مختلف امریکا به شمول نمایندهٔ خاص رئیس‌جمهور امریکا و قوماندان عمومی قوت‌های ائتلاف در افغانستان بود.

جلسه سه ساعت طول کشید، در خلال این سه ساعت موضوعی را مطرح کردند که آن‌ها در شمال افغانستان سه نفر را دستگیر می‌کنند که گویا قاچاقبران مواد مخدر استند. آن سه نفر شهید مطلب بیگ، آمر صاحب میرعلم خان و بشیر چاه‌آب بودند. من جدی واکنش نشان دادم و گفتم که این‌ها کسانی‌اند که سال‌ها در برابر دشمنان افغانستان مبارزه کرده‌اند و به خاطر آزادی رزمیده‌اند و نتیجهٔ تلاش چنین فرزندان صدیق بوده که در افغانستان نظام کنونی شکل گرفته است. جلسه به هم خورد و من به خانه رفتم. در مسیر راه آقای خلیل‌زاد زنگ زد و گفت که آقای فهیم‌خان کجا استی؟ گفتم که در مسیر برگشت به خانه استم. او گفت، پس من به خانهٔ شما می‌آیم.

خلیل‌زاد به خانه آمد و گفت که آقای فهیم‌خان! شاید امریکایی‌ها هیچ‌کسی را نگیرند، شاید این‌ها را دستگیر کرده و سپس رهای‌شان کنند، شاید هم شما را آزمایش کنند، اجازه دهید تا این کار را انجام دهند. گفتم که قطعاً اجازه نخواهم داد، صاحب این وطن ما استیم نه شما، ما تصمیم می‌گیریم که چه خوب است و چه بد. خلیل‌زاد گفت که از ما و شما نشد، من گفتم که هدف چیست؟ گفت که از امریکا با شما نشد. ما بالای قیمت فکر می‌کنیم و شما به گذشته می‌اندیشید، بناءً شریک خوبی به امریکایی‌ها نیستید.

مارشال کشور گفت که از آن روز تا حالا هشت سال می‌گذرد، یکی از آن سه نفر شهید شده و سایرین نیز نمی‌دانند که ما در خلال پس از آزادی کابل چه مصیبت‌هایی را متحمل شدیم و زحمت کشیدیم. هدف ما این بوده که نظام در کشور شکل بگیرد، مهم این نیست که ما باشیم و یا نباشیم. بلکه مهم این است که در فضای یکدیگرپذیری و همدلی مردم این کشور صاحب نظام، حکومت، صلابت و قدرت باشند.

مارشال فهیم در دورهٔ اخیر زنده‌گی‌اش که در همان مرحله نیز مسائل انتخاباتی مطرح بود، یکی از طرح‌های مطرح شده توسط مارشال کشور ایجاد شورای حمایت از نظام در چارچوب نظام بود. از طرف دیگر، در ماه‌های اخیر زنده‌گی‌اش باورمند به نظام صدارت اجرایی در کشور شده بود تا از این طریق همه طیف‌های مردمی در کشور خود را در آیینۀ نظام ببینند.

دوستان عزیز! امسال در حالی از چهارمین سالیاد مارشال فقید گرامی‌داشت می‌کنیم که روحیۀ همدیگرپذیری و همدلی در پایین‌ترین سطح آن در سطوح مختلف درون نظام و در بیرون آن قرار دارد. به همین منظور چهارمین سالیاد رحلت مارشال فقید با تأکید بر روحیۀ همدلی و همدیگرپذیری گرامی‌داشت شد تا فضای همدیگرپذیری به وجود می‌آید. به‌خاطری که ما به این باوریم قربانی ساختن بخشی از مردم افغانستان و تحمیل کردن خواست‌های یک‌طرفه به مردم افغانستان، همدیگرپذیری در کشور شکل نمی‌گیرد. نیازمند آنیم تا در کشور همه طیف‌ها، گروه‌ها...، در مجموع مردم افغانستان آزادانه بیندیشند و در تصمیم‌گیری‌های کلان مشارکت داشته باشند. آزمون‌های بزرگی که پیشروی مردم ما قرار دارد که عبارت از انتخابات و صلح است، در وحدت و یک‌پارچه‌گی پشت سر بگذرانیم و شاهد افغانستان سربلند و باثبات در آینده باشیم.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته



مونږ د مقاومت په وخت کې وحدت ملی جوړ کړي و

عبدالرزاق قندهاری - د اجرائیه ریاست سلاکار

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم. اما بعد، اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.

زه خبره به پښتو کوم چه ټول خلک د مارشال په اصلیت باندی پوه شي چه مارشال به هره استقامت کې، په هره ژبه، منطقه او ولایت کی ملگری درلودی او دهغه خوی او خصلت ورته معلوم ۰۹۹

په کندهار کې د روسانو په وخت کې چي مجاهدین و مونږ په هغه وقت کې د جمعیت اسلامی او د آمر صاحب شهید احمدشاه مسعود د رهبري لاندی گذاره کول. په ۱۳۷۱ کال کی بیرته کندهار ښار ته راغلو بیا ما د کندهار د قول اردو نماینده شوم.

زه د احمدشاه مسعود شهید په واسطه مارشال صاحب ته معرفی شو او ما کابل ته راغلو چی مارشال صاحب په کابل کی د امنیت وزیر و، هم د مالی وزیر او هم د کابل د دفاع مسئول و، مارشال نو هغه وخت هم مارشالی کول. له هغه نه وروسته تر اوسه پوری مونږ مارشال سره ملگری درلود او پالو. مونږ دعا کوو چی خدای تعالی مارشال صاحب وښی او بازماندگانو ته یی صبر نصیب کړی. الله متعال نورو شهیدانو ته لکه قهرمان ملی، شهید استاد برهان الدین ربانی...، جنتونه نصیب کړی. پروردگار مونږ ته توفیق ورکړی چی داسی په جامعی کی ژوند وکو لکه چي مارشال فهیم کاوه. خدای مونږ ته توفیق ورکړی چی لکه قهرمان ملی ژوند وکو، ما تر اوسه پوري داسی

احساس نه دي کړي چه احمدشاه مسعود ملی قهرمان د پنجشیر ده او زه د کندهار، او داسی مارشال فهیم یا استاد شهید برهان الدین ربانی د بدخشان ده، دا حقیقت ده هغه شیان ده چي ما لیدلی دي.

آمر صاحب شهید سره ما په جبل السراج کی ملاقات درلودی، هغه وویل چي کابل ته چي ورغلو راشه چي مارشال سره تا معرفی کړم. مونږ مارشال صاحب په ریاست جمهوری ولیدل، آمر صاحب مارشال ته وویل که دا د کندهار دي او د مونږ د جمع څخه دي نور تا پوهیږی او دي پوهیږی هر ستونزه چه دي ورسره حل کړه.

ز مونږ په وزارت دفاع کی ستونزه و مارشال صاحب هغه تر څنگه ز مونږ د میلمنو ستونزه په کندهار کې راحلوه، ز مونږ د جنوب غرب حوزي ستونزه حل کاوه. مارشال نه په تنظیم او نه په قوم پسی گرځیده هر څوک چي ما ورته معرفی کاوه چي دا ستونزه لری بیا مارشال د مشکل د حل لپاره عمل کاوه.

مارشال صاحب ته ټول وایي چي دیر سخي و زه هم وایم چي په حقیقت سخي و. مارشال ته د کار کولو وقت کې مهم نه و چي نن رسمیات دي یا نه دي.

مارشال صاحب تل تر لاسرسی و هر ځای ته چه و هر څوک کولی شوه چی هغه سره وگوري او ستونزه یي حل کړی، مونږ هر ډول ستونزه چه په کندهار کې او زابل و او نورو ولایتونو ته چي درلوده مارشال به یي حل کاوه. تل مونږ ته وویل، کله چي زه یم ژوره مه کوي.

کله چي په پنجشیر کې وم ما ولید چي د انورخان ډنگر ورور معروف د آمر صاحب شهید په موټر کې ناسته دي، ما هغه وقت فکر وکړه چي دا کار د مارشال صاحب په واسطه شوي ده، مارشال صاحب ته دا مهم نه و چي څوک تاجیک دي که پشتون یا نور قومونه.

ما ته یو څوک وویل چي د مارشال صاحب څلورم تلین محفل ده ما وویل چي ځوانانو ته معلومات ورکړي چي معلومات یي زیاته شي ما خو شل کال نه زیاد شوي دي چي مارشال سره ملگري یو.

د کال په ۱۳۸۵ کې د کندهار وضعیت ښه نه و طالبان قوې شوي و څو نږدي ولسوالی گانو د طالبانو په لاس کې و، ما هر شپه مارشال صاحب سره له موبایل په واسطه خبري درلودي چه د کندهار اوضاع داسي دي، مارشال صاحب یو روشن شماری درلودي هر وخت چي زنگ هر څوک وهلي نو مارشال صاحب خپله جواب راکاوه. د مارشال رفاقت و ملگرتیا ډیر محکم و چه په سختو شرایطو کې هر څوک کولای شوه چي هغه ته اعتماد وکړي، ما داسی فکر کاوه چي کله چی طالبان کندهار ونیوي نو د مارشال په واسطه وکولای شم چی په یو هلیکوپتر کی دروازي په ما باندي خلاصه شي.

په جمعیت اسلامی د شورای رهبری کی یو مجلس و چه هلته واقف صاحب، شاداب صاحب، دکتر مجددی صاحب موجود و، استاد ربانی دکتر عبدالله عبدالله صاحب ته، محمدیونس قانونی صاحب ته، عطا محمد نور صاحب ته او امیر صاحب اسماعیل خان ته مکتوب ورکړی و. په دی هیأت کی زه هم وم. دوی وویل چی مارشال صاحب مونږ ته یو نماینده معرفی وکه، مارشال صاحب څه وکړه یا څه وویل دلته لازمه نه ده چی ووايو، مارشال صاحب وویل چه تاسو ټول زمونږ استازی

یاست، دوی وویل چي نه یک مشخص استازی معرفی وکړه چي زمونږ حال و احوال تا ته ورسوی. مارشال صاحب ویویل چي نو سمه ده دا خالق خان زما نماینده دی. دوی حیران پاتی شو چي مارشال څه وکړه. مارشال فهیم د افغانستان مارشال و او په ټول افغانستان ته تعلق درلود، مونږ ټول افتخار کوو.

مارشال صاحب د افغانستان خلک ته برنامی درلود او غوښتلی چی ټول قومونو ته خدمت وکړی، قسم په خدای دی چی ما هیڅکله دا احساس ندی کړی چی مارشال د یو خاص قوم سره اړه درلوده، مارشال فهیم ټول افغانستان سره اړیکه درلود.

خدای تعالی مارشال صاحب ته جنتونه ور په برخه کی، پروردگار مونږ د مارشال صاحب پر لار روان کړی چي دغه سی د افغانستان د جوړ لپاره او د مونږ د ملی وحدت لپاره ډیر زحمتونه متحمل شوی دی. دا هم یاد کم چي مونږ د مقاومت په وخت کې وحدت ملی جوړ کړي و.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

کاروان نور



مارشال افغانستان به مسلمان بودن و مجاهد بودن خود افتخار می‌کرد

دکتر ایاز نیازی - عالم دین

الحمد لله على سيدنا رسول الله و على آله و اصحابه و من و لا و بعد. فاعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. توبه/۷۱

ترجمه: مردان و زنان مومن اولیاء یک‌دیگر اند، امر به معروف کرده و نهی از منکر می‌نمایند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و رسولش اطاعت می‌کنند، آنان‌اند که خداوند به زودی آن‌ها را مورد رحمت خود قرار می‌دهد، بدرستی که خدا مقتدر و درست‌کردار است.

برادران و خواهران گرامی! السلام علیکم و رحمة الله و بركاته! شکرگزاریم در شرایطی که جوانان ما مورد انواع تهاجمات سیاسی، دینی، نظامی، وحشت، انفجار و انتحار، فقر و بیچاره‌گی قرار دارند به لطف خدا می‌بینیم که این‌ها اعم از خواهران و برادران دست به دست هم دادند و با خدای خود تعهد می‌کنند که راه، مکتب، اندیشه و فکر بزرگانی مثل مارشال افغانستان را که به جا گذاشته است تعقیب می‌کنند و به قیمت جان و وقت خود تا زنده‌اند از این راه حمایت می‌کنند، این موفقیت را به جوانان تبریک می‌گوییم.

در ارتباط به مجاهد بزرگ و شخصیت فقید ما مارشال افغانستان چند نکته را عرض می‌کنم، تأثیرگذاری و وزن مارشال فقید زمانی به ملت مسلمان افغانستان ثابت شد که سپهسالار جهاد، قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود به شهادت رسید. به نظرم اکثریت مطلق مردم به این نظر بودند که این خط (جبهه مقاومت) از هم می‌پاشد. حمل این مسئولیت بزرگ کار خیلی دشوار بود، ولی الله متعال انسانی را که با داشتن عزم متین، با ایمان قوی، با تعهد و به باور آهنین می‌گمارد و این مسئولیت را می‌پذیرد و تا وقتی که در قید حیات است به منزل مقصود می‌رساند.

در روزهای عید همیشه به دیدن و احترام مارشال کشور می‌آمدم، همواره می‌گفت که پیش از هر مورد من یک ملا و مجاهد استم، کسی استم که از دارالعلوم عربی کابل علم را فراگرفتم و پس از آن به سنگر جهاد سوق شدم.

دو صفت مارشال افغانستان بسیار بارز بود، او با شخصیت محکمی که داشت و نسبت آهنین او به جهاد، فکر جهاد، فکر اسلامی و تدین او هیچ وقت برایش فرصت نداد که به عنوان یک شخصیت نظامی به خود ببالد، همیشه به صفت یک شخصیت اسلامی، مجاهد و به جهاد و افتخارات سنگر خود می‌پالید. گاهی که شوخی می‌کرد و در شوخی‌هایش تواضع و فروتنی نیز دیده می‌شد. مارشال فهیم واقعاً انسان دوست‌داشتنی بود، صحبت‌های پیش از رحلتش هر جمله‌اش مرحم‌هایی بالای زخم‌هایی بود که باعث ازهم‌پاشی ما می‌شد. الله متعال غریق رحمتش کند، یادش زنده، مکتب و فکرش همیشه تابنده باشد.



مارشال افغانستان باعزت از دنیا رفت

مولوی قطب الدین - رئیس شورای علمای کاروان نور

الحمد لله رب العالمين و لصلات و السلام على سيد الانبياء والمرسلين نبينا محمد و على اله و اصحابه اجمعين. اما بعد قال الله تبارك و تعالى فى القرآن الكريم. اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ. بقره/۱۳۴

ترجمه: اینها گروهی بودند که گذشتند و هر چه کردند نتیجه‌اش برای خودشان می‌باشد و آن‌چه شما می‌کنید نتیجه‌اش هم برای خودتان می‌باشد و از آن‌چه آنان می‌کردند از شما سوال نمی‌شود.

در گذر از جلوه‌های رنگ رنگ
خویش را دریاب از ترک فرنگ
گر ز مکر غریبان باشی خبیر
روبهی بگذار و شیری پیشه گیر
چیست روباهی تلاش ساز و برگ
شیر مولا جوید آزادی و مرگ
بندهٔ آزاده را شأن دگر

مرگ او را می‌دهد جان دگر
در گذر مثل کلیم از رود نیل
سوی آتش گام زن مثل خلیل
اقبال لاهوری

گردهمایی امروز به مناسبت سالروز ارتحال یکی از شخصیت‌های علمی و سیاسی کشور مارشال محمدقسیم فهیم است که بدون شک خلای او پر نخواهد شد.

یقیناً مبارزات این مردان بزرگ برای ساختن یک نظام اسلامی به تمام معنا بود، این مردان بزرگ برای تطبیق این امر جان‌فدایی‌ها کردند. جهاد امر مبارکی است، مجاهد هم از لحاظ منطق اسلام به کسی گفته می‌شود که فداکاری‌ها و ایثار دارد، خون خود را برای زنده ماندن ملتش اهدا می‌کند. در همه‌جا نوشته می‌شود که شهید قلب تاریخ است، همان طوری که قلب به رگ‌های بدن خون می‌رساند، شهید هم خون خود را به پیکر جامعه‌ی مرده می‌رساند تا این جامعه را زنده سازد. جامعه‌ی که از لحاظ تمام ارزش‌ها مرده باشد، می‌خواهد با خونس آن را زنده کند.

حضار گرامی! مبارزاتی که رهبران مسلمان و یا غیرمسلمان کرده‌اند و ثبت تاریخ شده است سه نوع می‌باشد که عبارت‌اند از مبارزات علمی و عملی، مبارزات احساساتی و مبارزات ضرورتی. در این میان مبارزات احساساتی و ضرورتی نتیجه می‌دهد، اما مقطعی و کوتاه‌مدت، گاهی هم نتیجه نمی‌دهد. طوری که فکر می‌کنم بزرگان ما مبارزات این‌چنینی داشتند چرا که به نتیجه‌ی کوتاه‌مدت رسیدیم. مبارزه‌ی دیگر مبارزه‌ی علمی و عملی است که رسول الله و صحابه‌ی کرام داشتند. این نوع مبارزات به صدها قرن دوام پیدا می‌کند.

هر انقلابی که صورت می‌گیرد دو چهره می‌داشته باشد که یکی چهره‌ی خون و دیگر چهره‌ی پیام در کشور ما چهره‌ی خونس دیده شده است، خون‌های زیادی ریخته شد، مردم بی‌چاره شد، آواره شد، معیوب شد، معلول شد، یتیم و بیوه شد، اما چهره‌ی پیام این انقلاب در وطن ما دیده نشده است تا نتیجه‌ی دینی و اسلامی از آن می‌گرفتیم. معاملاتی در این زمینه صورت گرفت، ارزش‌های جهاد و مقاومت مردم عزیز افغانستان را برای تأمین خواهشات نفسانی و منافع شخصی فروختند که این نوع انسان‌ها در دنیا و آخرت ذلیل هستند. در اسلام این کار جایگاهی ندارد که سی و پنج میلیون انسان مبارزه کند ولی حق این همه انسان‌ها را صد نفر بخورد، این‌ها در پیشگاه الله متعال جوابگو هستند. خوشا به حال شخصیت‌هایی هم‌چون مارشال کشور ما که باعزت از دنیا رفتند.

خوشا آنان که باعزت ز گیتی
بساط خویش برچیدند و رفتند
ز کالاهای این آشفته‌بازار
محبت را پسندیدند و رفتند

برای ساختن یک جامعه‌ی اسلامی سه قوه نیاز است، قوه‌ی علم علما و دانشمندان، آن هم علمایی که به‌خاطر الله متعال کار کنند نه به منظور پول و منافع شخصی، قوت دیگر مال‌تجار و سرمایه‌دارها و

دیگر این که قوت و نیروی حکام و قدرتمندان همه یکجا شده و یک نظام درست و منظم بسازند. خیلی‌ها دعا می‌کنند که خدایا این نظام و یا این حکومت را سرنگون کن، به نظر من دعا نکنید، بلکه زمانی که به پای صندوق‌های رأی می‌روید به علما و دانشمندانی که جامعه، منطقه و جهان را می‌شناسند و دید کلان دارند و در مورد سیاست روز می‌دانند مشورت کنید، سپس رأی داده و سرنوشت خود را مشخص کنید. اما مردم از شخصیت‌های آگاه و علمای واقعی برای انتخاب زعیم و نماینده‌گان‌شان مشورت نمی‌گیرند. خودشان هم آگاهی و درک کامل برای انتخاب شخص مناسب ندارند. مردم با انگشتان خود کسی را به کرسی می‌نشانند و بعد دعا می‌کنند که خدایا او را نابود کن.

خدا آن ملتی را سروری داد

که تقدیرش به دست خویش بنوشت

به آن ملت سرو کاری ندارد

که دهقانش برای دیگران کشت

سخنان خود را خلاصه می‌کنم این که هر قدر مردم ما در فقر زنده‌گی می‌کنند، حتا با یک لقمه نانی بسازیم، ولی باید زحمت بکشیم و از نظر علمی به سطح دکترا برسیم. بزرگان می‌گویند که جواب سنگ به کلوخ داده نمی‌شود، سطح علمی کشورهای غربی و سایر کشورها تا دکترا است، اما جوانان ما دوازده سال مکتب که خواندند، می‌گویند همه چیز را یاد گرفتیم. در یک جلسه‌ی برای علما پیشنهاد کردم که علما باید زبان انگلیسی بیاموزند و برای مطالعه آفاقی تورات و انجیل بخوانند. روزی می‌شود که مبلغین مسیحی به کشور ما می‌آیند و از قرآن معلومات ارائه می‌کنند و علمای ما از کتاب آن‌ها کلمه‌ی نمی‌دانند.

الله متعال روح شهدا و شخصیت‌های امت اسلامی را که از دنیا رحلت کرده‌اند شاد داشته باشد و رحمت‌شان کند.

مارشال‌شدن مسند پیامبری نیست که کسی دیگر نتواند به آن برسد، جوانان ما می‌توانند در آینده مارشال شوند، اما در صورتی مارشال می‌شوند که زحمت بکشند. مارشال کشور به آسانی مارشال نشده بود، بلکه یک عمر در این وطن جان‌فدایی، تلاش و مبارزه کرده بود که مارشال یک کشور شد. شما هم می‌توانید مارشال این کشور گردید، اما به شرطی که شهامت و مردانه‌گی این بزرگان را شما نیز داشته باشید و توانمندی آن‌ها را شما نیز پیدا کنید.

خواهران و برادران گرامی! هستند کسانی که در این کشور به تعصبات قومی، زبانی، مذهبی...، برای رسیدن و بقای منافع‌شان دامن می‌زنند، اگر به این سیستم که فعلاً حکومت‌داری ظلم و فساد داریم این نظام ادامه پیدا کند، خدا هیچ‌کسی را به این مقام و منصب نرساند. اگر الله متعال برای ما حکومت‌داری و نظام را می‌دهد، برای ما توفیق نصیب کند که حکومت عمری را بنا نهیم. اسلام حکومت بادار بالای مردم نمی‌خواهد بلکه از ما حکومت مسئول می‌خواهد که در برابر خدا و مردم مسئول باشیم.



اگر به جای مارشال فهیم شخص دیگری بود افغانستان تجزیه شده بود

محمد اظهر منصورى - رئیس انجمن اجتماعی کاروان نور

بسم الله الرحمن الرحيم. امروز به یادبود از رحلت یگانه مارشال افغانستان گردهم آمدیم. وقتی که تاریخ افغانستان را پس از شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود مطالعه می کنیم، پراکنده گی در میان نظامیان جبهه مقاومت به میان می آید. در این میان جز مارشال محمدقسیم فهیم کسی دیگری جرأت پذیرفتن مسئولیت بزرگ جبهه مقاومت را ندارد، این بار مسئولیت زمانی بالای شانهايش می افتد که افغانستان فاقد یک نظام سیاسی...، است و کشور در وضعیت نابه سامانی قرار دارد، اینجاست که مارشال افغانستان با متانت و تعقل و دوراندیشی جبهه را مدیریت کرده و به پیروزی می رساند.

در زمان تصرف کابل تأمین امنیت کرده و به کسی آسیبی نمی رسد. در نظام سازی و حکومت داری گام بر می دارد و انتقال قدرت به شکل صلح آمیز صورت می گیرد. نظام ساخته می شود و اردوی ملی جدید افغانستان را ایجاد می کند. بیش تر روی ساختن قانون اساسی تأکید کرد تا همه مردم کشور را گردهم جمع کند چرا که در آن زمان دماغ بسیاری از فرماندهان جهادی را بوی باروت تخریش می کرد، از سیاست معلومات چندانی نداشتند و احساساتی برخورد می کردند. مارشال محمدقسیم فهیم بود که همه را گرد هم جمع کرد و یک نظام را به نام «جمهوری اسلامی افغانستان» ساخت و خط مشی را به ما جوانان گذاشت.

وقتی که تقوای دینی و سیاسی مارشال افغانستان را به مطالعه می گیریم، در بُعد تقوای دینی اش

کمتر از انسان‌های پاک نبود هم‌چنان در بُعد تقوای سیاسی او که نگاه می‌اندازیم از خدعه و فریب نفرت داشت و هیچ‌گاه کوشش نمی‌کرد در سیاست‌هایش دروغ بگوید، هر آن چیزی را که می‌گفت به آن عمل می‌کرد.

مارشال افغانستان همیشه تلاش می‌کرد نظامی در افغانستان حاکم باشد که قانون اسلام حاکم بوده و نقش مجاهدین در آن پر رنگ باشد و مجاهدینی که از افغانستان در مقابل قشون سرخ شوروی وقت، طالبان و القاعده دفاع کرده‌اند تقدیر شده و در حکومت شامل باشند. او هیچ‌گاه نخواست که نقش مجاهدین در نظام کم‌رنگ گردد.

در ارتباطات با اقوام کشور بیش‌تر به اقوام دیگر افغانستان نسبت به قوم خودش توجه می‌کرد و در این کار نشان می‌داد تا زمانی که در افغانستان همدیگرپذیری نباشد در این کشور ثبات نخواهد آمد.

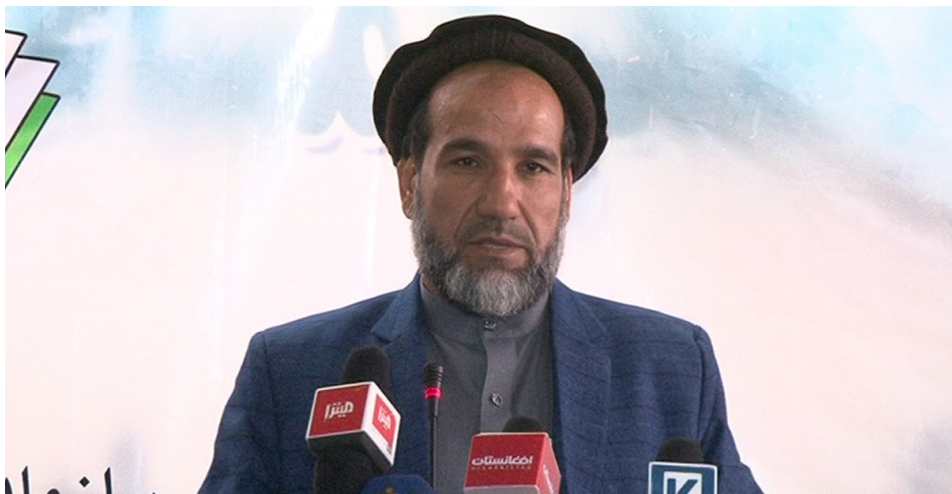
زمانی که خارجی‌ها پیشنهاد تجزیه افغانستان را می‌کنند، او می‌گوید که من مربوط به همه مردم افغانستان استم، برایم سنگ هلمند و لعل بدخشان یکی‌ست، اگر به‌جای مارشال محمدقسیم فهیم کسی دیگر می‌بود، افغانستان تجزیه شده بود. نظامی را که امروز داریم از تلاش‌ها و قربانی‌های این ابرمرد تاریخ کشور است و قربانی‌های او همیشه در قلب‌های ما زنده خواهد ماند.

مارشال کشور تلاش می‌کرد تا برای جوانان فرصت مهیا گردد و افغانستان توسط نیروی جوان به فلاح و رستگاری برسد و هم‌چنان هیچ‌گاه از نقش زن‌ها در نظام‌سازی چشم پوشی نکرد، بلکه از تلاش‌های و نقش آن‌ها تمجید کرد که باید در بدنه نظام جایگاه زن‌ها مشخص باشد. در آن زمان وزیران زن نیز در کابینه افغانستان داشتیم و حالا نیز زن‌ها در رده‌های بالای حکومتی کار می‌کنند که همه از تلاش‌های یگانه مارشال افغانستان بود.

هم‌چنان در قسمت داشتن اردوی ملی، پولیس ملی و یک امنیت نسبی که داریم همه از تلاش‌های مارشال کشور بود. نتیجتاً بگویم که وظیفه ایمانی و وجدانی خود را ادا کرد و رفت، اما امروز مسئولیت ما و شما است که چگونه بتوانیم از ارزش‌های اسلامی ما دفاع کنند، چگونه بتوانیم از تهاجم فرهنگی و غربی که علیه ارزش‌های فرهنگ اسلامی وجود دارد جلوگیری کنیم.

تا زمانی که ما دست به قلم نزنیم، کتاب مطالعه نکنیم و درس نخواهیم هیچ‌گاه در مقابل تهاجمات نمی‌توانیم ایستاده گی کنیم. امیدوارم تا مردم افغانستان بخاطر صلح و فلاح کشور همدیگرپذیری را در میان خود رایج کرده و از تعصبات قومی و زبانی دوری کنیم. چالش‌هایی که به وجود آمده است از رده‌های پایین اجتماع نیست، بلکه مربوط به سطوح بالایی کشور شده و نیز دستان خارجی در آن دخیل است، مارشال محمدقسیم فهیم یگانه سد بر سر راه چنین مسائل در کشور بود که هیچ‌گاه نگذاشت مردم کشور و وطن از هم پارچه شوند.

سازمان آرمان



مارشال افغانستان در آزادی وطن نقش تعیین کننده‌ی را بازی کرد

گل حیدر خان - فرمانده جهادی

بسم الله الرحمن الرحيم. مقدم همهٔ مهمانان گرامی را در محفلی که به مناسبت چهارمین سالگرد رحلت مارشال افغانستان برگزار شده است خوش آمدید می‌گوییم. از جوانانی که چنین محافل را برگزار کرده‌اند، سپاسگزاریم.

در مورد ابعاد شخصیت مارشال کشور سخنرانان گفتند و من با چند خاطره‌ی یادش را گرامی می‌دارم.

روزی چند نفر از محافظین قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود در صدارت برای دیدار با مارشال گرامی آمدند، اما از آمدن آن‌ها کسی به مارشال کشور خبر نداده بود، تا این که مارشال فهیم از دفتر بیرون شد در موتر نشست، می‌خواست بیرون شود. برایش گفتم که مارشال صاحب! چند نفر از کماندوهای آمر صاحب به دیدن شما آمده‌اند، به یک‌باره گی‌گی گریه کرد و گفت که چه طور مرا از بچه‌های کماندو پنهان می‌کنند؟ از موتر پایین شده و صورت یاسین رانندهٔ احمدشاه مسعود شهید را بوسید و اسم‌های دو نفر دیگر را فراموش کرده‌ام، مارشال افغانستان به اندازه‌ی متأثر شده بود که بسیار بالای اطرافیان خود در دفتر فشار آورد که چرا او را در جریان آمدن کماندوهای آمر صاحب قرار ندادند.

همواره مشکل از بزرگان ما نبوده که مردم گهگاهی شکوه داشتند که بزرگان ما را به حضور نپذیرفت، بلکه از اطرافیان بوده است و ما چنین مشکل را در زمان احمدشاه مسعود نیز تجربه کرده

بودیم، مشکل از بزرگان نبوده بلکه از سکرترهای آن‌ها بوده است.

مارشال کشور شخص عادی نبود، رتبهٔ مارشالی را به آسانی به دست نیاورده بود که شماری از غرب آمده‌اند و با هیچ چیزی در این وطن آشنا نبوده و دیدگاه‌های غیرمسئولانهٔ خود را ابراز می‌کنند. مارشال کشور زحمت‌های زیادی را در دوران جهاد و مقاومت و هم‌چنان در دوران نظام‌سازی پسین متحمل شده بود. از این کشور در مقابل شوروی سابق، القاعده و طالبان دفاع کرده و جوانی خود را در این راه صرف کرده بود.

مارشال فهیم در آزادی وطن نقش تعیین‌کننده‌ی را بازی کرده بود، پس از شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود همه در این فکر بودند که جبههٔ مقاومت شکست کرده و از هم می‌پاشد. روحیهٔ مقاومت‌گران بسیار ضعیف شده بود، در آن وقت نه حرفی از یازدهم سپتمبر بود و نه هیچ چیز دیگر، در این شرایط مارشال فهیم کمر خود را بست و اعلام کرد تا زمانی که یک قطره خون در رگ‌های ما است و حتی اگر یک نفر هم بماند از این وطن دفاع خواهیم کرد. تکرار می‌کنم که در آن وقت حساس هیچ حرفی از یازدهم سپتمبر نبود، نه انگلیسی بود و نه هم امریکایی، در حقیقت طالبان را مقابل مجاهدین همین انگلیس و امریکا کمک کردند.

پس از اتفاق یازدهم سپتمبر چند نفر مشاورین امریکایی به افغانستان آمدند و اعلام کمک کردند، استاد برهان‌الدین ربانی و مارشال کشور مجبور بودند تا در مقابل دشمن از آن‌ها کمک بگیرند. با وجود آن هم دو ماه تمام امریکایی‌ها در شمال کابل بمباردمان کردند و به نتیجه نرسیدند، ولی مجاهدین و مقاومت‌گران بودند که زیر چتر و فرماندهی مارشال کشور و سایر فرماندهان، خط نبرد شکست و داخل کابل شدیم. امریکایی‌ها هرگز نمی‌خواستند که مجاهدین داخل کابل شوند، اما مجاهدین باهمت زیر فرماندهی رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی و مارشال افغانستان به زور وارد کابل شدند. اما پس از آن توطئه‌هایی که امریکایی‌ها در مقابل مجاهدین چیدند، سایر مجاهدین در جریان نبودند.

یک خاطرهٔ دیگر را خدمت‌تان می‌گویم، وقتی جنگ شدید شد طالبان از طرف سالنگ پیش‌روی کردند، برادران کوه‌دامن در خط کوه‌دامن بودند، بنده با برادران پنجشیر در خط غوربند بودم، جنگ به ساحهٔ گلدان رسید یعنی در کاپیسا، از خط کوه‌دامن نیروهای کمکی از طرف امان‌الله گذر با مولانای سیدخیل می‌رسد. دشمن بالای ما در غوربند حمله کرد و شکست خورد و نیز در گلدان تارو مار شدند. از این خطوط که ناامید شدند از مسیر خاواک پنجشیر حمله کردند.

مارشال کشور از طریق هوا با چرخ‌بال در دل دشمن در ساحهٔ خوست فرنگ پایین شد. در این زمان روحیهٔ ما بسیار ضعیف شده بود، در سه ساحه جنگ به شدت ادامه داشت، این جنگ‌ها به‌خاطری بود که از طرف شمالی خط پراکنده گردیده و از مسیر خاواک داخل پنجشیر شوند. این بود که مارشال افغانستان بالای مبارزین خوست فرنگ و اندراب مانند فرزند جمعه خان، لقاخان و مصطفی خان صدا می‌کند، با شنیدن صدای مارشال افغانستان همهٔ قهرمانان به پا می‌ایستند و جنگ آغاز می‌گردد، در نتیجه دشمن شکست می‌خورد، این کار مارشال فهیم نشان‌دهندهٔ غیرت و تقوای اسلامی‌اش بود که در دل دشمن بدون ترس خود را می‌رساند و مبارزه و دفاع را از آن‌جا آغاز می‌کند.

خاطرهٔ دیگر این که زمانی که طالبان کابل را متصرف شده و مجاهدین پروان، کاپیسا و کوه‌دامن به پنجشیر داخل شدند، روحیه بسیار پایین می‌آید و اگر به یاد داشته باشید در مزار شریف سیزده ایرانی

توسط طالبان کشته شده بودند. ایرانی‌ها اعلام می‌کنند که ما به هرات در برابر طالبان حمله می‌کنیم و شما همراه ما داخل نبرد در برابر طالبان شوید. مارشال کشور اعلام می‌کند که ما مردم آزاده استیم و هیچ‌گاه غلامی کسی را نپذیرفته‌ایم. سال‌ها جهاد و مقاومت کرده‌ایم و پیش‌پیش عسکر ایرانی داخل هرات نمی‌شویم. اگر بمیریم در همین‌جا می‌میریم و هیچ‌گاه توسط نیروی خارجی در وطن خود جنگ نمی‌کنیم. این در حالی بود که شمال سقوط کرده بود، پروان و کاپیسا در اختیار طالبان بود، حتا هفت کیلو نمک به قیمت هفت صد هزار افغانی رسیده بود، در چنین وضعیتی می‌گوید که هرگز غلامی کسی را نمی‌خواهم.

شما جوانانی که سالروز درگذشت بزرگان جهاد و مقاومت را گرامی می‌دارید، آفرین به شما، این تاریخ باعزت شماسست که پاس می‌دارید. قوت ما، شما جوانان استید و راه‌تان را بروید. تاریخ شما همین بزرگان است و اگر از این روزهای با افتخار پاس‌داری نکنید، تاریخ‌تان از بین می‌رود.

از بزرگان ما گله داریم که در قبال این روزها سهل‌انگاری می‌کنند، مقبره امیر حبیب‌الله کلکانی را به حال خود گذشته‌اند و کار ساخت آرامگاه شروع نشده است، او شهید و یکی از پادشاهان باعزت این مملکت است که پس از هشتاد سال و اندی نام او به نیکی یاد می‌شود. شما جوانان به دروازه‌های بزرگان ما بروید و بالای‌شان صدا بزنید تا کارهای نکرده‌شان را انجام دهند.

بازهم از برگزارکننده‌گان این محفل تشکر می‌کنم.



سازمان

مارشال فهیم در دفاع از کشور و نظام‌سازی بی‌مانند بود

جنرال صابر آراین - قومندان امنیه نورستان

بسم الله الرحمن الرحيم. حضور شما حضار گرامی سلام درود عرض می‌کنم و سپاس از جوانان بامسئولیت که چنین گردهمایی‌ها را برگزار می‌کنند.

در این محفل که جمع شده‌ایم در حالی که کسی نه نانی می‌دهد و نه پولی. برای بزرگداشت از مردی آمده‌ایم که همه عمر خود را وقف دفاع از وطن، آزادی و نظام‌سازی کرده است. معنویت همین بزرگان است که گردهم می‌آییم و دیدارهایی می‌داشته باشیم.

در قانون ذاتی افسران در قوای مسلح تا رتبه دگروالی میعاد تعیین شده است، اما از جنرالی تا مارشالی که رتبه‌های سیاسی است دیده می‌شود که چه زمانی به چه کسانی تفویض می‌گردد. اگر به سطح دنیا تصور کنید شاید بیشتر از چند مارشال نباشد، من به دو مارشال اشاره می‌کنم، یک مارشال روس‌ها است به نام مارشال زوکوف که در تاریخ نظامی کارنامه‌های مارشال زوکوف خوانده می‌شود، او جنگ شکستن محاصره لنین‌گرا در روسیه را مدیریت کرده است.

اما مارشال افغانستان بزرگترین جنگ را در مقابل نیروهای تروریستی اداره کرده که حالا سی و هفت کشور با آن در جنگ هستند. من آمر انتقالات اکمالات جبهه مقاومت بودم و تمام افغانستان را اکمال می‌کردم. از بلخاب گرفته به استاد محمد محقق تا دره صوف به استاد عطا محمد نور، به داکتر صاحب ظاهر در بامیان و به دره نور به فرمانده ملک زرین، هم‌چنان اکمالات پروان و کاپیسا در شمال کابل، با مارشال افغانستان و احمدشاه مسعود و کارنامه‌های شان آشنایی کامل دارم. کارنامه‌های قهرمان

ملی شهید احمدشاه مسعود، مارشال افغانستان...، در تمام دانشگاه‌های دنیا درس داده می‌شود و از این‌ها نام گرفته شده و به نیکی یاد می‌شوند. خونی که آن بزرگ‌مردان به‌خاطر آزادی ریخته‌اند هدر نرفته است. در کشورهای مختلف نام آن‌ها را گرامی می‌دارند، به‌طور مثال، در کشور هندوستان جاده‌یی را به‌نام احمدشاه مسعود مسما کرده‌اند، در فرانسه شهرکی به‌نام احمدشاه مسعود نام‌گذاری شده است. کشور های غیر اسلامی کارنامه‌های این شخصیت‌ها را مطالعه کرده‌اند و خلاصه آن را یادداشت کرده و از آن استفاده می‌کنند.

تعریف تاکتیک در نزد ما روش است نه علم، تعلیم‌نامه‌های کشورهای دنیا پس از جنگ افغانستان تغییر کرده است، در کشور اوکراین کتابی را به نام تاکتیک که محرم بود و به واسطه برای چند لحظه در اختیارم قرار دادند زیرا که به خارجی‌ها نمی‌دادند، در آن تاکتیک‌های جنگی مردم افغانستان را دسته‌بندی کرده و در دانشگاه‌های نظامی‌شان تدریس می‌کنند.

خاطره‌یی را خدمت‌تان بگویم، بعد از ظهر بود که مارشال صاحب به علت مریضی به تاجیکستان آمد، به مهمان‌خانه راهنمایی‌اش کردم، دکتر حسام، دکتر ادراک، دکتر مشاهد و دکتر سحر نزدش آمدند و از جبهه پرسیدند، او برای‌شان معلومات ارائه کرد. اوضاع صحی‌اش خوب نبود و می‌خواست برای تداوی به ایران برود. ساعت دوازده بامداد بود که قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود زنگ زد مرا گفت که فهمیم‌خان را بگو تلفون خود را عیار کند تا صحبت کنیم. رفتم نزد مارشال مرحوم که بیدار است و آمر صاحب برایش هدایت داد که به خوست فرنگ برود. در جریان حرف‌زدن با آمر صاحب، به من گفت که چرخ‌بالی که ما را آورد تیل نداشت، عاجل رفتم که به چرخ‌بال سوخت تهیه کنم. مارشال صاحب پیش از نماز صبح به‌طرف خوست فرنگ حرکت کرد. پس از نشست، چرخ‌بال نتوانست برگشت کند و در نقطه صفری خود را رساند. مارشال کشور کلان‌ترین نیروی دشمن که تصمیم حمله گسترده بالای پنجشیر داشتند را تار و مار کرد و شکست بی‌سابقه داد، حتا پاکستانی‌ها جنرالان فوجی‌شان را بمباردمان کردند تا توسط خودشان کشته شوند و به دست نیروهای احمدشاه مسعود شهید اسیر نشوند تا هویت اصلی پاکستان را با چنین اسرای فوج به جهانیان معرفی کنند. از قهرمانی‌های قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود و مارشال فقید در زمان محدود نمی‌شود همه‌جانبه صحبت کرد.

بزرگانی که اکنون زنده هستند و نارسایی‌هایی دارند، امیدواریم روزی فرا رسد تا به خود بیایند و بدانند که از کجا آمده‌اند و وظایف اصلی‌شان چه است تا مسؤلیت ایمانی و وجدانی خود را ادا کنند. قهرمان ملی و مارشال کشور به ما یک اساس و راه مانده‌اند، الله توفیق اعطا کند تا در راه آن‌ها قدم بگذاریم. خداوند مارشال صاحب را غریق رحمت کند، در عرصه دفاع از کشور و نظام‌سازی بی‌نظیر بود. الله متعال توفیق دهد تا رهروی هم‌چون مردان قهرمان باشیم.

روند استقامت



مارشال افغانستان به همه امت مسلمه در جهان تعلق داشت

عبدالکریم سراجی - رئیس مساجد کشور

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم. اما بعد فاعوذ بالله من الشیطان الرجیم. مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا. الأحزاب/۲۳

ترجمه: از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند.

برادران و خواهران گرامی! در آستانه سالگرد رحلت مارشال افغانستان قرار داریم. الله متعال همه شهدا و بزرگان را که در میان ما نیستند جنت فردوس نصیب گرداند.

این را باید درک کنیم که محافل یادبود از مجاهدین، قهرمانان، فاتحین و مبارزین را برای چه مقصدی می‌گیریم. به لحاظ این که قهرمانی‌ها، زحمات و اهداف رادمردان و مجاهدین را برای نسل‌های بعدی انتقال دهیم، تاریخ پر افتخار آن‌ها را شگوفا نگه‌داریم، برگزاری چنین مجالس خالی از خیر نیست.

جوانان گرامی! بیست‌ونهم سال پیش شاهد شگوفایی و پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان بودیم و هم‌چنان شاهد شکست بزرگ‌ترین قدرت مادی دنیا که خود را به‌نام قوای شکست‌ناپذیر اتحاد جماهیر شوروی می‌خواند. ارتش سرخ جماهیر شوروی در اثر مجاهدت و پیکار این رادمردان شکست خورد و شرمسارانه این کشور را ترک کردند.

با خروج قوای اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان نقشهٔ دنیا به یکباره گی تغییر کرد، در نقشهٔ سی سال پیش دنیا که ببینید، قسمت زیادی از کشورهای کرهٔ زمین را می‌دیدید که با خط سرخ نوشته بود اتحاد جماهیر شوروی و اگر این کشورهایی که حالا آزاد شده‌اند صادقانه اعتراف کنند، نعمت آزادی‌شان را مدیون پیکار مجاهدین افغانستان استند.

بنابراین، یادبود از مردان مجاهد و قهرمانان این سرزمین به نیت این که ما راه آن‌ها را ادامه دهیم و تاریخ درخشان خود را پاک نگه‌داریم ضرور است که چنین محافل برگزار گردد. در این شرایط شیوهٔ هجوم و تعرض کشورها تغییر کرده است، این ملت باهم برادر را نتوانستند توسط زور از هم جدا کنند، مجبور به استفادهٔ ترفند استعمار کهن که "تفرقه بینداز و حکومت کن" استفاده کردند. مردم ما را به نام‌های مختلف با هم می‌جنگانند و هر روز اختلافات قومی، زبانی و مذهبی را دامن می‌زنند. به همین ارتباط مارشال افغانستان برای مبارزه در برابر این تهاجم از هیچ تلاشی دریغ نکرده است و حتا قربانی‌های زیادی نیز در این راه داده است. او یکی از ستاره‌های درخشان جهاد و مقاومت مردم افغانستان است و نه تنها به همهٔ مردم کشور تعلق دارد، بلکه به مسلمانان جهان نیز تعلق می‌گیرد.

مارشال محمدقسیم فهیم یگانه مارشال در کرهٔ زمین است که از آدرس مبارزه و مجاهدت رتبهٔ مارشالی را به دست آورده است. مارشال‌های تقلبی‌یی که با کشتن مردم‌شان، با سرکوب و خاموش ساختن صداهای عدالت‌خواهی در میان مردم‌شان رتبهٔ مارشالی گرفتند تقلبی‌اند، تعلق به یک خانواده و یک گروه خاص داشتند. اما مارشال افغانستان به همهٔ امت مسلمه در جهان تعلق داشت، زیرا که او یک مجاهد بود، او و هم‌سنگران‌ش پیام آزادی را به همهٔ مردم جهان رساندند.

بنابراین، قدر مجاهدین را بدانیم، مهم نیست به هر قوم، زبان و تنظیمی که تعلق داشته باشند، این‌ها نور چشمان ما استند. ما ادعای عصمت را به مجاهدین نمی‌کنیم، به جز پیامبران و انبیاء سایر انسان‌ها از سهو و خطا به دور نیستند. در مبارزه و پیکار لغزش و اشتباهاتی را مواجه می‌شوند، آن لغزش و اشتباه نمی‌تواند از قهرمانی و امتیازشان چیزی بکاهد.

مارشال افغانستان یگانه کسی است که برای وحدت ملی و اتفاق تمام باشندگان افغانستان بیشترین تلاش خود را داشته است و آن را هم در گفتار و هم در عمل به اثبات رسانده است. اگر در حکومت‌های گذشته نقش بارز مارشال فهیم نبود حکومت‌ها یک‌طرفه و به طرف قومی شدن می‌رفت و یک‌جانبه می‌خواندندش. در سخنرانی‌یی که مارشال افغانستان در میان والیان کشور داشت چند پیام مشخص را می‌توان یادآور شد، باشندگان افغانستان به هر تنظیم، گروه و فکری که تعلق دارند هیچ‌کسی آن‌ها را از تابعیت این کشور نمی‌تواند محروم کند.

به اجماع ملی مردم را تشویق می‌کند یعنی مشکلاتی که وجود دارد خود مردم افغانستان می‌توانند آن را حل کنند، اما به یک نکته بیشتر توجه می‌کند و آن این که مزدورانی که در بیرون از افغانستان تربیه شده‌اند، غلامانی که تابعیت امریکا و اروپا را دارند به صراحت می‌گوید که اگر آن‌ها در افغانستان اقتدار را به دست گیرند، به والی غزنی اشاره می‌کند که والی غزنی را با ریش و دستار کسی در مقام ولایت نمی‌گذارد.

ما نیز به این باوریم که این کشور متعلق به تمام مردم است، کسانی که در این خاک قهرمانی کردند و خون‌شان برای آزادی این کشور ریخت، به هیچ گروهی و روندی تعلق ندارند، بلکه گل‌های یک باغ

این کشور هستند. در این کشور تنوع زبانی نشان قدرت الله است، تمام اقوام ساکن این سرزمین باهم برادر هستند.

بحث هویتی در این روزها بسیار داغ شده است، مهم‌ترین منبع هویتی ما دین اسلام است. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. سوره الحجرات/۱۰

ترجمه: در حقیقت مومنان با هم برادر اند پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید.

هویت‌های قومی تعیین شده از جانب الله است. در هویت‌های قومی هیچ‌کسی حق ندارد مداخله کند. از نظر شرعی هر انسانی که نسبت خود را به سوی غیر از پدر خود بدهد گناه بزرگی را مرتکب شده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. الحجرات/۱۳

ترجمه: ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.

معیار برای برتری نه تاجیک بودن است و نه پشتون بودن، نه اکثریت بودن است و نه اقلیت بودن، بلکه معیار برای برتری باتقوا بودن مسلمانان است.

برادران و خواهران گرامی! نباید زیر تاثیر برنامه‌ها و تبلیغات شوم و پلید دشمنان افغانستان که همانا جداساختن ملت یک‌پارچه این کشور که در محور کلمه طیبه جمع شده‌اند و این عزت را الله از آدرس جهاد نصیب کرده است، بروید. آن‌هایی که با یک (بیک دیپلومات) از خارج آمده‌اند و پیرو ندارند و ریشه ندارند، برای این که پیرو پیدا کنند چند نفر خالی ذهن را از عقب خود بدوانند ناگزیر اند به سپر شیطانی روی آورند و آن سپر عصبیت است.

ما باید مکتب اسلام را پیروی کنیم، زیر سایه آن عزت خود را جستجو کنیم، برادری خود را حفظ کنیم، تثبیت کنیم که هر کسی که کلمه لا اله الا الله محمد الرسول الله را می خواند برادر ما است. فریضه ما است تا از گذشته و داشته‌های خود و از تاریخ درخشان خود یاد کنیم، نگذاریم تا جعل تاریخ صورت گیرد، نگذاریم تا دست‌آوردهای ما را دیگران شکار کنند. پروردگار راه مجاهدین را مستدام داشته باشد.



مارشال افغانستان الگوی وحدت ملی بود

سید عالم هاشمی - نویسنده و شاعر

بسم الله الرحمن الرحيم. تشکر می‌کنم از دست‌اندرکاران این برنامه که از سالروز رحلت مارشال افغانستان یادبود کردند.

مارشال افغانستان ویژه‌گی‌های زیادی داشت، امروز در مورد فداکاری‌ها، قهرمانی‌ها، جهاد و مقاومتش چیزی نمی‌گویم، چون که سخنرانان اشاره کردند که او چه‌گونه مبارزه کرد و مانند سد پولادین در برابر تهاجم دشمنان می‌ایستاد و چه‌طور تا مرز شهادت در برابر تجاوز ایستاده‌گی می‌کرد.

من به مسئله‌یی اشاره می‌کنم که مارشال کشور تا چه حد در تأمین امنیت و در ایجاد روحیه وحدت ملی نقش داشت. افغانستان و شیرازه آن را جنگ‌های چندین‌ساله و مداخلات خارجی چنان از هم پاشانده بود که حتا وقتی آدم فکر می‌کرد که چه‌گونه می‌توان این ملت و اقوام متعدد در افغانستان را باهم پیوند زد و این‌ها را یک ملت واحد ساخت، آن زمان فکر می‌کردید که شخصیت‌هایی به عظمت مارشال کشور باید باشند و نقش ایفا کنند.

این نقش‌آفرینی‌ها یک امر طبیعی نبود که بگوییم گذشت زمان چنین چیزی را به وجود می‌آورد، نقش مارشال افغانستان بسیار عاقلانه و عامدانه بود، شما تصور کنید که کسی بیاید و قدرت و سلطه‌یی که در دست و نیروها و امکاناتی که در اختیار دارد، برای وحدت ملی به دیگری تقدیم کند، خارجی‌ها هم که پیوسته بگویند که چه می‌خواهید و ما در خدمتیم، کسان دیگری نیز بیایند و بگویند که کمی دیگر مقاومت کن که برای پنجاه سال در سازمان ملل تضمین می‌کنند که تو رئیس‌جمهور افغانستان

استی، اما مارشال افغانستان به درخواست‌شان نه می‌گوید.

مارشال فهیم به این باور بود که افغانستان متشکل از اقوام مختلف و برادر است و همه می‌خواهند در کنار هم باشند، اگر ما می‌خواهیم یک ملت واحد باشیم و یک نظام باثبات و جامعه مرفه در آینده داشته باشیم تا بتوانیم امروز و فردا از خود دفاع کنیم باید سفره‌یی را پهن کنیم و همه دور آن برادروار بنشینیم که چنین کرد.

خاطره‌یی را خدمت شما عرض می‌کنم، می‌دانید که مارشال افغانستان در کنار این همه مسئولیت‌ها به شعر و ادبیات علاقه‌مندی خاص داشت، روزی به دیدارش رفتم در مهمان‌خانه‌اش بود، مرا که دید گفت خوب شد آمدی، شعر زیبایی از کاظم کاظمی است به آقای حامد کرزی خوانده‌ام و امروز در کابینه نیز می‌خوانم. چند مصراعش را برای تان می‌خوانم:

ما شاخه‌های سرکش سیبیم عین هم

یک باغبان بیاید و پیوندمان زند

مشت جهان و اهل جهان باز باز شد

دیگر کسی نمانده که ترفندمان زند

سر می‌دهیم زمزمه‌های یگانه را

حتا اگر زمانه دهن‌بندمان زند

منظورش این بود که ما در کشور اقوام مختلف و باهم برادر زنده‌گی می‌کنیم و باهم برادریم، جنگ و مداخلات خارجی، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها مشکلاتی را میان اقوام به‌وجود آورده است و از این موقع دشمنان بیرونی افغانستان برای مخالف نگه‌داشتن و انشقاق کارهای زیادی کرده‌اند. ضرورت به این است که کسی بیاید و این شاخه‌های سرکش را باهم پیوند زند تا این‌ها یک درخت شوند. مارشال کشور می‌گفت که باید از خواسته‌های شخصی برای منافع افغانستان بگذریم و دور یک میز نشسته و افغانستان واحد بسازیم.

مارشال افغانستان در تلاش برای وحدت ملی زحمات بسیار زیادی را متحمل شد. همان‌طوری که حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین کشور به دفعات گفته که مارشال افغانستان الگوی وحدت ملی بود، نظر من این است که مارشال کشور را باید ستود، باید بدانید که هر چه که زمان بیشتر بگذرد عظمت مارشال فهیم بیشتر شده می‌رود، به دلیل این که شخص باعزت و پرغرور بود. خارجی‌هایی که شماری را متهم به جنگ سالار... کرده و شمار دیگر را به‌نام‌های دیگر می‌خوانند، بسیاری از اوقات به مارشال کشور پیشنهاد می‌کردند که اگر چنین کنی چنان امتیاز را می‌گیری، اما مارشال کشور به خواسته‌های‌شان تن نداد. او به این باور بود که خارجی‌ها مدتی استند و زمانی این کشور را ترک می‌کنند، در مقابل افغانستان خانه مشترک مردم آن است و ما باید هم‌دیگر را تحمل کرده و در آغوش بگیریم و با هم وصل شویم. او به این باور بود که مردم کشور باهم یک سپر، کوه و مشت فولادین در برابر تعرض، تجاوز و نفاق شویم تا کسی نتواند از خارج برای مضمحل ساختن ما به داخل کشور بیاید.

در دفتر، منزل، سر سفره...، مارشال فهیم بیشترین دوستانش از قوم پشتون ما بود، بیشتر از

پنجشیری‌ها و تاجیک‌ها اقوام هزاره و اوزبیک ما بودند. به یاد دارم روزی یکی از پنجشیری‌های ما برای حل مشکلی از مارشال کمک خواست، مارشال فهیم گفت که نمی‌شود، او تأکید کرد، اما مارشال کشور گفت که او برادر، من مارشال افغانستان استم و برای من بدخشانی، کندزی، پنجشیری، مزاری با جلال‌آبادی، هلمندی، کندهاری، لوگری و پکتیایی همه یک‌سان است. همان‌طور که در جریان استید، آغاز جهاد مارشال کشور از ولایت کنر بوده است و دوستان زیادش از ولایت‌های مختلف جنوبی و مناطق دیگر بوده است.

الله متعال در وجود شماری از شخصیت‌ها خیر بزرگی را می‌نهد تا آن شخصیت سبب شود تا مشکلی در جامعه‌ی حل گردد. بحث جهاد و مقاومت مارشال کشور بسیار طولانی است، سال‌هایی که در داخل نظام بود و چه بیرون از حکومت، برای مردم افغانستان بسیار کار می‌کرد، زحمت می‌کشید و می‌اندیشید. یک زمانی جمعی از مردم به طرف پایتخت و ارگ حرکت کردند، دولت به آن اندازه قوام نداشت، ممکن بود تحولی رخ دهد، حتا شرایط طوری بود که بسیاری از مسئولین نظام به این فکر بودند که چه‌گونه از شهر بیرون شوند و به جاهای دیگر بروند. مارشال کشور در قدرت نبود، حامد کرزی هم آن قدر رابطه‌ی خوب و صمیمی با او نداشت، به مارشال افغانستان زنگ می‌زند که روز مردانه‌گی و رفاقت همین اکنون است، اگر کاری نکنید شهر به آشوب کشیده می‌شود و از دو سو مردم جمع می‌شوند، شهر ویران شده و بربادی رخ می‌دهد و در نهایت، دولت بی‌عزت می‌شود.

مارشال افغانستان در حکومت نبود، اگر رقابت و دشمنی با دولت می‌داشت، از آن موقع برای ویران کردن نظام استفاده‌ی ابرازی می‌کرد و خوب نتیجه می‌گرفت، اما او تلفون‌های همراهش را می‌خواهد و تک تک فرماندهان، بزرگان اقوام، جوانان و هر کس دیگر را که می‌دانست در فرونشاندن این حرکت مهم است، زنگ می‌زد و دلیل می‌گفت و منطق به کار می‌بست و قناعت آن‌ها را فراهم می‌کرد. او به آن‌ها می‌گفت که اگر امروز در نظام نیستیم، مشکلی نیست، این نظام از خود ما است و ما آن را ساختیم. بودن ما در قدرت مهم نیست، بلکه ثبات و آرامی این کشور مهم است...، با ارایه‌ی دلایل فراوان مردم را قناعت داد و حرکت را متوقف کرد.

الله متعال روح حضرت مارشال افغانستان را با همه‌ی آنانی که به شهادت رسیدند و جهان فانی را پدرود گفتند خشنود داشته باشد و ملت با شهامت افغانستان را توانایی دهد تا قدر بزرگان را دانسته و اهمیت آن‌ها را درک کرده و راه‌شان را تعقیب کنند. امروز در افغانستان شخصیت‌های ملی مربوط به همه ملت می‌شود. همان‌طوری که یک کندهاری، جلال‌آبادی، هلمندی و زابلی به احمدشاه بابا افتخار می‌کند، همان‌گونه یک بدخشانی و پنجشیری نیز افتخار می‌کند. طوری که برای مارشال فهیم یک پنجشیری، بدخشی و تخاری احترام می‌کند، یک جلال‌آبادی، کنری، لغمانی و کندهاری احترام می‌گذارد. این راهی به سوی پیوست، همبسته‌گی و وحدت ملی است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



مارشال افغانستان آینه‌دار ارزش‌هایی است که به همه مردم کشور تعلق دارد

سید فرهاد هاشمی

بسم الله الرحمن الرحيم. امروز روز بزرگداشت از قوای مسلح افغانستان است. این روز را به نام کسانی که شایان تقدیر هستند رقم می‌زنیم، به نام کسانی که نام‌شان با وقار افغانستان گره خورده است، به نام کسانی که بیرق افغانستان در بلندترین قله‌ها به خاطر صلابت، شهامت، تعهد و ایمان‌داری این‌ها در اهتزاز است.

وقتی حکومت جدید پس از طالبان به وجود آمد، بخش بزرگی از سناریوی افغانستان موضوع حذف و ادغام بود، در هر کشور پس از جنگ یک تئوری خاص است که آن به خاطر دولت‌سازی به کار می‌رود از کسی به نام دیوید استون است. وقتی حکومت بعد از اختناق به وجود می‌آید صلابت حکومت باید از میان کسانی باشد که قدرت در اختیارشان است، یکی از آن اشخاص با صلابت مارشال فقید افغانستان محمدقسیم فهیم است. وقتی جلسه (بن) می‌گذرد و بعد لویه جرگه قانون اساسی می‌آید، به تعقیب آن موضوع DDR شروع می‌شود و هم‌چنان بحث حذف و ادغام، اولین کسی که حاضر می‌شود صلابت حکومت را تضمین کند، تن به تنفیذ قانون دهد و عزت افغانستان را مشترک برای همه اقوام این کشور بسازد مارشال فقید افغانستان است.

مارشال محمدقسیم فهیم به صفت وزیر دفاع، وزیر امنیت افغانستان و به عنوان شخصی که یکی از ابتکاراتش کم‌تر در رسانه‌ها گفته می‌شود طرف‌دار ایجاد صلابت نظام در افغانستان بود، استدلالش

این بود، وقتی که ما از اختناق، تفرقه، جنگ‌ها و از بدبینی همدیگر به طرف ملت‌شدن و داشتن حکومت مقتدر، داشتن عزت مشترک می‌رویم، از مجموع مجاهدین، از مجموع قوت‌های پیش از مجاهدین، از کسانی که از افغانستان استند شورای مقتدری باید ایجاد کنیم تا صلح را مدیریت کند، قوای مسلح افغانستان را مدیریت کند، حکومت افغانستان را حمایت کند و عزت مردم را حفظ کند.

مارشال افغانستان وقتی در دورهٔ دوم آقای حامد کرزی در حاشیه قرار می‌گیرد خصوصاً کسانی که ضمن احترام به مردم افغانستان با یک گذرنامهٔ غربی از غرب آمده و هواییما منتظرش است که دوباره برگردد، استدلال بسیار قوی می‌کند.

مهم است که هم‌نسل‌ها و نیروهای دفاعی و امنیتی ما به این موضوع توجه داشته باشند، استدلالش این بود که مرا به حاشیه کشاندند و من نماینده‌گی از مجاهدین افغانستان می‌کنم هر آن می‌توانم آرایش صفوف دهم و اختناق ایجاد کنم، اما آن چه برای من مهم است صلابت افغانستان می‌باشد نه قدرت خودم.

مارشال افغانستان برای ایجاد و حفظ وحدت ملی مردم افغانستان قربانی‌های زیادی داده است. او آینه‌دار ارزش‌ها، عزت و صلابتی است که به همهٔ ما ارتباط می‌گیرد. من کم‌تر کسی را توصیف کرده‌ام، اما خواستم به حرف‌هایی اشاره کنم که دانستنش به همهٔ ما مهم است، شما از راه‌های دور و از کارهای‌تان به این‌جا زحمت کشیده تشریف آورده اید و در این‌جا عکسی از شخصی است که می‌خواهید بدانید استدلال و توجیه آن چیست و چرا از صاحب این عکس به نیکی یاد می‌شود؟ کسی این کار را به خاطر پول، نام و جا انجام نداده است، وظیفه و دین میهنی ما است که ما حقایق را در پشت تریبون‌ها بگوییم نه به‌خاطر این که کسی را دشمن، رقیب و یا رفیق خود فرض کنیم، صرف به خاطر این بگوییم که بزرگوارانی بودند و راهی از خود برای ما گذاشتند که بقا داشته باشیم. رفتن در آن راه بقا، صلابت و عزت ما را تضمین می‌کند و ما را به صفت یک ملت واحد در مقابل چالش‌هایی که برای همهٔ ما مشترک است و زیاده‌تر از آدرس همسایه‌های ما است مقتدرتر، باصلابت‌تر و با اقتدارتر جلوه می‌دهد.

زنده و آزاد باد مردم افغانستان



شورای مردمی شتل

شورای مردمی شتل در محفلی با عنوان «نقش مارشال فهیم در تحکیم وحدت ملی» از چهارمین سالیاد مارشال افغانستان یادبود کردند. این محفل که در مقر این شورا در خیرخانه برگزار شده بود، در آن دهها تن از مجاهدین، سناتوران، دانشجویان و فرهنگیان اشتراک کرده بودند.

در این محفل اعضای شورای مردمی شتل از کارکردهای مارشال افغانستان در دوران جهاد، مقاومت و سازندگی به نیکویی یاد کرده و برگزاری چنین محافل را از بهر یاددہانی سرگذشت‌های بزرگان کشور و انتقال آن به نسل امروز مهم تلقی کردند.

در این محفل، محمدعلم ایزدیار معاون نخست مجلس سنا، جوانان، اعضای رهبری شورای مردمی شتل صحبت کرده و گفتند که سنگینی نبود مارشال فهیم در حکومت‌داری و ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امروز افغانستان احساس می‌شود. به باور آنان، اگر مارشال فهیم زنده می‌بود توان کنترل چالش‌های موجود را داشت و نمی‌گذاشت کشور به بحران برود.

پیام‌های شبکه‌های اجتماعی

پیام داکتر عبدالله

می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکند

دیده‌ام از روزن دیوار زندان شما

چهارسال پیش در چنین روزی افغانستان یکی از چهره‌های برجسته سیاسی خود را از دست داد. مارشال محمدقسیم فهیم، در تحولات چهار دهه پسین افغانستان نقش موثر داشت.

مارشال فقید، در کنار دیگر مجاهدان و مبارزان راه آزادی، عدالت اجتماعی و استقلال افغانستان، سهم ارزشمند در پیروزی جهاد و مبارزه برحق و آزادی‌خواهانه مردم افغانستان داشته است.

در دوره پر افتخار مقاومت برضد تجاوز سیاه طالبان، القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی نیز نقش مارشال محمدقسیم فهیم در کنار دیگر مجاهدان اثرگذار بود.

مارشال محمدقسیم فهیم از بنیان‌گذاران نظام جدید پس از سال ۲۰۰۱ میلادی نیز محسوب می‌شود و در راستای ایجاد یک دولت همه‌شمول و مردم‌سالار زحمات فراوانی کشید.

بدون شک درگذشت دوست و همسنگر استوار ما مارشال محمدقسیم فهیم، ضایعه‌ی بزرگ برای همه مردم افغانستان بوده است. مارشال فهیم همواره در زمینه همگرایی و وحدت ملی تلاش ورزید و تا آخرین روز حیات به افغانستان مستقل، آزاد و آبرومند می‌اندیشید.

یک بار دیگر به روح پر فتوح مارشال فقید اتحاف دعا می‌کنیم و به بازمانده‌گانش و همه مردم افغانستان ابراز همدردی و غم شریکی می‌نماییم.

پیام صلاح الدین ربانی

روان شاد مارشال محمدقسیم فهیم یکی از فرماندهان نامدار جمعیت اسلامی در سال‌های جهاد و وزیر امنیت ملی دولت اسلامی در سال‌های مقاومت بود و از خود رشادت و فداکاری‌های زیادی نشان داده بود که به همین دلیل، پس از حادثه ۱۸ سنبله و شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود از سوی رئیس دولت اسلامی افغانستان و رهبری جبهه مقاومت به عنوان جانشین او برای فرماندهی نیروهای مسلح دولت اسلامی، برگزیده شد.

مرحوم مارشال فقید، بعد از توافقات بن، به عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار سیاسی طی یک‌ونیم دهه اخیر عمرش ظهور کرد و همان‌گونه که در سال‌های جهاد و مقاومت از خود کارنامه‌های درخشانی نشان داده بود، در دوره جدید نیز از خود درایت و کیاست نشان داده و کارنامه‌های روشنی به یادگار گذاشت که یاد و خاطراتش برای همیشه در عرصه سیاست افغانستان، زنده باقی خواهد ماند و نبود او در شرایط کنونی یک ضایعه بزرگ است.

شخصیت‌های نامداری مثل روانشاد مارشال محمدقسیم فهیم، هرچه در تاریخ دارند، مرهون مبارزه و مجاهدت آن‌ها برای آزادی و استقلال کشور و عدالت در جامعه است. آرزو دارم که همه ما بازمانده‌گان و نسل نو خانواده بزرگ جهاد و مقاومت، با کار و مبارزه مضاعف برای تحقق عدالت در جامعه، راه بزرگان خود را ادامه داده و به جامعه مطلوب خویش دست یابیم.

احمدولی مسعود

به نیابت از بنیاد شهید احمدشاه مسعود، یاد و خاطره‌های ماندگار ابر مردی از تبار جهاد و مقاومت، هیبت و عظوفت، استوار و نترس، مرد روزگاران سخت این سرزمین را گرامی می‌داریم.

مارشال محمدقسیم فهیم از یاران قدیم قهرمان ملی، با ارزش‌های مخصوص خودش هم در میان سیاستون قابل احترام خاص بود و هم در مردم داری پیشتاز میدان مردمی.

هرازگاهی به خبرگیری می‌رفتیم، به‌زودی به مهمانخانه می‌آمد، رشته صحبت را از این سو و آن سو شروع می‌نمود، حسن حافظه به وی این توانایی را داده بود تا از سرگذشت‌های تلخ و شیرین، با قصه‌های پیچ در پیچ، همراه با لطافت‌ها، کنایه‌ها، طنزها یکایک به ترتیب و بدون فراموشی صفحه‌یی، نکته‌یی، نگاهی، سخنی، شنونده را به دنیای خودش ببرد.

بی‌هیچ تردیدی، مردی که با پشتوانه معنوی امرصاحب شهید و شهامت و جسارت ذاتی خودش رژیم پس از کنفرانس بُن را به پا ایستاده کرد، مارشال فقید بود و به همین ملحوظ مجاهدین و مقاومت‌گران بنیان‌گذاران فصل جدید کشور نیز می‌باشد.

از رب العزت به مارشال مغفور طلب رستگاری می‌کنیم و به خانواده معظم شان تسلیت می‌گوییم.

امیر محمد اسماعیل خان

بسم الله الرحمن الرحيم

چهارمین سالروز درگذشت شخصیت عالیقدر و مجاهد قهرمان مارشال محمدقسیم فهیم را خدمت کافه ملت مسلمان افغانستان تسلیت عرض می‌دارم.

مارشال فقید از خبره‌ترین نظامیان و از برجسته‌ترین سیاستمداران و از جمله مجاهدان نامی کشور بود که در طول دوران زنده‌گی‌اش به تأسیس حکومت مقتدر اسلامی در افغانستان، آزادی کشور، ثبات و امنیت مردم خود می‌اندیشید و همواره در این راه رزمید. او به عنوان بازوی پر توان قهرمان ملی کشور صفحات زرینی از تاریخ جهاد و مقاومت مردم افغانستان را به خود اختصاص داده است. مرحوم مارشال فهیم در عین حالی که عالی‌ترین رتبه نظامی کشور را با خود داشت از تواضع و فروتنی فوق‌العاده‌یی برخوردار بود. یقیناً نبود این شخصیت سترگ ملی در این برهه حساس از تاریخ کشور نبود یک عامل بزرگ حفظ ثبات و امنیت کشور است.

یاد جهاد و حماسه‌آفرینی‌های مجاهدین عزیز بالخصوص مارشال صاحب، گرامی باد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد!

محمد حنیف اتمر

هموطنان عزیز، خواهران و برادران!

امروز برابر است با چهارمین سالگر درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم، از چهره‌های برجسته جهاد و مقاومت افغانستان و همچنان معاون پیشین ریاست‌جمهوری. مارشال محمدقسیم فهیم از جاودانگان تاریخ معاصر کشور است که همواره نامش در تاریخ این سرزمین ثبت و ماندگار خواهد ماند. او در روزگار خوش و ناخوش این سرزمین هم‌چون کوه استوار بود و قامتش در برابر فراز و فرودهای سیاسی این کشور خم نگردید. مارشال صاحب محمدقسیم فهیم از سیاست‌مداران برجسته، فرمانده جسور و از چهره‌های تأثیرگذار در بیش از یک‌ونیم دههٔ پسین بود که افزون بر تلاش برای سعادت و موفقیت مردم و کشورش به وحدت و یک پارچه‌گی این سرزمین می‌کوشید و تلاش‌های او قابل ستایش است.

به برداشت من آنانی که برای آسوده‌گی مردم و سرزمین‌شان از خودگذری کرده‌اند و در برابر تمامی مصیبت‌ها و تهاجم چپاول‌گران ایستاده شده‌اند تا سرزمین‌شان با اقتدار بماند چهره‌های اثر گذار تاریخی این سرزمین هستند. من به حیث مشاور امنیت ملی افغانستان باور دارم که ما هنگامی از این فجایع و بدبختی‌ها رهایی خواهیم یافت که همه با هم متحدانه برای آبادانی این وطن دست و آستین بر بزنیم، در زدودن بیکاری، ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی اقتصادی و سایر بدبختی‌های این سرزمین کامیاب شویم و برای مبارزه با اتفاقات ناخوشایند آینده با هم متحدانه و منسجم‌تر به پیش برویم. بنابراین آنانی که در واقعیت برای مردمان‌شان پُل شده‌اند و برای وحدت و یک‌پارچه‌گی ملت‌شان کوشیده‌اند بدون تردید که ماندگار و جاویدان هستند و نام‌شان را در تاریخ این سرزمین به ثبت رسانیده‌اند.

مرحوم، مارشال محمدقسیم فهیم از عیاران نامدار این کشور بودند که در روزهای دشوار با مردمان شان یکجا ایستاده و در برابر ناملایمت‌های روزگار مقاومت کردند؛ هدف نهایی مارشال فقید همدلی با گروه‌های مختلف جامعه افغانستان بود او در ایجاد نظام نوین در کشور تلاش‌های بی‌شایبۀ از خود به خرج داد و تا آخرین روزهای زندگی با درک عمیق از اوضاع کشور و احساس مسؤولیت ژرف در برابر این سرزمین به حیث شخصیت ملی این کشور عمل کرد. از این رو من فکر می‌کنم که مارشال فقید نزد تمامی اقشار و اقوام افغانستان از جایگاه ویژه برخوردار هستند. از خداوند متعال برای مارشال فقید محمدقسیم مغفرت و به بازمانده‌گانش به ویژه فرزند ارشدش موفقیت‌های روزافزون و استقامت در راه خدمت به مردم را از بارگاه ایزد منان خواهان هستیم.

عبدالقهار عابد

بسم الله الرحمن الرحيم

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

با گذشت چهارسال از ارتحال ملکوتی مارشال محمدقسیم فهیم، هنوز یاد و خاطرات آن بزرگ‌مرد وطن‌دوست، در حافظه مردم کشور زنده و جاویدان است و نبودش در فضای سیاسی افغانستان حس می‌شود. موصوف یکی از چهره‌های تابناک مردم افغانستان در ایجاد وحدت ملی بود. مارشال محمدقسیم فهیم برجسته‌ترین شخصیت سیاسی افغانستان بود که عمر با برکت خویش را یک‌سره در راه جهاد فی سبیل‌الله، مقاومت ملی و خدمت به مردم خود قرار داد. چه در دوران پرافتخار جهاد و مقاومت و چه پس از پیروزی جهاد و به ثمر رسیدن مقاومت ملی، جایگاه رهبری، پایگاه برجسته مردمی، فکر و اندیشه فعال و کارآمد این بزرگ‌مرد استوار و نترس، نقشی اثرگذار و سازنده در شکل‌گیری و استقرار نظام پسا طالبانی داشته است. نام مارشال صاحب، با ارزش‌های جهاد، مقاومت ملی، و ساختار نظام نوین در یک و نیم دهه گذشته، نظام جمهوری اسلامی افغانستان، قوای مسلح، وحدت ملی، تحمل و هم‌پذیری، گره خورده است.

فقدان تأثر انگیز و جانگداز این مجاهد نستوه را به خانواده مرحومی و عموم مردم عزیز افغانستان تسلیت عرض می‌کنم و درجات بلند او را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

توریالی غیائی

و چه زود دیر می‌شود؛

و درخت‌ها ایستاده می‌میرند!

درست چهارسال پیش روز یکشنبه هجدهم حوت/اسفندماه بود که درخت تنومندی از باغستان مکتب مسعود که بر سپهر ملک سایه گسترده بود، ایستاده مرد و باز در سوگ نا بهنگام «عیاری از خراسان»، سر بر زانوی غم گذاشتیم.

مارشال محمدقسیم فهیم سیاستمداری شجاع، صادق و فداکار و چهرهٔ مخلص و تأثیرگذار در تعاملات سیاسی و روند دولت‌سازی در کشور، او که پای بند منافع ملی بود و به افغانستان متحد و یکپارچه و مترقی عشق می‌ورزید و در این راه بصورت یکجانبه پای شریک قدرتش سنگ تمام گذاشت، مردی که بی‌گمان می‌شد به ساده‌گی به قول و به عهدش اعتماد کرد، به لقا الله پیوست.

آی مارشال! افسوس که آن همه اخلاص و صداقتی را که تو در راستای دولت‌سازی، ایجاد اردوی ملی و یکپارچگی و وفاق مملکت در طبق اخلاص شریک سیاسی‌ات جناب حامد کرزی گذاشتی، به‌مثابه یک ارزش و تعهد ملی به دیدهٔ قدر نگرسته نشد و به آن بهایی قایل نشدند و فکر کردند که ترا در تار جوانمردی گرفته‌اند و از قواعد بازی سیاسی بی‌بهره‌ای و در خفا شما را دشمن آسایش و امنیت افغانستان و مخل دولت‌سازی به دوستان بین‌المللی افغانستان معرفی نمودند که جفایی بود بس بزرگ

امراالله صالح

یاد و خاطرات روان شاد مارشال محمدقسیم فهیم ، معاون اول ریاست جمهوری، وزیر دفاع و وزیر امنیت افغانستان گرامی باد:

پیام محوری و اساسی او در داخل و خارج کشور این بود که بدون تفاهم و همدیگرپذیری ثبات پایدار ممکن نیست و هر گروهی که تلاش کند در پی حذف دیگران باشد فقط راه ناکام را تجربه می کند و خود در گرداب هیچ گیر می افتد. امروز از نبود او در صحنه افغانستان چهارسال می گذرد و اما توصیه هایش برای تحکیم وحدت ملی کشور مصداق همیشگی دارد.

کنشکا کاووش

هرگاه تاریخ عظیم بشریت ورق می‌خورد بزرگی مردان خدا جهت دفاع از شرف و آزادی در شب‌های سیاه تاریخ، نورافشانی می‌کند. آری، مردان خدا از خود گذشتند و عمر گران‌بهای خود را در راه آزادی و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تأمین عدالت اجتماعی صرف کردند.

مارشال محمدقسیم فهیم یکی از ستاره‌های تابناک و درخشان از آسمان جهاد و مقاومت مردم افغانستان و یکی از یاران نزدیک، صادق و وفادار به قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود بود. او افتخار بزرگ در سهم‌گیری نظام مردم‌سالار داشت، مارشال فهیم به شدت جانب‌دار یک افغانستان آزاد، سربلند و مرفه بود.

مارشال فهیم در کنار ما نیست اما کارنامه‌ها و شاهکاری‌هایش با رنگ زرین ثبت تاریخ است.

روح این بزرگ مرد شاد و یادش گرمی باد!

دکتر خلیل الرحمن حنانی

چند خواص خوب مارشال که تایید همگان بود:

- ۱- شخص با تقوا بود نه فاسد اخلاق بود و نه عیاش.
 - ۲- به همه مجاهدین احترام می‌گذاشت و حامی مجاهدین در طول حکومت‌های کرزی بود.
 - ۳- مرد بود و قول و قرار و وعده که می‌گذاشت وفادار بود.
 - ۴- دوستان نزدیکش را بیشتر از همه دوست و به دیگران سخت احترام داشت.
- خداوند مارشال کشور را غریق رحمت خود گرداند.

عبدالقیوم ملکزاد

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت مجاهد و آزادمش

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

امروز مصادف است به چهارمین سالگرد یگانه مارشال با وقار و همپذیر که هر لحظه نبود تنومند آن را مانند یار وفادار آمرصاحب مسعود شهید احساس کرده‌ایم.

از خداوند متعال امیدوارم که یک بار دیگر همچو شخصیت‌های مجاهد آزادمش را نصیب این کشور بی‌سرنوشت بدارد تا ملت بزرگ ما با یک اعتماد کامل در کنار آنها جمع شده و خود را برای داشتن یک افغانستان مترقی و باعزت هم‌فکر و هم‌صدا سازند.

هم‌وطنان عزیز! مارشال صاحب فهمیم‌خان مرد حلیم بوده که برای اندک مشکل مردم خود را مسئول دانسته و در صدد حل مشکل آنها بدون تعصبات قومی سمتی و یا گروهی اقدام می‌کرد.

مارشال صاحب در زمان حیات باعزت خود آخرین تلاش‌های صادقانه را در مورد ساختار یک نظام قوی و مردمی نمود چرا که وی می‌دانست که یگانه راه نجات کشور از بحران مشارکت دادن تمام اقوام مختلف و باعزت کشور در نظام می‌باشد.

آن مرد آگاه و دوراندیش همواره نسل جوان مومن و صادق کشور خود را برای داشتن نظام سالم و مردمی رهنمایی و تشویق می‌کرد.

روحش شاد و یادش گرامی، جنت فردوس و درجات عالی را خداوند متعال با جمله رفته‌گان اهل
اسلام نصیب‌شان بدارد.

والسلام

مارشال محمدقسیم فهیم الگویی برای برادری و همبستگی

نور آغا شریفی

می‌خواهم نام مبارزی را در گوش تان زمزمه کنم و دست شما را بگیرم و به باغ خاطرات آن مرد از جنس شفقت و مهربانی و حق‌طلبی و هم برادری ببرم.

رزمنده‌یی از جنس بزرگان تاریخ، مهربانی، و فروتنی... مجاهد «قسیم» و «فهیم»

همیشه تلاشم برای جستجوی معنای این اسم بود. از هنگامی که رهبری مردم را به عهده گرفت تا هنگامی که همه شاخچه‌های قطع شده ملت را با هم وصل کرد.

با خود می‌گفتم، اگر بخواهم یک شخصیت را بشناسم قرار نیست که با معنای اسم او آغاز شود، ولی با آن هم اولین تجربه‌ام از جستجوی فرهنگ «عمید» برای همین کار بود! (مرد صاحب جمال و با دانش) معنای دو اسمی که خیلی خوب وصل شده و چه خوب در شأن چنان مرد صدق می‌کند. گویا او همین دو اسم را به میراث برده بود. از زمان یاری و هم‌سنگر بودن با شهید احمدشاه مسعود و بعد از همه و همه کارکردهای مثبتش سبب می‌شود تا مقدمه زنده‌گی او را «همدیگری»، «مبارزه» و «عدالت» بگوییم...

او هر اوجی را به اوج دیگری پیوند زد. از هر دره‌یی که می‌گذشت دشمنانش آرزوی غرق شدن او را در دریاها می‌کردند، بی‌خبر از اینکه دست او در دست خدایش بود.

او هر بار بی‌باک‌تر از پیش به قلب دشمنش ضربه زد، صف‌های پشت در پشت دشمنش را شکافت، آرایش نیروهای‌شان را به هم ریخت، بین آنها ولوله انداخت، ترس را بر دل خبیث‌ترها انبار کرده و امیدهای‌شان را به یأس نشانده. آنها نه از زور بازوی او، بلکه از آنچه در ذهن و اندیشه‌اش جاری بود، بیم‌ناک بودند!

او هر گز خسته نمی‌شد، اما خستگی را از مردم و آسوده‌گی را از دشمن می‌گرفت. ناامید نشد، یأس را از دل‌ها زدود و سرخورده‌گی‌ها را پی در پی بر دشمن فزود. از پای نیفتاد و دیگران را به راه انداخت. دل به لطف خدا بست و دل‌های نگران را با امید به عنایات حضرت حق، در سخت‌ترین حالات آرام کرد...

اکنون که فصل نشاط و شگوفایی نزدیک است. اما او که عاشق شادابی و طراوت بود دیگر در میان ما نیست. این قافله عمر خیلی عجب می‌گذرد

ما در جاده غبار گرفته روزگار، هر روز از کنار هم می‌گذریم، چشم در چشم هم می‌دوزیم، ولی همدیگر را نمی‌بینیم، صدای هم را نمی‌شنویم، نگاه هم را نمی‌خوانیم، و ناگهان... باد ما را با خود می‌برد!

امروز وقتی ما نام بزرگانی چون مسعود، گاندی، نلسون ماندلا، چگوارا و کاسترو و... را بر زبان می‌آوریم و آنان را به بزرگی می‌ستاییم، گاهی این حسرت تلخ در دل ما ریشه می‌دواند که چرا در عصر و زمانه آنان غایب بوده‌ایم و از توفیق درک حضور آنان محروم، شخصاً خودم همیشه چنین حسی را داشته‌ام.

ولی به این نکته نمی‌اندیشیم که شاید اگر در زمانه این قله‌های نام‌آور به سر می‌بردیم، ما نیز چون بسیاری از افراد آن زمان به‌خاطر حجاب معاصرت از دیدن بزرگی آنان غافل می‌ماندیم و دیگر چون امروز چگوارا را «چگوارا» نمی‌دیدیم، چنان که امروز ما به‌خاطر حس برتری‌طلبی و امتیازطلبی‌های فردی معاصران موفق را نمی‌بینیم و از درک و ستایش آنان غافلیم...

قسیم فهمیم هم‌چنان از این نکته منفی معاصرانش بهره‌مند بود. در زنده‌گی‌اش هیچ‌گاه حاضر نشدند تا به صدای همدیگرپذیری و برادری‌اش لبیک گویند. ولی اکنون در نبود او خلاهای وارد شده به وضع امنیتی و تعصبات قومی ایجاد شده همه را وادار به افسوس خوردن فرصت‌های زمان زنده‌بودن آن بزرگ مرد کرده... حتا افراد معاصر و تنگ نظر...

مارشال و همدیگرپذیری معطوف به قدرت

عبدالحمی خراسانی

در آستانه چهارمین سالیاد در گذشت مارشال محمدقسیم فهیم قرار داریم، نخست به روح این شخصیت دهه مردمسالاری افغانستان اتحاف دعا کرده و نبود ایشان را یک ضایعه بزرگ به افغانستان دانسته و یادش را گرامی می‌داریم.

نقش مارشال برای شکل‌دادن یکی از اساسی‌ترین گفتمان‌های افغانستان بسیار برجسته به نظر می‌آید، «همدیگرپذیری معطوف به قدرت» که تلاش‌های مقتدرانه او برای نهادینه‌شدن این امر بسیار سازنده بوده است. برای مردمسالاری نوپا بازی‌گران مقتدر تمثیل‌کننده مشارکت عادلانه در قدرت و ثروت یک نیاز جدی است و نقش او در این مسیر ماندگار خواهد بود.

روحش شاد و یادش گرامی!

امروز سنگینی او را کسی ندارد!

سالار عزیزپور

اینکه چهار سال در نبود او چگونه گذشت همه دیدند و درک کردند او کی بود و نقش او در حکومت‌سازی به چه اندازه بود.

تاریخ امروز به عیاری مارشال شهادت می‌دهد که خود را صاحب این خاک می‌دانست و احساس مالکیت داشت، از مارشال افغانستان عیاری، شجاعت، رفاقت، حس مالکیت به کشورش، همدیگرپذیری... و بسا زیبایی‌های شخصیتی دیگر باقی‌ست، چون او گذشته، اما نسل‌های جوان باید کارنامه‌های آن انسان نیک سرشت را مطالعه کرده و از زیبایی‌های شخصیتی آن الگو برداری کنند. پس از قهرمان ملی کشور مسعود شهید و شهید استاد ربانی او یگانه رهبری بود که صاحب دیدگاه افغانستان‌شمول نسبت به این خاک و مردمش بود.

یادش همیشه زنده باد!

عزیز احمد حنیف

ز دنیا برفتند شیر و پلنگ

جهان گیر شد روبای لنگ

گروه داعش از صفر ایجاد گردید و امروز، جنگ جویان آن از مرز هفت هزار تن گذشته و از ولایت ننگرهار در جنوب شرقی کشور تا فاریاب در شمال، گسترش یافته است. به میلیون ها رأی مردم در انتخابات بازی صورت گرفت و یک چهره‌ی متقلب، فاشیست، بیمار، و انحصارگر بر اریکه‌ی قدرت نشست؛ جنرال دوستم معاون اول دولت در نتیجه‌ی یک توطئه، به بیرون از کشور تبعید گردید؛ عطا محمد نور (خط سرخ مارشال)، از سمت ولایت بلخ عزل شد و سرانجام جنگ از جنوب به شمال منتقل گشت.

قرار است قانون اساسی تغییر کند؛ برای قاتلان مردم افغانستان و چهره‌هایی که بر جبین تاریخ، لکه‌های ننگ‌اند، لقب‌هایی همچون مجاهد کبیر، امیر المؤمنین، رهبر ملی و غیره داده شود؛ و بدین ترتیب، بلخ بامی، تخارستان کهن، جوزگون دره، کهن دژ، شهر رستم و سمن زارهای شمال، به حلب، ادلب، موصل و غوطه شرقی مبدل گردد و سرانجام کشور به سوی تجزیه سوق داده شود. اما هیچ‌گاه، یأس و نومیدی را به دل راه ندهید:

نه فقط برای تو بلکه برای سلامت روند مطمئن شکل‌گیری قدرت سیاسی در افغانستان.

خوب یادم هست آن شبی را که با داکتر صاحب عبدالله خدمت‌تان رسیده بودم که فرمودید: «می‌فمین داکتر صاحب! وقتی رئیس صاحب از رعایت ترکیب ملی گپ می‌زنه منظورش حضور اکثریت قوم‌های خودش است ... والله بنگ از سرم پرید...» اگر چنین خطایی استراتژیک را مرتکب نشده بودند امروز کشور غرق در بحران و بی‌ثباتی و بی‌باوری، نمی‌بود.

روح‌ت شاد و یادت تا همیشه تاریخ گرامی باد

ناطق ملکزاده

چهارسال از تاریخی شدن یکی دیگر از انگشت شمار افرادی که یک عمر برای آزادی برباد رفته مردم و غرور شکسته ملتش مبارزه کرد و از جمله بزرگان و هم‌سنگران آزادی طلب بود گذشت... مردی که آرزو یک پارچه‌گی ملت را با حسرت با خود برد، ولی کسی حاضر نشد به صدای همدیگرپذیری وی لبیک گوید...

حتا کسانی که هم‌سنگر وی بودند و خود را مدعی در موجودیت او می‌دانستند...

ولی او که دیگر اینجا میان ما نیست، آن همه مدعیان سوار بر اسب شدند تا قدرت بتازند ولی هرکدام دیری دوام نیاورد و زمین‌گیر شدند... اکنون مردم می‌بینند اینها کجا و او کجا...

کسی که تا آخرین روزهای زندگی خود همیشه در برابر وطن‌فروشان شمشیر مبارز بدست گرفت، و به مشتریان همان وطن‌فروشان سر خم نکرد. و در این راه با خستگی هیچ آشنا نبود.

غازی مارشال محمدقسیم فهیم یک انقلابی تمام عیار و شخصیت منتقد نترس که همین شخصیت والای او امروز سبب شد که او اکنون الگوی مبارزه و حق طلبی باشد، و با معیارهای آزادی‌خواهی برای نسل جوان که ما هستیم خط و رسم زندگی آزاد را نشان دهد...

حالا که او دیگر در میان ما نیست، آه و افسوس درد ما را دوا نخواهد کرد. آنچه برای ما نسل جوان و آزادیخواه فرض است؛ اینکه باید راه او را تا بدست آوردن آزادی به معنای واقعی‌اش ادامه دهیم و هرساله از شخصیت والای این ابر مرد یادبود به عمل آوریم.

روح شاد رهبر عزیز!

نقش حیاتی مارشال محمدقسیم فهیم در گذار به دموکراسی

معروف بیانگر

مانتسکیو نظریه‌پرداز فرانسوی که در قرن هفدهم نظریه تفکیک قوا و حکومت مبتنی بر قانون و آزادی‌های قانونی را در کتاب مشهورش «روح‌القوانین» تیوریزه کرد، گفت که این یک قاعده است که قدرت را با قدرت و ثروت را با ثروت می‌توان کنترل و مهار کرد که بعدها از مضامین آن در اداره کشورها و دولت‌ها و تدوین قوانین اساسی بهره‌ی بسیاری گرفته شد. امروزه وقتی به کشورهای غربی و کشورهای که گذار به دموکراسی را به خوبی پشت سر گذاشته‌اند نگاه می‌کنیم از نظر سیاسی بزرگ‌ترین موردی که نظر ما را به خود جلب می‌کند، نهادهای مقتدر و قانونی و تفکیک قدرت و چگونگی توزیع صلاحیت‌هاست که به سان یک سیستم خودکار به کار خود ادامه می‌دهند و در عین حالی که عرضه خدمات را انجام می‌دهند افراد، سایر نهادها و گروه‌های سیاسی را نیز تحت کنترل خود دارند و به هیچ‌کس و فردی و نهادی اجازه سؤ از موقعیت و موفقش را نمی‌دهد اما در کشورهای که در حال توسعه قرار دارند و نهادهای مقتدر و کنترل‌کننده و یا تطبیق‌کننده قانون یا در حال نضج‌گیری اند و یا اگر هم وجود دارند به دلایلی عدم التزام به قانون و فرهنگ قانون‌گرایی از کارایی لازم هنوز برخوردار نیستند و یا به‌گونه‌ی تحت تأثیر افراد عمل می‌کنند یعنی این افراد اند که نهادها را در کنترل خود دارند. این را می‌توان وجه تمایز اساسی میان کشورها، توسعه یافته و در حال توسعه گفت.

در کشورهای که نهادهای قانونی از اقتدار لازم برخوردار نیستند اما وجود رهبران کاریزما و مقتدر و باورمند به ارزش‌های مردم سالارانه نیز می‌تواند طور نسبی نقش نهادهای مقتدر کنترل‌کننده را بازی کند چون این رهبران و افراد هم توانایی به چالش کشیدن ترفندهای افراد خودکامه، زورگو، مستبد،

حیله‌گر و ضد ارزش‌های دموکراتیک را دارند، هم قدرت بسیج مردم و هم صیانت از قانون را.

از این رو می‌توان گفت که فرضیهٔ مانسکیو مبتنی بر «مهار و تحدید قدرت توسط قدرت» تا حدودی در حضور همین چهره‌ها مصداق پیدا می‌کند پس حضور رهبران مقتدر که به ارزش‌ها و قواعد بازی دموکراتیک معتقد باشند می‌تواند یک غنیمت برای گذار به دموکراسی و ایجاد نهادهای مقتدر به شمار بروند.

این مقدمه را آوردم تا روشن بسازم که ما در افغانستان نیز حضور بعضی از چهره‌های مقتدر و مؤثر که هم در دفاع از تمامیت ارضی، ارزش‌های دینی و میهنی و هم در خصوص عبور به نظام مردم‌سالارانه مدرن نقش حیاتی بازی کرده‌اند را احساس می‌کنیم و آن را باید غنیمت بدانیم. یکی از این چهره‌های تأثیرگذار بدون شک مارشال محمدقسیم فهیم فقید بود که بعد از سقوط گروه طالبان و به میان آمدن مرحلهٔ جدیدی از سیاسی در کشور، در ایجاد ارتش ملی و تدوین و صیانت از قانون اساسی تا جایی که امکان داشت نقش موثری را ایفا کرد و تا زمانی که در قید حیات بود تلاش کرد هرگونه انحراف قانونی و سیاسی را کنترل کند و اجازه ندهد افراد و اشخاص و گروه‌های خاصی، دست آوردهای نظام جدید را به انحراف بکشانند.

مارشال فهیم، افغانستان را از آن همه می‌دانست و به مشارکت سیاسی مردم، گروه‌ها و اقشار مختلف در نظام بدون اینکه یکی دیگری را حذف کند معتقد بود و به این حق تا آخرین لحظهٔ حیاتش احترام قایل بود و حتا مشارکت دشمنان که در برابر حکومت به گونه مسلحانه می‌جنگند را نیز در دولت ذی‌حق می‌دانست، اما تأکید داشت که شیوه مشارکت در دولت باید از راه‌ها صلح‌آمیز و خشونت‌پرهیز انجام شود و اما اگر کسی می‌خواست قانون، اعتماد مردم و قواعد پذیرفته شده سیاسی را دور بزند و خود را با حیله و زور بر مردم تحمیل کند، آنگاه آشکارا در برابرش می‌ایستاد و او را سرچایش می‌نشانند.

با آنکه در انتخابات سال ۱۳۸۸ ما شاهد بعضی از دست‌اندازی‌ها و بی‌نظمی‌هایی بودیم، اما با آنهم وضعیت تحت کنترل قرار داشت و هرآنچه اتفاق افتاد با در نظر داشت مصلحت عمومی در پرتو قانون اساسی به آن رسیده‌گی صورت گرفت اما بعد از وفات او بود که رسوایی سیاسی به اوج خود رسید و یگانه سند قانونی (قانون اساسی) که اعتبارش تا آن وقت محفوظ بود نیز فرش سر راه استفاده‌جویان و تقلب‌کاران گردید و شیرازهٔ نظام و دست‌آوردهای ۱۵ ساله زیر سوال رفت و خودکامگی، زورگویی، و انحصارطلبی دوباره به یک فرهنگ روزمره تبدیل شد که ما امروز داریم تاوان آن را می‌پردازیم.

بنابر این به صراحت گفته می‌توانیم تا زمانی که ما به روند عادی از حکومت‌داری که در آن هیچ فرد و گروهی با دور زدن قانون خود را بر مردم تحمیل نکنند و ایجاد نهادهای معتبر قانونی که از اقتدار و تئوریتیه لازم برخوردار باشند تا جلو خودسری‌ها و فساد سیاسی را بگیرند نرسیم، نیاز به حضور رهبران باورمند به عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون و ارزش‌های مردم‌سالارانه همچو مارشال فهیم در درون و بیرون حکومت داریم، چون این رهبران به خوبی می‌توانند قدرت را با قدرت مهار کنند، جلو انحصارطلبی و فزون‌خواهی را بگیرند و زمینه را برای گذار به دموکراسی واقعی مساعد بسازند از این رو، همین حالا نیز باید قدر رهبران مقتدر که در راستای حفظ ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی، در کشور فعالیت و ایستاده‌گی می‌کنند و توانایی مهار زورگویی و خودکامگی را دارند را باید دانست.

یاد و خاطره مارشال مرحوم مانا باد.

چهارمین سالیاد مارشال فقید

عبدالخلیل مینوی

مبارزات مارشال برگی از برگ‌های زرین تاریخ آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی می‌باشد.

یادبود از مردی که جوانی را تا دم مرگ در دفاع از دین و وطن قرار داشت افتخاری است بس بزرگ، مردی در طول حیات پر بارش جز به وطن، آزادی، استقلال نمی‌اندیشد و در این راه مردانه‌وار رزمید، سینه درسنگ و کوه پایه‌ها سایید، مگر علم آزادی و استقلال‌طلبی را هرگز به زمین نگذاشت.

او در کارزار مبارزه در برابر دشمنان مردم دژ استواری بود که قامت دشمن را می‌شکست و در کارزار سیاست خردمند و مدبر بود.

مبارزات قهرمانانه مارشال وحماسه‌های او در دوران جهاد در برابر قشون سرخ شوروی سابق و مقاومت اجیران طالب، برگی از برگ‌های زرین تاریخ آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی می‌باشد.

به هر صورت ۴ سال از مرگ فرزانه فرزند جهاد و مقاومت گذشت، مردی که جهاد را به خاطر خدا آزادی ملت و آبادی وطن به پایان برد مگر آرزوهایش گل ناکرده خشکید، زیرا مجریان سیاست جنگ و فتنه، فتنه دیگری ریختند و با استفاده از نام طالبان گروه متحجر و دگم‌اندیشی را وارد صحنه سیاست و جنگ افغانستان ساختند.

جنگ در ابعاد گسترده آن ویرانی آورد و تباهی، اما مارشال به رهبری قهرمان ملی کشور به آرایش جبهات پرداختند و در دفاع از عزت، شرف، عفت و ناموس مردم افغانستان سنگرها را دوباره گرم ساختند

تا آنکه باز هم دست فتنه و شیطان از آستین خبرنگار بیرون شد و قهرمان ملی را از جبهه مقاومت ربود و شهید ساخت، پس از شهادت قهرمان ملی کشور مارشال افغانستان هم در جنگ و هم در عرصه سیاست فعال بود، او به جهان هشدار می‌داد که طالبان دوست و دشمن ندارند و حل معضل افغانستان از دید دگم آنان مقدور نیست تا آنکه هراس افگنان بین‌المللی برج‌های بلند تجارت را ریختند، پنتاگون را هدف قرار دادند و آنکه جهانیان در تب و درد ناشی از حملات انتحاری در برابر هراس افگنان شدند و ائتلاف‌ها ساختند.

مارشال در آن زمان نیز حل معضل افغانستان را از طریق جنگ میسر نمی‌دانست او بر اجماع ملی تاکید می‌کرد، اجماعی که تمام مردم افغانستان نه بر محور زبان، قوم، مذهب و دین بل بر محور آزادی، دموکراسی و مردم‌سالاری بسیج گرداند.

با اختصار کلام مارشال سالها در کوه‌پایه‌های کشور رزمید، علیه متجاوزین حماسه آفرید و در عرصه سیاست و ادارهٔ آزمون‌های بزرگی را در پست عالی کشور سپری کرد، مارشال اردوی مجهز، قوی و با انگیزه می‌خواست، مارشال افغانستان آزاد آباد و مستقل می‌خواست و در یک کلام او افغانستان را برای مردم افغانستان می‌خواست و سالهای دراز در تحقق این آرمان‌ها رزمید و سیاست کرد.

مارشال با وجودی که در راس هرم قدرت قرار داشت به حضور و مشارکت عادلانه مردم در تصمیم‌گیری‌های مهم تاکید خاص داشت.

اندیشه‌های مارشال که برگرفته شده از اعتقادات دینی ایشان بود در بسیاری از موارد می‌تواند راه‌گشای مشکلات کنونی جامعهٔ ما باشد و بسا موارد نیز میتوان از آنها به عنوان نقشه راه استفاده کرد.

بحث حضور و مشارکت تمامی ملت‌های ساکن و برادر در افغانستان در ساختار سیاسی کشور و داشتن هویت سیاسی با برادر خواندن و برابر گفتن تمامی اقوام و ملیت‌های داخل کشور و افغانستان را خانه مشترک تمام آنان دانستن نشانه از پروسه‌ی ملی‌سازی می‌باشد همان مقوله‌ی که جامعه ما امروز شدیداً به آن نیاز داشته و برای رسیدن به آن تلاش می‌نماید.

با در نظر داشت اندوختهٔ علمی و دینی او، بحث عدالت اجتماعی و همدیگرپذیری که مقدم بر همه چیز است از اندیشه‌های تابناک ایشان می‌باشد.

آرمان مبارزات دوام‌دار او از عنفوان جوانی تا چشم‌بستن از این دنیا چیزی جز داشتن عزت، عظمت و سربلندی مردم و کشور نبود.

مارشال محمد قسیم فهیم به عنوان چهرهٔ ماندگار عدالت‌خواه کشور، رسیدن به عدالت اجتماعی و حقوق عادلانه و تأمین امنیت، مشارکت همه اقوام در دولت، ختم مظلومیت‌ها و محرومیت‌ها می‌اندیشد و با همین آرمان والا چشم از جهان فرو بست و بزرگترین درس و پیام استاده‌گی و پایمردی برای احقاق حقوق را برای نسل‌های امروز و آینده به میراث گذاشت.

روحش شاد باد.

مارشال محمد قسیم فهیم (رح) افغانستان و صلح

پریان خلیل

مارشال فهیم صلح و امنیت را گم شده دیرینه مردم افغانستان می‌دانست. «صلح و امنیت یگانه نعمتی است که زنده‌گی در سایه آن معنا می‌دهد». این ابر مرد تاریخ کشور سال‌ها مبارزاتش (از جهاد-مقاومت - پروسه بن و حکومت انتخابی) نشان می‌دهد که رد پای صلح و امنیت را دنبال می‌کرد و یکی از آرمان‌هایش رسانیدن کشتی صلح و امنیت به ساحل هدف نجات بود.

ما که سال‌هاست طعم تلخ جنگ و نا امنی را چشیده‌ایم، اگر بگوییم واژه جنگ و نا امنی منفورترین واژه برای مردم ما است سخن گزاف نیست. پس به دوست‌داران و هم‌سنگران مارشال افغانستان لازم می‌دانم که در این مناسبت تاریخی فریاد صلح خواهی، همدلی و هم‌پذیری را بلند کنند. بنا به گفته رئیس‌جمهور محمد اشرف غنی: «مارشال فهیم پیوسته به منافع علیای مملکت می‌اندیشید، حتا زمانی که به صورت رسمی در رأس نظام نبود، یک قدم از سنگر مصالح علیای مملکت عقب نشینی نکرد».

روح پر فتوح این شخصیت سترگ جهان اسلام شاد باد.

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دیگر

تازه فهمیدم پشت شان‌هایش کوه بود

در دلش اندازه افغانستان اندوه بود

رشته صف بعد او با سادگی از هم گسست

آن که در جسم نبرد رادمردان روح بود

نجیب بارور

چهره انقلابی، سیاست مدار، جهادی، دوران دیش، وطن پرست، آزاد و با غیرت!

انجینر محمد موسی حکیم پور

مارشال فهیم!

تقریباً چهار سال از رحلت ابرومندان و پرافتخار رهبر آزاده و قهرمان عدالت خواه مارشال صاحب محمد قسیم فهیم می گذرد و در طی این سه سال هر روز بیشتر از روز پیش اندیشه های ناب آزادی اش وسعت یافته و جهانگیر می شود و بینش جهانی را بخودش معطوف می دارد، همان طور در افغانستان نیز با توجه به آغاز وخیم شدن اوضاع کلی افغانستان از زمان رحلت مارشال صاحب، یادش گرامی تر و اندیشه اش پر شکوه تر برگزار مجلس می آید و مردم با دیدن نابسامانی های دولت مردان و مقایسه ایشان با عملکرد مارشال صاحب فقید، زیادتر وجدان خویش را به مارشال فهیم شناسی اتکا می دهند.

اندیشه مارشال فهیم فراگیر شده است و هر کدام از طبقات جامعه؛ چه مرد، چه زن، چه پیر، چه جوان، چه بیکار و چه محصل همیشه اندیشه شان را به سوب مکتب خانه مارشال حرکت می دهند و از افکار جانانه اش تقدیر و حمایت می کنند.

ابرمرد تاریخ قسیم فهیم یگانه کسی بود که از حیرت افکار بی مثالش ملقب به "مارشال" از طرف شخصیت شناسان گردید و با رفتش برای همه گان نشان های بارز مردانه گی، خرد دوستی، فداکاری و همدیگری را از خود بارز داد.

زنده‌یاد قسیم فهیم نه تنها لقب مارشالی و معاون ریاست‌جمهوری را از آن خود کرده بود، بلکه به نزد همه‌گان شخصیت قابل اعتماد، پدر مهربان، دوست با وفا، همدم مرد (وجه تسمیه)، مجاهد مبارز، عالم دانا، مارشال فهیم، رجال با سخاوت، انسان دور اندیش و رهبر قابل افتخار و قابل اعتماد دارا می‌باشد.

از جوانمردی‌های جناب مارشال در اکثریت حالات و از لابلای قصه‌های رهبران جهادی می‌شنیدم و اغلبا مایل به چشم دیدن بخشی از فعالیت‌هایش بودم که بصورت کلی به توانایی و دوراندیشی جناب مارشال پی ببرم که حالا برایم همه چیز هویدا گردیده‌است.

مارشال فقید، بنیادگذار اساس و پایه جذب و انسجام جوانان در زیر یک چتر بنام مجمع ملی جوانان افغانستان بوده‌است و اگر جوانان به اهمیت این کانون همه‌شمول فکر کنند و در افکارشان تعمق نمایند، به درستی ابتکار و دوراندیشی فکر جناب مارشال را خواهند دید.

از مردانگی، فهم، شجاعت، صداقت، اسلامیت، تجربه، دور اندیشی، خیراندیشی، خیرخواهی، مهربانی و استوار بودن شخصیت مارشال صاحب همه‌گان گواهی می‌دهند و کتاب‌ها در این رابطه پیشکش پیش حضور مطبعه‌ها گردیده و آغوش کتابخانه‌ها به گرمی مارشال شناسی را پذیرفتند و مارشال فهیم دوستی و ملحق شدن در مکتب خانه مارشال فهیم را افتخار دانستند.

مارشال قسیم فهیم یگانه کسی است که از خود شخصیت اسطوره‌یی بجا گذاشت و زنده‌گی پر فراز و فرود خود را ثبت کتاب چهره‌های ماندگار تاریخ و جهان نماید که خود برای افغانستان افتخار است، هرگاه افکار خردمندانه افلاطون را در "جمهور افلاطون" ببینیم، هرگاه از داشته‌های کتبی "سیاست ارسطو" شروع کنیم، از دکارت به خلقت و ماهیت اصلی موجودات دید فلسفی را درک کنیم، از بودا آیین انسانیت را جستجو کنیم، از چگوارا ایثار بر راه وطن، آزادی و انقلابی شدن را سر مشق قرار دهیم، از آدلف هیتلر تعهد و عمل را شعار قرار دهیم، از شکسپیر اندیشه تأسیس مکتب‌های عالم‌تابی را بگیریم، از ناپلئون بناپارت انگیزه آزادی‌خواهی را تقلید کنیم، از انیشتین یاد بگیریم که چگونه با دیدن به مواد هستی، موارد اختراع نماییم، از نیوتن فزیک را غنایمند بسازیم و از سقراط بیاموزیم که چگونه با حلقات روشنگری جهان را به حیرت بیادازیم و جهل را ریشه کن کنیم؟!، مبالغه نیست که از مارشال فقید می‌توان آئین هم‌گرایی، مردانگی و مقاومت را سر مشق زندگی خویش قرار داد.

بدون شک، در زمان حیات مارشال فقید چالش‌ها و مشکلات فراوان همانند چالش‌های پی در پی و هم‌زمان امروزی حکومت وحدت ملی پیش آمد، اما روش‌های مدیریتی، کنترل و دریافت راه حل چالش‌ها مختلف و متفاوت‌تر از حالی بود. آن وقت ابر مردی در این مرز و بوم عرض اندام نموده بود که مشکلات گره‌شان را در مقابل وی گسیخته می‌ساختند و خود راه‌گشا و مشکل‌گشا بود اما حالا که وی را نداریم، و فقط یادی از شهامت‌اش باقی‌است.

من به‌عنوان یک جوان این دیار، از پالیسی، دور اندیشی و برنامه‌ریزی‌های جامع مارشال فقید برای جوانان و آماده‌سازی زمینه‌های رشد برای‌شان تقدیر می‌نمایم و بر روح پاک‌شان بخاطر این ویژه‌گی همیشه درود می‌فرستم و از خداوند منان برایش طلب آموزش و سهولت آزمون قبر را تمنا دارم.

کنشکا محبوب

نام مارشال محمدقسیم فهیم هنگامی به رسانه‌های جهان راه یافت که او روز هفتم ماه اکتوبر سال ۲۰۰۱ اعلام کرد که منتظر حمله نیروهای امریکایی بر طالبان نمی‌ماند و به عنوان جانشین احمدشاه مسعود، یکی از تاثیرگذارترین فرماندهان به کابل حمله می‌کند.

هرچند جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور وقت امریکا از نیروهای جبهه متحد خواسته بود تا پیش از ایجاد یک حکومت چند قومی به کابل وارد نشوند، روزنامه تایمز یونیون خبر داد که مارشال محمدقسیم فهیم با یک گروه نظامی آموزش دیده وارد کابل شد اما بیشتر نیروهای خود را خارج از کابل نگهداشت.

کیت کلارک از «شبکه تحلیلگران افغانستان» در کابل می‌گوید که مارشال قسیم فهیم بسیار کم با رسانه‌ها سخن می‌گفت؛ اما او تاثیرگذاری زیادی در دیدارهای پشت درهای بسته داشت. کلارک در مورد تاثیر مارشال محمدقسیم فهیم در معادلات سیاسی به خبرگزاری رویترز گفت: «مارشال محمد قسیم فهیم، حامدکرزی و امریکایی‌ها، سه قدرت کلیدی از سال ۲۰۰۱ در افغانستان بودند».

محمدرافع عثمانی

مارشال محمدقسیم فهیم فرزند مولوی عبدالمتین بعد از آشنایی با قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود (رح) عملاً به جهاد مسلح در برابر قوای متجاوز شوروی سابق آغاز کرد. در جریان مبارزات به کامیابی‌های فراوان دست یافت. غیرت و شهامت مارشال فقید زبان زد همه مجاهدین در زمان بود. نیاز است چندتا ویژه‌گی ایشان را بازگو نمایم تا کسانی که فراموش کردند دوباره به خاطر بیاورند و کسانی که نمی‌دانند بدانند تا حد اقل تحت تاثیر کسانی که به دشمنی به شکل وارونه و ساخته‌گی شخصیت مارشال صاحب را به معرفی میگردند نروند.

۱- آدم متکبر نبود: روز در مسجد ابوبکر صدیق (رض) باهم روبرو شدیم از این که موقع دست‌دادن هم نبود با من دست داد. در حال که شناخت با من در آن وقت نداشت. امروزه یک مامور عادی با آدم پرسانی به قول معمول نمی‌کند چی رسد. به رئیس و وزیر.

۲- شخصیت بی‌آلایش بود: یکجا با محافظان خود نان می‌خورد. استاد سید خالد هاشمی برادرزاده استاد سیاف قصه می‌کند: روزی مارشال صاحب زنگ زد و مرا به غذا دعوت کرد، هنگامی که من رفتم خیلی خوش شد و باهم غذا خوردیم در جریان غذا خوردن من گفتم مارشال صاحب چربی را نخورید به صحت‌تان خوب نیست. خندید و به من گفت: برادرزاده من را الله پیدا کرده دو روز زندگی است ریش سفید شدم بمان بخورم. که این کمال بی‌آلایشی را نشان می‌دهد. آیا امروز هم‌چو خصلت بی‌آلایشی را شما در میان افرادی که مدعی رهبریت هستند می‌بینید؟

۳- غیور بودن :- غیرت مارشال صاحب مانند روشنی آفتاب به همه معلوم است. عبدالحفیظ

منصور می گوید هنگامی که می گفتند امشب دشمن در فلان پسته حمله می کند مارشال فهیم شب را در همان پسته سپری می کرد. و از نبرد در برابر دشمن هیچ حراس نداشت. در حالی که یک نفر که دعوی رهبری می کند هنگامی که خبر می شد امشب یا فردا دشمن حمله می کند این مردک دل درد می شد و از آمر صاحب تکت مرخصی می گرفت به خاطر معالجه.

تفکر وسیع داشت: - هنگامی که از مارشال صاحب پرسیده می شد وی خودرا متعلق به همه مردم افغانستان می دانست و می گفت: من مارشال افغانستان هستم.

۴ - کینه به دل نمی گرفت : هر قدر از او انتقاد می کردند و حتی به ایشان ناسزا می گفتند در حالی که با آنها مقابل می شد ناقدان خود را نه تنها تبع نمی کرد بل بالقاب خوب صدا می کرد. و هیچ از گذشته یاد نمی کرد.

ویژه گی های دیگر باشد به وقت دیگر.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

چهار سال از درگذشت برادر مجاهد و قهرمان، روان شاد مارشال محمدقسیم فهیم یکی از چهره های تأثیرگذار جمعیت اسلامی افغانستان گذشت. روحش شاد و یادش گرامی باد!

سروده‌یی در رثای مارشال افغانستان

عبدالصبور ظریفی

تا تو بودی ما همه نام و نشانی داشتیم
دست بالا، عزت و تاب و توانی داشتیم
خوب سنگرداری گرم و گرانی داشتیم
فن رزمایش‌گری را آن‌چنانی داشتیم
چهار سوی مملکت را پیروانی داشتیم

قامت و ارسته بودی رهروی راه خدا
با سخاوت با مروت با صداقت با وفا
با صلابت، با لیاقت، با دیانت بی‌ریا
افسری بیدار هوش و لشکری را رهنما
چون تو فرماندار با تیر و کمانی داشتیم

مارشال میهن و فرمانروای بوم و بر
هادی مردم شعار و عادل امدادگر
از کی آموزیم ما استاده‌گی باری دگر؟
شاخسار گلبن امید ما بی‌برگ و بر
حسرتا مثل شما یک باغبانی داشتیم

ای تو رستاخیز برپا کرده اندر روز جنگ
عرصهٔ جولان دشمن را همیشه کرده تنگ
گه به شهر تالقان و گاه در شیخ پلنگ
ضربه‌ها وارد همی کردی به خصمت رنگرنگ
شیر میدان نبرد و کاردانی داشتیم

کی فراموشت کند تاریخ روزی مرد وار
آمدی در اندراب و تا شدی دستی به کار
نقش سبزی را رقم کردی به خط روزگار
دشمن از ترفند کاریبی شما شد تار و مار
هر دمی دست خدا را سایه بانی داشتیم

ای شکوه تاج «کرمنای» انسانی به سر
از کجا یابیم آن شور و وقار و کر و فر
پیر برنای وطن را تکیه گاه بارور
عرض امید و تمنایت خدای دادگر
با شما به به عجب دور و زمانی داشتیم

ای خوش آن عمری که با فرماندهٔ کل بوده‌ای
همرهٔ ایشان عجب منزل به منزل بوده‌ای
همدم و همکار در هر بُعد مشکل بوده‌ای
جانشینش گر شدی حقا که قابل بوده‌ای
با جنابت آشنایی‌ها عیانی داشتیم

با تأسف دست چرخ از ما گرفتت بی گمان
تیر دلدوز قضا با هر کسی گیرد نشان
نی به اسکندر کند رحمی نه با پور کیان
ای امانت‌دار ملت ای شهیر کاروان
کاشکی ما این امانت را امانی داشتیم

یا الهی از تو لطف واپسین می‌خواهمش
خامه را مهر حقیقت بر جبین می‌خواهمش
در جوار رحمت دایم قرین می‌خواهمش
یا حضور حضرتت بالانشین می‌خواهمش
عارف شوریده‌حال و راز دانی داشتیم

فرض دانستم رثایت را نویسم این چنین
چون قلم بگرفتم و بالا زدم بر آستین
هر چه از بود و نبود داشتم عین الیقین
یاد کردم تا بماند یادگاری بعد از این
داعیِ روشنگری، روشن‌روانی داشتیم

قصر کردم داستان این هدف‌مند دلیر
قهرمان مردی ز هندوکش دیار پنجشیر
باورم دست خدایش بود او را دستگیر
عمق انداز خیالات ظریفش بی نظیر
سروری، سر دستۀ عالی بیانی داشتیم